



بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران
سبقت مالی

شماره: ۹۳/۳۳۰۴۶۲

تاریخ: ۱۳۹۳/۱۲/۰۹

پوست: دارد

شماره:
تاریخ:
پوست:

" سال ۱۳۹۳ سال اقتصاد و فرهنگ با عزم ملی و مدیریت جهادی "

جهت اطلاع کلیه بانک‌های دولتی، شرکت دولتی پست بانک، بانک‌های غیردولتی و مؤسسات اعتباری
غیربانکی ارسال گردید.

با سلام؛

احتراماً، همانطور که مستحضرنند، نظارت مؤثر بر بانک‌ها یکی از مهمترین عوامل حفظ ثبات در سیستم بانکی و به تبع آن در کل سیستم مالی می‌باشد. نظارت بانکی دقیق و پیشگیرانه باعث ایجاد ثبات شده و بانک‌ها را قادر می‌سازد به دور از تلاطم‌های ناگهانی و ریسک‌های غیرضروری به فعالیت‌های اصلی خود بپردازند. در همین راستا، کمیته بانکداری بال، به عنوان یکی از مراجع بین‌المللی معتبر در عرصه نظارت بانکی، سندی را متضمن ۲۵ اصل اساسی یا به تعبیری اصول ۲۵گانه تحت عنوان "اصول اساسی برای نظارت بانکی مؤثر" به مرحله تدوین درآورد که اولین نسخه آن در سال ۱۹۹۷ انتشار یافت و سپس در سال ۲۰۰۶ مورد بازنگری قرار گرفت. متعاقباً در سپتامبر سال ۲۰۱۲، بعد از بحران مالی سال‌های ۲۰۰۷ و ۲۰۰۸، سند مذکور توسط کمیته بال مجدداً بازنگری شد و با اضافه شدن ۴ اصل جدید به آن به ۲۹ اصل (اصول ۲۹ گانه) ارتقاء یافت. در سند مزبور، نحوه دسته‌بندی اصول نیز در مقایسه با سند پیشین، دستخوش تغییراتی شده است. به طور کلی نسخه جدید سه موضوع اصلی را مبنای کار خود قرار داده که عبارتند از: (۱) استفاده از رویکرد آینده‌نگر به منظور نظارت مؤثر بر بانک‌ها؛ (۲) نظارت مؤثر مبتنی بر تجزیه و تحلیل ریسک و مداخله زود هنگام مقام نظارت بانکی در صورت لزوم و (۳) ارزیابی مشخصه‌های ریسکی بانک‌ها با توجه به میزان ریسک موجود در عملیات آن‌ها و تحمیل ریسک از طرف یک بانک به سیستم مالی و بانکی. علاوه بر این، در سند جدید، به دو موضوع "حاکمیت شرکتی" و "شفافیت و افشاء اطلاعات در بانک‌ها" تأکید بسیاری شده است. همچنین سند مذکور، شامل حداقل استانداردهایی است که رعایت آن‌ها به منظور وضع مقررات و اعمال نظارت احتیاطی بر بانک‌ها و سیستم بانکداری توصیه شده است. در واقع استانداردهای مذکور، رهنمودهایی را جهت دستیابی به سطح قابل قبولی از نظارت بانکی ارائه می‌کند. از دیگر ویژگی‌های متمایز ویرایش جدید

تهران - بلوار میرالد - شماره ۱۴۴، تلفن: ۲۲۵۱

صندوق پستی: ۷۱۷۷ / ۱۵۸۷۵، فاکس: ۶۶۷۲۵۶۷۴، سایت اینترنتی: www.cbi.ir



بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

سند موصوف آن است که بر خلاف ویرایش‌های قبلی که دارای سند تکمیلی و تفصیلی تحت عنوان متدولوژی بودند، با جزییات بیشتری تقریر یافته و به تعبیری سند متضمن متدولوژی نیز در آن تلفیق شده است. از آنجایی که نسخ قبلی سند اصول اساسی برای نظارت بانکی مؤثر^۲ به دلیل اهمیت و ضرورت، در سالیان قبل توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران ترجمه شده بود، لذا ایجاب می‌نمود ویرایش جدید آن نیز به عنوان یکی از اسناد مهم بین‌المللی در زمینه نظارت بانکی با هدف درک و فهم دقیق‌تر و بهتر از آن و تمهید و اتخاذ تدابیر و اقدامات لازم برای پیاده‌سازی آن مورد ترجمه قرار گیرد. بنا به همین ضرورت، اداره مطالعات و مقررات بانکی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران بر آن شد تا به منظور بهبود و توسعه فرآیند نظارت بانکی و ارتقای ثبات و سلامت بانک‌ها در شرایط عدم اطمینان از طریق بالا بردن سطح کیفی نظارت احتیاطی مبتنی بر تجزیه و تحلیل ریسک نسبت به ترجمه آن اقدام نماید. تأملی بر نسخه جدید و مقایسه آن با نسخ سال‌های ۱۹۹۷ و ۲۰۰۶ و همچنین اسناد ناظر بر متدولوژی نسخ یاد شده، از سیر تکوین و تکامل حداقل الزامات و اصول یک نظام نظارت بانکی مترقی و کارآمد حکایت دارد که حسب آموزه‌ها و تجربه‌های حاصل از رویدادها و شرایط محیطی روزآمد گردیده‌اند. لذا انتشار ویرایش جدید ما را از مطالعه و تدقیق در نسخ قبلی بی‌نیاز نمی‌نماید و نظر داشت و تأمل بر همه نسخ مذکور می‌تواند به درک و شناخت جامع‌تر و عمیق‌تر از موضوع بیانجامد.

با امید به آن که انتشار چنین آثاری بتواند در شناخت و درک بیشتر و جامع‌تر از ادبیات نظارت بانکی و تعمیق و تثبیت مفاهیم نظری موضوع نزد مدیران و کارشناسان نظام بانکی کشور، صاحب‌نظران و اهل فن و مقامات و تصمیم‌گیران مربوط مؤثر افتد و منجر به شناخت وظایف و نحوه تعامل فی‌مابین بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و شبکه بانکی کشور شود، نظارت بانکی را بهبود بخشد و ثبات مالی ناشی از یک نظارت مؤثر و کارآمد بانکی را فراهم سازد؛ سند پیوست جهت استحضار و هرگونه بهره‌برداری تقدیم می‌شود. گرچه مطالعه سند تقدیمی برای همه دست‌اندرکاران، صاحب‌نظران و علاقمندان به مباحث بانکی و به طور اخص نظارت بانکی می‌تواند مفید باشد، لیکن برای ناظران بانکی و برخی واحدهای داخلی بانک‌ها نظیر واحدهای مدیریت ریسک، حسابرسی داخلی و بازرسی بیشتر توصیه می‌شود.

تهران - بلوار میرالد - شماره ۱۴۴، تلفن: ۲۲۵۱

صفحه پستی: ۷۱۷۷ / ۱۵۸۷۵، فاکس: ۶۶۷۲۵۶۷۴، سایت اینترنتی: www.cbi.ir



بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

ضمن اعلام این که سند مذکور همچون نسخ پیشین آن در پایگاه اطلاع رسانی این بانک زیربخش نظارت بانکی و در قسمت گزیده اصول کمیته بال برای نظارت مؤثر قرار دارد، خواهشمند است دستور فرمایند این سند برای مطالعه و هرگونه بهره برداری در اختیار واحدهای ذیربط قرار گیرد. /۲۲۵۵۵۳۲/

مدیریت کل مقررات، مجوزهای بانکی و مبارزه با پولشویی

اداره مطالعات و مقررات بانکی

حمیدرضا غنی آبادی

۳۸۱۶

عبدالمهدی ارجمندنزاد

۳۲۱۵-۰۲



بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

مدیریت کل مقررات، مجوزهای بانکی و مبارزه با پولشویی

اداره مطالعات و مقررات بانکی

اصول ۲۹ گانه برای نظارت بانکی مؤثر
از انتشارات کمیته نظارت بر بانکداری بال
(سپتامبر ۲۰۱۲)

ترجمه: دکتر حسین صدقی

با همکاری محمد خدایاری

علی معروفخانی

فهرست

۵	مقدمه مترجم
۷	خلاصه
۹	۱. حرکت به سمت بازنگری
۱۱	رویکرد کلی اصول
۱۲	به کارگیری رویکرد ترکیب و ادغام رویه‌ها در تنظیم اصول
۱۴	ساختار و ارزیابی اصول اساسی
۱۴	ساختار
۱۷	سازگاری و اجرایی کردن اصول
۱۷	۱۱. اصول اساسی
۱۷	اختیارات، مسئولیت‌ها و کارکردهای ناظران
۲۳	۱۱۱. پیش شرطهای نظارت بانکی مؤثر
۲۴	چارچوب طراحی شده مناسب برای تنظیم سیاست ثبات مالی
۲۴	زیرساختار عمومی توسعه یافته
۲۵	چارچوب مشخص برای مدیریت بحران، خروج از بحران و راه‌حل‌ها
۲۵	سطح قابل قبولی از حمایت سیستمی
۲۵	نظم مؤثر بازار
۲۶	۱۷. متدولوژی ارزیابی
۲۶	استفاده از متدولوژی [ارزیابی]
۲۷	ارزیابی میزان انطباق با اصول اساسی نظارت
۳۰	نکات عملی در انجام یک ارزیابی
۳۱	۷. معیارهای سنجش میزان انطباق با اصول اساسی
۳۲	اختیارات نظارتی، مسئولیت‌ها و کارکردها
۳۲	اصل ۱: مسئولیت‌ها، اهداف و اختیارات
۳۳	اصل ۲: استقلال، پاسخ‌گویی، حمایت مالی و قانونی برای ناظران
۳۵	اصل ۳: همکاری و مشارکت

- اصل ۴: فعالیتهای مجاز ۳۶
- اصل ۵: معیارهای اعطای مجوز ۳۶
- اصل ۶: انتقال مالکیت‌های عمده ۳۸
- اصل ۷: تملک‌های عمده ۳۹
- اصل ۸: رویکرد نظارتی ۴۰
- اصل ۹: ابزارها و تکنیک‌های نظارت ۴۱
- اصل ۱۰: گزارش دهی نظارتی ۴۴
- اصل ۱۱: اختیارات محدود کننده و اصلاحی ناظران ۴۵
- اصل ۱۲: نظارت تلفیقی ۴۷
- اصل ۱۳: روابط بین ناظران کشورهای مبدأ و مقصد ۴۹
- اصل ۱۴: حاکمیت شرکتی ۵۱
- اصل ۱۵: فرایند مدیریت ریسک ۵۲
- اصل ۱۶: کفایت سرمایه ۵۶
- اصل ۱۷: ریسک اعتباری ۵۸
- اصل ۱۸: دارائیهای مشکل‌دار [غیر جاری]، ذخایر و اندوخته‌ها ۶۰
- اصل ۱۹: ریسک تمرکز و محدودیت‌های تسهیلات و تعهدات کلان ۶۲
- اصل ۲۰: معامله با اشخاص مرتبط ۶۴
- اصل ۲۱: ریسک کشوری و ریسک انتقال ۶۵
- اصل ۲۲: ریسک بازار ۶۶
- اصل ۲۳: ریسک نرخ بهره در دفاتر بانکی ۶۸
- اصل ۲۴: ریسک نقدینگی ۶۹
- اصل ۲۵: ریسک عملیاتی ۷۲
- اصل ۲۶: کنترل داخلی و حسابرسی ۷۴
- اصل ۲۷: گزارش‌دهی مالی و حسابرسی مستقل ۷۶
- اصل ۲۸: افشاء و شفافیت ۷۷

اصل ۲۹: سوء استفاده از خدمات مالی ۷۸

پیوست ۱: مقایسه بین اصول اساسی نسخه حاضر با نسخه سال ۲۰۰۶ ۸۲

پیوست ۲: ساختار و رهنمودی برای گزارش‌های ارزیابی تهیه شده توسط صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی ۸۳

بسمه تعالی

مقدمه مترجم

بدنبال وقوع بحران مالی در سال‌های ۲۰۰۷ و ۲۰۰۸ میلادی، ضرورت بازنگری سیاست‌های احتیاطی و پیش‌گیرانه برای سیستم‌های مالی، بخصوص سیستم بانکی، بیش از پیش برای مراجع نظارتی بین‌المللی در عرصه بانکداری مشخص گردید. این موضوع از آن جهت اهمیت ویژه‌ای پیدا کرد که نظارت دقیق و پیش‌گیرانه از ملزومات دستیابی به ثبات مالی در سطح داخلی یک کشور و در نتیجه در سطح بین‌المللی است. یکی از مراجع بین‌المللی در عرصه بانکداری، کمیته نظارت بانکی بال است. کمیته نظارت بانکی بال شامل نمایندگان ارشد مسئولین مربوط به نظارت بانکی و بانک‌های مرکزی آرژانتین، استرالیا، بلژیک، برزیل، کانادا، چین، فرانسه، آلمان، هنگ‌کنگ، هند، اندونزی، ایتالیا، ژاپن، کره، لوکزامبورگ، مکزیک، هلند، روسیه، عربستان سعودی، سنگاپور، آفریقای جنوبی، اسپانیا، سوئد، سوئیس، ترکیه، انگلستان و آمریکا می‌باشد. این کمیته اصولی را تحت عنوان "اصول اساسی برای نظارت بانکی مؤثر" برای بهبود سطح کیفی نظارت بانکی تدوین کرد که اولین نسخه این اصول در سال ۱۹۹۷ انتشار یافت و سپس در سال ۲۰۰۶ بازنگری شد و در قالب ۲۵ اصل اساسی و یا به تعبیری اصول ۲۵ گانه منتشر گردید. این اصول شامل حداقل استانداردی است که به منظور تعیین مقررات و نظارت احتیاطی بر بانک‌ها و سیستم بانکداری تعیین شده است که در واقع رهنمودهایی را جهت دستیابی به سطح قابل قبولی از امور نظارتی و بانکی تعریف و تعیین می‌کند.

متن پیش رو، ترجمه جدیدترین نسخه این اصول است که نسخه بازنگری شده نسخه قبلی بوده و در سپتامبر ۲۰۱۲ توسط کمیته بال انتشار یافته است و دارای ۲۹ اصل (اصول ۲۹ گانه) می‌باشد و به منظور نظارت مؤثر بر بانکداری به همه کشورهای دنیا پیشنهاد گردیده است. نسخه اولیه اصول اساسی یعنی نسخه ۱۹۹۷، دارای سند جداگانه‌ای نیز می‌باشد که تحت عنوان متدولوژی اصول اساسی بوده و در سال ۱۹۹۹ منتشر گردید. این متدولوژی در واقع روش‌شناسی انجام ارزیابی نظارتی با استفاده از این اصول را نشان می‌دهد که این سند نیز همراه با سند اصلی اصول اساسی در سال ۲۰۰۶ مورد ارزیابی قرار گرفت. یکی از ویژگی‌های نسخه جدید (نسخه ۲۰۱۲) که آن را نسبت به نسخ ۱۹۹۷ و ۲۰۰۶ متمایز می‌کند این است که در این نسخه، متدولوژی ارزیابی با اصول نظارت تلفیق شده است. در واقع، در نسخه ۲۰۱۲، سعی بر این است که با سازماندهی دوباره اصول، یک سند واحد از طریق ادغام و ترکیب اصول با متدولوژی ارزیابی ایجاد شده تا بکارگیری آن با سهولت و سرعت بیشتری انجام پذیرد. به علاوه، ۴ اصل جدید به این نسخه نسبت به نسخه سال ۲۰۰۶ (اصول ۲۵ گانه) اضافه شده و نحوه دسته‌بندی اصول نیز تغییراتی پیدا کرده است. اصول جدید در نسخه جدید به دو موضوع "حاکمیت شرکتی" و "شفافیت و افشاء اطلاعات در بانک‌ها" تأکید دارند. بطور کلی نسخه جدید سه نکته کلی و اصلی را مبنای کار خود قرار داده

است که عبارتند از: ۱) استفاده از رویکرد آینده‌نگر به منظور نظارت مؤثر بر بانکداری؛ ۲) نظارت مؤثر مبتنی بر تجزیه و تحلیل ریسک و مداخله زود هنگام مقام نظارتی در صورت لزوم و ۳) ارزیابی مشخصه‌های ریسکی بانک‌ها با توجه به میزان ریسک موجود در عملیات آنها و تحمیل ریسک از طرف یک بانک به سیستم‌های مالی و بانکی.

از آنجایی که نسخ قبلی سند اصول اساسی نظارت بانکی مؤثر به عنوان یکی از اسناد مرجع و ارزشمند در زمینه نظارت بانکی، در بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران مورد ترجمه قرار گرفته است، لذا ایجاب می‌نمود که ویرایش جدید آن یعنی نسخه ۲۰۱۲ نیز ترجمه شده تا نظام بانکی کشور عزیزمان از سیر تکامل اصول و الزامات مربوط به نظارت بانکی مؤثر بی‌بهره نماند و همواره درک بهتر و عمیق تری را نسبت به آخرین استانداردهای مربوط داشته باشد. با توجه به توضیحات فوق، فهم صحیح اصول ۲۹ گانه به عنوان یکی از اسناد مهم و رسمی بین‌المللی و حرکت به سوی پیاده‌سازی آن‌ها گام مهمی در راستای حفظ ثبات مالی در داخل کشور و دور ماندن بانک‌ها از شرایط عدم اطمینان از طریق بالا بردن سطح کیفی نظارت احتیاطی مبتنی بر تجزیه و تحلیل ریسک می‌باشد. لذا، ترجمه حاضر در ادامه ترجمه‌های نسخ قبلی، اولین گام در راستای رسیدن به این مهم است.

شایان ذکر است که هر گونه انتقاد و پیشنهاد سازنده در مورد ترجمه حاضر می‌تواند منجر به ارتقاء سطح کیفی مطلب گردد؛ بنابراین، پیشنهادات و نظرات مفید در این خصوص، مورد استفاده قرار خواهد گرفت. در پایان، لازم می‌دانم از جناب آقای محمد خدایاری رئیس محترم گروه مطالعاتی حسابداری و مالی اداره مطالعات و مقررات بانکی و آقای علی معروفخانی از همکاران آن اداره که در ویرایش ترجمه حاضر همکاری داشته‌اند، کمال تشکر را داشته باشم.

دکتر حسین صدقی
پاییز ۱۳۹۳

اصول اساسی (۲۹ گانه) نظارت مؤثر بر بانکداری

(اصول اساسی نظارت کمیته بال، سپتامبر ۲۰۱۲)

ترجمه: دکتر حسین صدقی

خلاصه

- ۱- اصول اساسی مربوط به نظارت بانکی مؤثر شامل حداقل استانداردی است که به منظور تعیین مقررات و نظارت احتیاطی بر بانکها و سیستم بانکداری تعیین شده است. این اصول برای اولین بار توسط کمیته بال^۱ در سال ۱۹۹۷ صادر شده و برای چند کشور به عنوان الگویی از ارزیابی سطح کیفیت سیستم نظارتی آنها و همچنین برای تعریف و تعیین رهنمودهایی جهت دستیابی به سطح قابل قبولی از امور نظارتی و بانکی استفاده می‌شوند. اصول اساسی نظارت کمیته بال توسط صندوق بین‌المللی پول (IMF)^۲ و بانک جهانی، به عنوان بخشی از برنامه ارزیابی بخش مالی (FSAP)^۳، جهت ارزیابی میزان اثربخش بودن امور و سیستم‌های نظارت بانکی کشورها مورد استفاده قرار می‌گیرد.
- ۲- اصول اساسی بال آخرین بار در اکتبر ۲۰۰۶ توسط کمیته بال با همکاری ناظرانی از سراسر جهان مورد ارزیابی دوباره قرار گرفت. در اکتبر ۲۰۱۰ کمیته در گزارش خود به گروه G20 که در واکنش به بحران مالی بود، برنامه خود را در رابطه با بازنگری و تقویت اصول نظارتی در سراسر جهان اعلام داشت.
- ۳- در مارس ۲۰۱۱، گروه مربوط به این اصول^۴، از جانب کمیته متعهد شد تا اصول اساسی بال را بازنگری و به روز کند. این دستور کمیته بال در رابطه با در نظر گرفتن چند عامل از جمله توسعه بازارهای مالی جهانی، چشم انداز نظارتی و تجربیات بعد از بحران‌های مالی و اقتصادی در اکتبر ۲۰۰۶^۵، به منظور ارتقای سیستم‌های نظارتی پایدار بوده است. هدف کمیته بال

^۱ کمیته نظارت بانکی بال شامل نمایندگان ارشد مسئولین مربوط به نظارت بانکی و بانک‌های مرکزی آرژانتین، استرالیا، بلژیک، برزیل، کانادا، چین، فرانسه، آلمان، هنگ‌کنگ، هند، اندونزی، ایتالیا، ژاپن، کره، لوگزامبورگ، مکزیک، هلند، روسیه، عربستان سعودی، سنگاپور، آفریقای جنوبی، اسپانیا، سوئد، سوئیس، ترکیه، انگلستان، و آمریکا می‌باشد.

^۲ International Monetary Fund

^۳ The Financial Sector Assessment programme

^۴ گروه تنظیم کننده اصول اساسی، شامل اعضاء کمیته و گروه مشاوره‌ای بال بوده که در برگیرنده نمایندگانی از اعضاء کمیته و آنهایی که عضو کمیته نیستند و همچنین گروه‌های جغرافیایی مربوط به نظارت بانکی، IMF، بانک جهانی و هیأت خدمات مالی اسلامی (Islamic Financial Services Board: IFSB)، می‌باشد.

^۵ برای مثال، به گزارش هیأت ثبات مالی در نوامبر ۲۰۱۰ در رابطه با انگیزه و اثر بخشی نظارت SIFI، گزارش بازنگری ماهیت و حوزه متمایز مقررات مالی در ژانویه ۲۰۱۰، و گزارش گروه ارشد نظارتی در رابطه با تجربیات بحران جهانی بانکی در سال ۲۰۰۸ در رابطه با مدیریت ریسک در سال ۲۰۰۹، مراجعه کنید.

از بازنگری، اطمینان از سودمند بودن اصول نظارتی تعریف شده برای بهبود و ارتقاء نظارت مؤثر بانکی برای همه کشورها می‌باشد.

۴- در بازنگری اصول نظارتی، کمیته بال به دنبال دستیابی به یک حد تعادل در رسیدن به اصول پایدار و در عین حال کاربردی و انعطاف پذیر برای همه کشورها و جهان بوده است. این ویژگی مورد نظر (رویکرد تناسبی) در اصول بازنگری شده به این علت است که طیف گسترده‌ای از سیستم‌های بانکی را شامل شود. رویکرد تناسبی، امکان ارزیابی میزان انطباق با اصول اساسی را متناسب با مشخصه‌های ریسکی و اهمیت سیستمی طیف وسیعی از بانک‌ها فراهم می‌آورد.

۵- اصول اساسی و همچنین متدولوژی این اصول^۶ (متدولوژی ارزیابی) برای ارزیابی سیستم‌های نظارتی و مواردی که نیاز به بهبود دارند به کمک همه کشورها آمده‌اند. در عین حال که کمیته سعی نموده رویکرد مستمر و مقایسه‌ای در بکارگیری این اصول داشته باشد، جهت فراهم آوردن یک سند واحد، اقدام به ادغام و ترکیب این اصول با متدولوژی ارزیابی هم کرده است. اصول ۲۹ گانه نیز به گونه‌ای سازماندهی مجدد شده‌اند که بکارگیری آنها از طریق یک ساختار منطقی‌تر به سرعت و سهولت انجام گیرد. چنین ساختاری، از اختیارات نظارتی، مسئولیت‌ها و کارکردها شروع شده و در ادامه، انتظارات بانک‌ها از سیستم نظارتی با تأکید بر اهمیت حاکمیت شرکتی و مدیریت ریسک و میزان منطبق بودن کارها با استانداردها بیان می‌شود.

۶- برخی اصول از جمله موارد مربوط به مدیریت ریسک و رویه‌های نظارتی، مورد تأکید قرار گرفته‌اند. معیارهای زیادی که در گذشته به عنوان معیارهای ارزیابی اضافی یا فرعی بوده‌اند، اکنون به عنوان معیارهای ضروری و اصلی مطرح و معیارهای جدید دیگری نیز اضافه شده‌اند. ضعف‌های مهم مربوط به حوزه مدیریت ریسک و همچنین حوزه‌هایی که در بحران اخیر بیشتر آسیب پذیر بوده‌اند در بازنگری جدید مورد تأکید قرار گرفته است.

به علاوه، برخی از مواردی که در طول سال‌های بحران اخیر پدیدار گشته‌اند نیز مورد توجه قرار گرفته است. کمیته بال قصد دارد که این موارد را در اصول اساسی نظارتی جدید در نظر بگیرد:

الف- نیاز به انگیزه و منابع بیشتر به منظور تعامل مؤثر با بانک‌های بزرگی که به لحاظ سیستمی حائز اهمیت هستند؛

ب- اهمیت بکارگیری یک رویکرد سیستمی و کلان نسبت به نظارت مبتنی بر سیاست‌های احتیاطی به منظور کمک به شناخت، تجزیه و تحلیل و اتخاذ فعالیت‌های پیشگیرانه جهت بررسی ریسک سیستمی؛

ج- تمرکز هر چه بیشتر بر مدیریت مؤثر بحران، شاخص‌های بهبود و نشانه‌های خروج از بحران به منظور کاهش احتمال و اثرات ورشکستگی بانک‌ها.

^۶ متدولوژی اصول اساسی در سال ۱۹۹۹ بطور جداگانه ایجاد شد و سپس در سال ۲۰۰۶ به منظور فراهم آوردن جزئیات بیشتر و رهنمودهایی در مورد معیارهای ارزیابی و میزان سازگاری و تطبیق با اصول اساسی، مورد ارزیابی قرار گرفت.

۷- علاوه بر این، یک حاکمیت شرکتی پایدار و درست، مدیریت مؤثر ریسک و اعتماد عمومی را در یک بانک و همچنین کل سیستم بانکی پی‌ریزی می‌کند. با توجه به ناکارایی‌های اصولی در حاکمیت شرکتی که در بحران اخیر نمودار شد، یک اصل جدید در رابطه با حاکمیت شرکتی به اصول اضافه شد. این اصل جدید حاصل ترکیب معیارهای موجود مربوط به حاکمیت شرکتی در متدولوژی ارزیابی، همراه با تاکید بیشتر بر فعالیت‌های حاکمیتی پایدار می‌باشد. به همین طریق، کمیته بر نقش کلیدی نظم و انتظام مستحکم بازار در ایجاد یک سیستم بانکی مطمئن و سالم، تصریح کرد. این امر از طریق بسط یک اصل اساسی موجود به دو اصل جدید صورت گرفت. این دو اصل به ترتیب عبارتند از شفافیت و افشای اطلاعات بیشتر برای عموم و گزارشگری مالی گسترده‌تر و حسابرسی مستقل.

۸- در حال حاضر، سطح‌بندی و رتبه‌بندی میزان انطباق با اصول اساسی کمیته بال، فقط مبتنی بر معیارهای اساسی می‌باشد. به منظور تشویق و ایجاد انگیزه برای مقام‌های قانونی به خصوص مراکز مالی مهم و ترغیب آنها به پذیرش بالاترین استانداردهای نظارتی، اصول نظارتی بازنگری شده، امکان استفاده کشورها از گزینه‌های اختیاری بیشتر را در فرایند ارزیابی و سطح‌بندی فراهم می‌سازد. به منظور اجرای هر چه صحیح‌تر اصول، کمیته بال مقیاس چهار سطحی موجود برای ارزیابی میزان انطباق با اصول اساسی را حفظ کرده است. این مقیاس، شامل سطح "تا حدود زیادی غیر منطبق" است که به فراهم آوردن یک شاخص هشداردهنده قوی به مسئولین، کمک می‌کند. این رهنمودها مربوط به شاخص‌های پیشگیرانه است که برای مشخص کردن نواقص مقرراتی و نظارتی لازم هستند.

۹- به عنوان نتیجه‌ای از بازنگری اصول اساسی، تعداد اصول اساسی نظارت از ۲۵ به ۲۹ اصل افزایش یافت. در کل ۳۹ معیار ارزیابی جدید وجود دارد که شامل ۳۴ معیار ضروری و ۵ معیار اضافی می‌باشد. به علاوه، ۳۴ معیار اضافی به معیارهای ضروری تبدیل شده که حداقل الزامات نظارتی را برای کشورها فراهم می‌آورد.

۱۰- اصول نظارتی بازنگری شده بدنبال فراهم آوردن یک استاندارد جامع و فراگیری است که بنیان مستحکمی را برای قانون گذاری، نظارت، حاکمیت و در نهایت مدیریت ریسک بخش بانکداری فراهم آورد. با توجه به اهمیت و مؤثر بودن اجرای استانداردها، کمیته این آمادگی را دارد که به کمک کشورها آمده و آنها را تشویق کند تا اصول اساسی بازنگری شده در کنار سایر مقامات نظارتی و گروه‌های مربوط در سطح ملی اجرایی گردد.

I. حرکت به سمت بازنگری

۱۱- کمیته بال، اصول اساسی را به منظور نظارت مؤثر بانکی مورد بازنگری قرار داده است. کمیته در بازنگری اصول اساسی نظارت، از یک طرف به دنبال فراهم آوردن اصول ثابت برای نظارت بر بانکها (با توجه به تجربیات حاصل از بحران و

بیشرفت‌هایی که در حوزه نظارت بعد از آخرین بازنگری اصول در سال ۲۰۰۶ (اتفاق افتاد)^۷ و از طرف دیگر کاربردی و جهان شمول بودن این اصول برای همه کشورها بوده است. با ایجاد چنین اصولی، کاربرد عملی اصول اساسی می‌تواند نظارت بر بانکداری را در سطح جهانی بهبود بخشد.

۱۲- اصول اساسی بازنگری شده، الزامات نظارتی، رویکردهای نظارت و انتظارات ناظران از بانک‌ها را تقویت می‌کند. این امر از طریق تمرکز بیشتر بر نظارت مؤثر مبتنی بر ریسک و مداخله زود هنگام و اقدامات به‌موقع نظارتی، حاصل می‌شود. ناظران باید مشخصه‌های ریسکی بانک‌ها را از نظر میزان ریسک موجود در عملیات آنها، میزان تأثیر مدیریت ریسک و میزان ریسکی که آنها به سیستم‌های بانکی و مالی تحمیل می‌کنند مورد ارزیابی قرار دهند. فرایند نظارت مبتنی بر ریسک، منابع نظارتی که دارای بهترین اثر بوده، به نتایج و فرایندها تمرکز داشته و فراتر از یک ارزیابی منفعلانه از میزان انطباق با مقررات باشند را انتخاب می‌کند.

۱۳- اصول اساسی، اختیاراتی که ناظران باید جهت ارزیابی داشته باشند را معین می‌کنند. زمانی که ضعف و عدم کارایی در سیستم وجود دارد، استفاده از این اختیارات توسط ناظران الزامی و حیاتی است. در پیش گرفتن یک رویکرد آینده‌نگر به منظور انجام نظارت از طریق مداخله زود هنگام، می‌تواند مانع از توسعه و گسترش یک ضعف عملکردی شناخته شده و تبدیل آن به یک تهدید شود. این موضوع به صورت خاص برای موارد پیچیده و همچنین برای مواردی که امور نظارتی باید با توجه به شرایط هر بانک انجام بپذیرند کاربرد دارد.

۱۴- با وجود تلاش‌های زیاد، برای تقویت و تمرکز دوباره روی اصول اساسی، کمیته هنوز نسبت به روشن ساختن نحوه استفاده عملی از اصول محتاط است و سعی می‌کند این اطمینان را فراهم کند که اصول اساسی بازنگری شده، یک سری اصول مرتبط همیشگی و کاربردی به منظور ایجاد یک الگو و مدل برای امور نظارتی بوده که برای زمان‌های مختلف و محیط‌های در حال تغییر، ثابت باشند. به همین دلیل، بازنگری اصول اساسی، به منظور حفظ ویژگی استمرار و قابل مقایسه بودن آن، بر مبنای نسخه قبلی انجام شده است.

۱۵- در راستای تلاش برای جهانی بودن اصول اساسی نظارت، کمیته کار خود را با همکاری گروه مشاوره‌ای بال شامل نمایندگان کشورهای عضو و غیر عضو کمیته، گروه‌های منطقه‌ای بانکی، صندوق بین‌المللی پول (IMF)، بانک جهانی و هیأت خدمات مالی اسلامی (IFSB)^۸، انجام داده است. کمیته قبل از نهایی کردن متن، با صنعت مربوط و بخش عمومی مشورت و رایزنی کرده است.

^۷ به طور مشخص، استانداردهای نظارتی توسعه یافته بین‌المللی برای میزان سرمایه و استانداردهای جدید بین‌المللی در رابطه با نقدینگی، که به منظور بهبود پایداری و ثبات در بخش بانکی طراحی شده، نیز مطرح شده است.

^۸ Islamic Financial Services Board

رویکرد کلی اصول

۱۶- اصل اول از اصول اساسی، در رابطه با افزایش امنیت مالی و پایداری بانکها و سیستم بانکی به عنوان هدف اولیه و ابتدایی نظارت بانکی می‌باشد. رویه‌های قانون‌گذاری ممکن است که مسئولیت‌های دیگری را به عهده ناظران بانکی قرار دهد. این وظایف نباید با اهداف اولیه^۹ مطرح شده در بالا در تضاد باشند. جلوگیری از ورشکستگی یک بانک نباید هدف ناظران بانکی باشد. بلکه، هدف ناظران کاهش احتمال ورشکستگی یک بانک و اثرات سوء آن از طریق کار کردن با مسئولین مربوط به رفع مشکلات مالی است. زیرا هنگامی که یک ورشکستگی اتفاق می‌افتد ممکن است که بصورت ادامه‌دار در آینده تکرار شود و به بانکهای دیگر نیز سرایت کند.

۱۷- برای رسیدن به اهداف از پیش تعیین شده توسط کمیته، اصول اساسی باید برای طیف وسیعی از حوزه‌های قانونی که بخش بانکداری آنها شامل انواع بانکها (اعم از بانکهای فعال بین‌المللی بزرگ یا مؤسسات سپرده‌پذیر کوچک با ساختار ساده) بوده، قابل استفاده باشند. سیستم‌های بانکی، ممکن است که محصولات و خدمات متنوعی را ارائه دهند. به همین دلیل، اصول اساسی با هدف رفع نیازهای مختلف مالی ایجاد شده‌اند. به منظور رسیدن به این اهداف کاربردی، یک رویکرد تناسبی، هم از نظر انتظار از ناظران جهت اجرای کارکردهای خود و هم از نظر استانداردهای لازم که برای بانکها الزام می‌کنند، پذیرفته شده است. در نتیجه، اصول اساسی این امکان را فراهم می‌کنند که ناظران نوعاً از یک رویکرد مبتنی بر مدیریت ریسک استفاده کنند. در این رویکرد، زمان و منابع بیشتری به بانکهای بزرگ‌تر و پیچیده‌تر و ریسکی‌تر تخصیص داده می‌شود. در زمینه استانداردهای بکار گرفته شده توسط ناظران برای بانکها، مفهوم تناسبی در اصولی نمایان می‌گردد که به ارزیابی ناظران از مدیریت ریسک بانکها مربوط می‌شود. این اصول، سطحی از انتظارات نظارتی متناسب با مشخصه‌های ریسکی^{۱۰} و اهمیت سیستمی^{۱۱} بانک را توصیف می‌کنند.

۱۸- بازنگری موفق استانداردهای فعلی و راهنمائیهای کمیته و همچنین همه استانداردها و رهنمودهای جدید، به منظور تقویت جنبه قانونی نظارت طراحی شده‌اند. ناظران برای حرکت به سمت پذیرش استانداردهای نظارتی بین‌المللی جدید و به روز شده، تشویق می‌شوند.

^۹ ناظران بانکی برخی کشورها ممکن است در رابطه با حمایت از سپرده گذار، ثبات مالی، حمایت از مصرف کننده یا تضمین مالی، مسئولیت‌هایی داشته باشند.
^{۱۰} در این سند، منظور از "مشخصه ریسکی"، ماهیت و مقیاس (اندازه) ریسک‌هایی است که بانک در عملکردهای خود می‌پذیرد.
^{۱۱} در این سند، "اهمیت سیستمی"، با معیارهایی از جمله اندازه، ارتباط بین گروهی، میزان جایگزین شدن، فعالیت‌های بین‌المللی یا فعالیت‌های بین حوزه‌ای و میزان پیچیدگی بانک، همانطور که در مقاله‌ای با عنوان بانک‌های مهم از نظر سیستمی و جهانی: متدولوژی ارزیابی و الزام جذب بیشتر زیان در BCBS (Basel Committee on Banking Supervision) در نوامبر ۲۰۱۱ مطرح شده، تعریف می‌شود.

به کارگیری رویکرد ترکیب و ادغام رویه‌ها در تنظیم اصول

(i) - بانک‌هایی که از لحاظ سیستمی حائز اهمیت هستند (بانک‌های سیستمی)

۱۹- در دوران بعد از بحران مالی اخیر، تمرکز بر بانک‌های سیستمی و قوانین و اختیارات نظارتی جهت رویارویی مؤثر با مشکلات آنها بوده است. کمیته در نظر داشت یک اصل جدید را درخصوص بانک‌های سیستمی به اصول اساسی نظارت اضافه کند. اما مشخص گردید که بانک‌های سیستمی که ارزیابی آنها نیازمند نظارت قوی‌تر و منابع بسیار است، تنها یک بخش از طیف وسیع نظارت بانکی هستند زیرا هر یک از این اصول اساسی برای نظارت بر همه بانک‌ها به کار گرفته می‌شود. در عین حال، ناظران در این رابطه اهمیت بیشتری به بانک‌های سیستمی خواهند داد و کار نظارت، متناسب با مشخصه‌های ریسکی و سیستمی این بانک‌ها خواهد بود. بنابراین ضروری نیست که یک اصل جدا و مستقلاً، برای بانک‌های سیستمی اضافه گردد.

(ii) - موضوعات مربوط به سیاست‌های احتیاطی کلان و ریسک‌های سیستمی

۲۰- بحران اخیر مشخص کرد که بین عوامل مؤثر نظارتی مربوط به سیاست‌های احتیاطی خرد و کلان یک تعامل و رابطه تکاملی وجود دارد. در بخش ارزیابی ریسک، در حیطه به کارگیری این سیاست‌ها، ناظران و مسئولین مربوط باید ریسک‌ها را درحیطه‌ای وسیع‌تر از اطلاعات ترازنامه‌ای یک بانک مورد ارزیابی و مطالعه قرار دهند. به عنوان مثال، شرایط اقتصاد کلان، روند کسب و کارها و ایجاد و تمرکز ریسک در بخش بانکداری و بیرون از آن بر شدت در معرض ریسک قرار گرفتن بانک‌ها تأثیر بسزایی دارند. بنابراین، سیستم نظارتی مخصوص به بانک‌ها باید این رویکرد کلان را نیز در نظر بگیرد. تجزیه و تحلیل داده‌های مربوط به بانک‌ها، در سطح کلان و روندکل، باید با گزارش سنجش عملکرد مدیران که مربوط به اهداف ثبات مالی می‌باشد، همراه شود. این امر باید در راستای شناخت و ارزیابی ریسک سیستمی انجام گیرد. مسئولین مربوط باید توانایی اتخاذ اقدامات فوری و پیش‌گیرانه را در جهت شناسایی ریسک‌ها و عوامل آنها داشته باشند. ناظران هم باید به این تحلیل‌ها یا ارزیابی‌های ثبات مالی که توسط سایر مسئولین انجام گرفته است و بر سیستم بانکی تأثیر می‌گذارد، دسترسی داشته باشند.

۲۱- با توجه به این که چنین رویکرد وسیعی نسبت به سیستم مالی در بسیاری از اصل‌های موجود در مجموعه اصول اساسی در نظر گرفته شده است، بنابراین، کمیته اصل جداگانه‌ای را برای موضوعات و سیاست‌های احتیاطی کلان در نظر نگرفته است.

۲۲- در نظارت یک بانک که قسمتی از یک گروه بزرگ‌تر بوده، لازم است که ناظران بانکی، مشخصه‌های ریسکی آن را با چند رویکرد مدنظر داشته باشند: الف) رویکرد انفرادی (اما همراه با در نظر گرفتن موضوعات خرد و کلان همانطور که در بالا بحث شد). ب) رویکرد جمعی و تلفیقی (نظارت بر بانکی که به عنوان جزئی از یک سیستم بزرگ‌تر در کنار دیگر اجزاء آن

گروه بانکی^{۱۲} در نظر گرفته می‌شود). ج) رویکرد گروهی (در نظر گرفتن ریسک‌های احتمالی که ممکن است از دیگر اعضای گروه در بیرون از سیستم بانکی بر بانک تحمیل شود). اعضاء یک گروه (اعم از بانکی یا غیر بانکی) ممکن است که باعث تقویت گروه شوند، از طرف دیگر ممکن است که بر شرایط مالی، شهرت و بطور کلی پایداری و ثبات یک بانک تأثیر منفی داشته باشند. اصول اساسی شامل یک اصل مشخص مربوط به نظارت جامع و تلفیقی بر گروه‌های بانکی می‌باشد. این اصول همچنین اهمیت بنگاه‌های اصلی و دیگر اعضاء گروه‌های غیر بانکی را در ارزیابی ریسک‌هایی که یک بانک یا گروه بانکی می‌پذیرد، در نظر می‌گیرند. چنین دیدگاهی در رابطه با حوزه ریسک، فراتر از مفاهیم مربوط به حساب‌های تلفیقی در حسابداری می‌باشد. ناظران بانکی در اجرای کارکردهای خود باید یک نگاه جامعی نسبت به ریسک، اعم از ریسک‌های داخلی یک بانک، ریسک‌های مؤسسات مرتبط با آن یا ریسک‌های ناشی از محیط کلان مالی غالب را در نظر بگیرند.

۲۳- ناظران همچنین باید نسبت به تغییرات و شکل‌گیری فعالیت‌های مالی خارج از سیستم بانکی (مانند شکل‌گیری ساختارهای مالی شبیه بانک) و ریسک‌های احتمالی آنها آگاه باشند. اطلاعات و داده‌های مربوط به این موضوع باید در دسترس سایر مسئولین مربوط به موضوع ثبات مالی نیز قرار بگیرد.

(ii) مدیریت بحران، خروج از بحران و راه‌حل‌ها

۲۴- اگرچه نقش ناظران بانکی جلوگیری از ورشکستگی نیست، اما نظارت آنان به منظور کاهش احتمال ورشکستگی و اثرات آن انجام می‌شود. بانک‌ها بعضی مواقع و بصورت دوره‌ای در ورطه خطر و مشکلات می‌افتند و به منظور کاهش اثرات سوء آن بر بانک‌های مزبور و کل سیستم مالی و بانکی، نیاز به تجهیز و آماده‌سازی مؤثر در برابر بحران و مدیریت آن و تعیین شاخص‌ها و چارچوب‌های منظمی برای حل این مشکلات است.

۲۵- چنین شاخص‌هایی ممکن است که از دو جهت بررسی شوند: الف) شاخص‌هایی که توسط ناظران و دیگر مسئولین مربوط پذیرفته و بکار گرفته می‌شوند (شامل برنامه‌های مربوط به توسعه راه‌حل‌ها، در دسترس بودن و به اشتراک گذاشتن اطلاعات با دیگر مسئولین، اعم از داخلی یا برون‌مرزی، به منظور رفع مشکل و ساختاردهی دوباره سیستم بانکی که دچار مشکل شده است)؛ و ب) شاخص‌هایی که توسط بانک‌ها پذیرفته شده و بکار گرفته می‌شوند. این شاخص‌ها باید توسط ناظران به عنوان بخشی از کارهای نظارتی مستمر آنها مورد ارزیابی دقیق قرار گیرد.

^{۱۲} در این سند گروه بانکی شامل شرکت مادر، بانک و اداره‌های آن، شرکت‌های فرعی و وابسته و سرمایه‌گذارهای مشترک، اعم از داخلی و یا خارجی می‌باشد. ریسک ناشی از سایر مؤسسات در گروه‌های وسیع‌تر، به عنوان مثال، موسسه‌های غیربانکی (شامل مؤسسات غیر مالی) نیز ممکن است مرتبط بوده و در این تعریف قرار گیرند. چنین رویکرد گروهی در کار نظارت، فراتر از رویکرد تلفیقی در حسابداری می‌باشد.

۲۶- به منظور تأکید و نشان دادن اهمیت مدیریت بحران، خروج از بحران و شاخص‌های حل مشکل، اصول اساسی معینی به ارزیابی ترتیبات احتیاطی اشاره می‌کنند. به منظور الزام بیشتر در خصوص همکاری ناظران کشورهای مبدأ و مقصد جهت مدیریت بحران و ارائه راه‌حل برای بانک‌های برون‌مرزی، اصل مربوط به رابطه بین ناظران تأکید و تقویت یافته‌است.

(iv) حاکمیت شرکتی، افشاء اطلاعات و شفافیت

۲۷- همان‌طور که در دوره بحران دیده شد، نواقص مربوط به حاکمیت شرکتی در بانک‌ها می‌تواند تأثیرات جدی بر بانک موردنظر و حتی در بعضی موارد بر کل سیستم مالی داشته باشد. در این بازنگری، در خصوص مؤثر بودن حاکمیت شرکتی به عنوان یکی از عوامل ضروری در حفظ ثبات و امنیت بانک‌ها، یک اصل جدید به اصول اساسی اضافه شده است. این اصل جدید، معیارهای فعلی حاکمیت شرکتی در متدولوژی ارزیابی را گرد هم آورده و تأکید بیشتری بر حاکمیت شرکتی صحیح و پایدار دارد.

۲۸- به همین طریق، بحران مالی اخیر باعث شد که اهمیت شفافیت و افشاء اطلاعات جهت حفظ اعتماد و اطمینان در بانک‌ها نمایان شود. این اطمینان از این طریق حاصل می‌شود که فعالان بازارها اجازه پیدا می‌کنند مشخصه‌های ریسک بانک‌ها را بشناسند و در نتیجه عدم قطعیت بازار در رابطه با قدرت مالی بانک‌ها کمتر می‌شود. بنابراین، یک اصل از اصول اساسی برای فراهم آوردن رهنمودهای بیشتر برای فعالیت‌های نظارتی در این حوزه اضافه شده است.

ساختار و ارزیابی اصول اساسی

ساختار

۲۹- نسخه قبلی اصول اساسی، با یک متدولوژی ارزیابی جداگانه‌ای همراه بوده است تا به منظور اندازه‌گیری میزان انطباق با اصول اساسی مورد استفاده قرار گیرد. در این بازنگری، متدولوژی ارزیابی با اصول اساسی ادغام شده و یک سند واحد را ایجاد کرده که نشان دهنده مرتبط بودن اصول اساسی نظارت و معیارهای ارزیابی و همچنین حوزه‌های مشترک استفاده از آنها می‌باشد. اصول ۱ تا ۱۳ نشان دهنده اختیارات، مسئولیت‌ها و کارکردهای نظارتی و اصول ۱۴ تا ۲۹ به انتظارات ناظران از بانک‌ها، تأکید بر یک حاکمیت شرکتی مناسب و مدیریت ریسک و همچنین، منطبق بودن بر استانداردهای نظارتی مربوط می‌شوند. این ترتیبات جدید، مشخص‌کننده تفاوت بین آنچه ناظران انجام می‌دهند و آنچه آنها از بانک‌ها انتظار دارند که انجام دهند می‌باشد. جدول مقایسه دو نسخه در پیوست شماره ۱ ارائه شده است.

ارزیابی

۳۰- اصول اساسی، سطحی از نظارت صحیح را ارائه می‌دهند که می‌تواند توسط ناظران، به عنوان نمونه و الگویی برای ارزیابی کیفیت سیستم‌های نظارتی آنها مورد استفاده قرار گیرد. این اصول همچنین توسط صندوق بین‌المللی پول (IMF) و بانک

جهانی در برنامه ارزیابی بخش مالی (FSAP)^{۱۳} برای ارزیابی میزان مؤثر بودن کارها و سیستم‌های بانکی کشورها مورد استفاده قرار گرفته است.

۳۱- این بازنگری، رویکرد قبلی که هم شامل معیارهای ضروری و هم معیارهای اضافی به عنوان بخشی از متدولوژی نظارت بوده را حفظ کرده است. معیارهای ضروری، حداقل الزامات پایه مورد نیاز را برای یک نظارت بانکی پایدار فراهم آورده است که این معیارها قابل استفاده برای همه کشورها می‌باشد. اما باید توجه داشت که برای ارزیابی سیستم بانکی یک کشور با استفاده از معیارهای ضروری مطرح شده، نظارت باید متناسب با مشخصه‌های ریسکی و اهمیت سیستمی بانک‌های تحت نظارت انجام پذیرد. به بیان دیگر، ارزیابی باید با توجه به شرایط و زمینه بکارگیری فرایندهای نظارتی انجام شود. رویکرد تناسبی و نسبی‌گرایی، شالوده همه معیارهای ارزیابی می‌باشد، حتی اگر بطور مستقیم به آن اشاره نشود.

۳۲- ارزیابی مؤثر بانکی، یک فرایند ایستا نیست. از آنجا که تجربیات در حال اضافه شدن و کسب و کار بانکداری در حال تغییر و توسعه می‌باشد، امور ارزیابی و نظارتی هم در حال تکامل و گسترش هستند. ناظران نیز اغلب بانک‌ها را برای بکارگیری بهترین گزینه‌ها ترغیب می‌کنند. ناظران نیز باید به آنچه که در راستای رسیدن و حرکت مستمر بسوی سطح بالای استانداردها لازم است، عمل کنند. اگرچه به منظور استحکام بخشیدن به این رویکرد، معیارهای اضافی اصول اساسی، امور نظارتی اضافه‌تر از انتظارات اولیه را در پی دارد ولی این معیارها به استحکام چارچوب‌های نظارتی کمک خواهد کرد. از آنجایی که کارهای نظارتی تکامل پیدا می‌کنند، انتظار می‌رود که در هر بازنگری اصول اساسی، تعدادی از معیارهای اضافی به معیارهای اصلی و ضروری تبدیل شوند. استفاده از معیارهای ضروری و اضافی به پیوستگی و کاربردی بودن این اصول در طول زمان کمک می‌کند.

۳۳- در گذشته، کشورها تنها با معیارهای اصلی سنجیده می‌شدند و در بعضی موارد نیز به صورت اختیاری، معیارهای اضافی جهت ارزیابی‌ها مورد استفاده قرار می‌گرفت و از نظرات ناظران برای گسترش کارهای نظارتی بهره‌مند می‌شدند. در آینده، کشورهایی که به وسیله IMF و بانک جهانی مورد ارزیابی قرار می‌گیرند، می‌توانند معیارهای ضروری و اضافی را جهت ارزیابی و نظارت انتخاب کنند. پیش‌بینی می‌شود که این کار انگیزه بیشتری را برای مؤسسات، بخصوص مراکز مالی بزرگ، جهت پذیرش بالاترین استانداردهای نظارتی فراهم نماید. همانند معیارهای ضروری و اصلی، هر نوع ارزیابی به وسیله معیارهای اضافی نیز باید دارای رویکرد تناسبی، که در بالا توضیح داده شد، باشند.

۳۴- به علاوه، باید در نظر داشت که بعضی امور از جمله ارزیابی صحیح شرایط اقتصاد کلان و بررسی نحوه شکل‌گیری روندهای منفی اقتصادی، به یک ساختار سخت و محکم دو بعدی "منطبق بودن" یا "منطبق نبودن" محدود نشود. اگرچه

¹³ The Financial Sector Assessment programme

ارزیابی این کارها سخت و دشوار است، اما ناظران باید ارزیابی هرچه صحیح‌تری را با استفاده از اطلاعات موجود انجام داده و اقدامات مناسبی را برای بررسی یا کاهش ریسک‌ها اتخاذ کنند.

۳۵- اگرچه انتشار گزارش‌های ارزیابی کشورها، به شفاف‌سازی کمک می‌کند، اما نتایج ارزیابی یک کشور مستقیماً با کشورهای دیگر قابل مقایسه نیست. در این رابطه چند موضوع لازم به ذکر است: اول اینکه، ارزیابی باید یک رویکرد تناسبی را ارائه دهد. بنابراین، کشورهایی که دارای بانک‌های بزرگ سیستمی هستند در مقایسه با کشورهای دارای مؤسسات کوچک و ساده سپرده‌گیر، مشکلات بیشتری را برای گرفتن درجه منطبق بودن^{۱۴} با اصول نظارتی را خواهند داشت. دوم اینکه بر این اساس، کشورها می‌توانند انتخاب کنند که آیا فقط با معیارهای ضروری نظارت و ارزیابی شوند یا اینکه علاوه بر معیارهای ضروری، تعدادی از معیارهای اضافی نیز در ارزیابی آنها استفاده شود. سوم اینکه گزارش‌های ارزیابی از جهات مختلف برای هر کشور و سیستم بانکی متفاوت و منحصر به فرد خواهد بود. بنابراین، توضیحات و نظرات کیفی همراه با سطح‌بندی هر یک از اصول اساسی باید به منظور فهم رویکرد آن کشور و نیاز به هرگونه بهبود، مورد بررسی قرار گیرد. مقایسه و سطح‌بندی کشورها با یک معیار ساده منطبق بودن یا نبودن ارزش اطلاعاتی زیادی ندارد.

۳۶- از یک منظر وسیع‌تر، نظارت مؤثر بانکی ممکن است به برخی عوامل بیرونی که در کنترل حوزه قانونی ناظران نیست بستگی داشته باشد. بنابراین، در مقام رتبه‌بندی، ارزیابی پیش‌شرطها بصورت کیفی و متمایز از ارزیابی میزان انطباق با اصول اساسی باقی خواهد ماند.

۳۷- اصل ۲۹ از اصول اساسی، به موضوع سوء استفاده از خدمات مالی از قبیل نظارت بر فعالیت‌های ضد پولشویی بانک و مبارزه با تأمین مالی تروریسم (AML/CFT)^{۱۵} مربوط می‌شود. کمیته، استفاده از این اصل را برای ارزیابی‌های برخی از کشورها غیرقابل اجتناب می‌داند، و این ارزیابی‌ها درجه‌ای از هم‌پوشانی با فرایند ارزیابی دوطرفه گروه ویژه اقدام مالی (FATF)^{۱۶} دارد. هنگامی که یک ارزیابی توسط FATF انجام شده باشد، ارزیابان FSAP^{۱۷} ممکن است بر آن ارزیابی اتکا کرده و بررسی‌های خود را بر امور اتخاذ شده توسط ناظران به منظور رفع نقاط ضعف شناخته شده توسط FATF تمرکز دهند. در صورت نبود ارزیابی FATF، ارزیابان FSAP به ارزیابی نحوه نظارت بر فعالیت‌های ضد پولشویی و مبارزه با تأمین مالی تروریسم (AML/CFT) بانک‌های هر کشور، ادامه خواهند داد.

^{۱۴} برای تعریف درجه و سطح انطباق، به بند ۶۱ مراجعه شود.

^{۱۵} Anti-money laundering/combating the financing of terrorism

^{۱۶} Financial Action Task Force

^{۱۷} The Financial Sector Assessment programme

سازگاری و اجرایی کردن اصول

۳۸- بخش بانکی، تنها و البته مهمترین بخش از سیستم مالی است که کمیته در بازنگری اصول اساسی، بدنبال سازگاری آن با استانداردهای نظارتی مرتبط با اوراق بهادار و بیمه (که خود موضوع بازنگری اخیر هستند) و همچنین استانداردهای ضد پولشویی و شفافیت بوده است. اما از آنجا که عامل اصلی ایجاد مشکل و اولویت‌های نظارتی از بخشی به بخش دیگر متفاوت است، تفاوت‌های میان بخش‌های مزبور باقی خواهد ماند. در اجرایی کردن اصول اساسی، ناظران بانکی باید نقش سیستم بانکی را در ایجاد و حمایت از بخش واقعی اقتصاد و تسهیل فعالیت‌های تولیدی در نظر داشته باشند.

II. اصول اساسی

۳۹- اصول اساسی چارچوبی از حداقل استانداردها برای نظارت صحیح و با کاربرد جهانی جهت تقویت سیستم بانکی بین‌المللی ارائه کرده است.^{۱۸} ضعف سیستم بانکی یک کشور، اعم از توسعه یافته یا در حال توسعه، می‌تواند ثبات مالی را در داخل آن کشور و در سطح بین‌المللی در معرض خطر قرار دهد. کمیته معتقد است که اجرایی کردن اصول اساسی توسط همه کشورها می‌تواند گام مهمی در راستای بهبود ثبات مالی در داخل یک کشور و در سطح بین‌المللی باشد. همچنین این اصول می‌تواند به عنوان یک پایه و اساس برای توسعه بیشتر سیستم‌های نظارتی آینده قرار گیرد. بیشتر کشورها این اصول را پذیرفته و بکار گرفته‌اند.

۴۰- اصول بازنگری شده شامل ۲۹ اصل است که برای یک سیستم مؤثر نظارتی نیاز است. این اصول شامل دو گروه می‌شوند. گروه اول (اصول ۱ تا ۱۳) بر اختیارات، مسئولیت‌ها و کارکرد ناظران و گروه دوم (اصول ۱۴ تا ۲۹) بر مقررات والزامات احتیاطی برای بانک‌ها تاکید دارند. اصل اول از اصول قدیم به سه اصل جداگانه تقسیم شده است و اصول جدید مربوط به حاکمیت شرکتی، شفافیت و افشاء نیز اضافه شده‌اند. بنابراین اصول ۲۵ گانه به ۲۹ اصل افزایش پیدا کرده است.

۴۱- اصول ۲۹ گانه اساسی عبارتند از:

اختیارات، مسئولیت‌ها و کارکردهای ناظران

اصل ۱- مسئولیت‌ها، اهداف و اختیارات: سیستم مؤثر نظارتی دارای اهداف و مسئولیت‌های روشن برای همه مسئولین درگیر در کار نظارت بانک‌ها و گروه‌های بانکی می‌باشد. یک چارچوب قانونی مناسب برای نظارت بانکی، به مسئولین نظارتی قدرت و اختیارات لازم را برای نظارت مستمر داده و میزان انطباق با قوانین را بررسی کرده و اقدامات اصلاحی به موقع را در راستای بررسی موضوعات پایداری و ثبات اتخاذ می‌کند.

^{۱۸} اصول اساسی به عنوان یک چارچوب اختیاری از حداقل استانداردهایی برای فعالیت‌های نظارتی می‌باشد. مسئولین ملی در به کارگیری شاخص‌های تکمیلی که به نظر می‌رسد برای دستیابی به نظارت مؤثر در حوزه قانونی خود لازم است، دارای اختیار عمل هستند.

اصل ۲- استقلال، پاسخ‌گویی و حمایت مالی و قانونی برای ناظران: ناظران باید دارای استقلال عملیاتی، فرایندهای شفاف، حاکمیت سالم و فرایندهای بودجه‌ای باشند؛ به‌گونه‌ای که استقلال آنها و کفایت منابع را تحت‌الشعاع قرار ندهد و برای انجام وظایف و استفاده از منابع پاسخگو باشند. چارچوب قانونی برای نظارت بانکی، شامل حمایت قانونی از ناظران نیز می‌شود.

اصل ۳- همکاری و مشارکت: قوانین، مقررات و سایر ترتیبات، چارچوبی را برای همکاری و مشارکت با مقامات مرتبط داخلی و ناظران خارجی فراهم می‌آورد. این مقررات نشان دهنده نیاز به محافظت از اطلاعات محرمانه می‌باشد.

اصل ۴- فعالیتهای مجاز: فعالیتهای مجاز مؤسساتی که دارای مجوز بوده و موضوع نظارت هستند، مانند بانکها، به صورت شفاف تعریف می‌شود و استفاده از واژه "بانک" در عنوان مؤسسات تحت کنترل قرار می‌گیرد.

اصل ۵- معیارهای اعطای مجوز: مقام‌های مسئول صدور مجوز این اختیار را دارند که معیارها را تعیین کرده و از اعطای مجوز به کسانی که دارای این معیارها نیستند، خودداری نمایند. فرایند اعطای مجوز شامل ارزیابی ساختار و نوع مالکیت (شامل صلاحیت اعضای هیات مدیره و مدیریت ارشد) بانکها و گروه بانکی می‌باشد. همچنین، مواردی از قبیل برنامه‌های استراتژیک و عملیاتی، کنترل‌های داخلی، مدیریت ریسک و شرایط مالی (از جمله سرمایه پایه) نیز در نظر گرفته می‌شود. در مواردی که مالک مورد نظر یا سازمان اصلی، بانک خارجی است، موافقت اولیه از ناظر داخلی گرفته می‌شود.

اصل ۶- انتقال مالکیت‌های عمده: ناظران دارای این اختیار می‌باشند که پیشنهاد‌های مربوط به انتقال مالکیت عمده یا حق کنترل مستقیم یا غیرمستقیم بانکها به سایر گروه‌ها را بررسی نموده، رد کرده یا شرایط احتیاطی را در این رابطه اعمال کنند.

اصل ۷- تملک‌های عمده: ناظران دارای این اختیار می‌باشند که سرمایه‌گذاری‌ها و مالکیت‌های عمده از جمله موارد برون‌مرزی یک بانک را با توجه به معیارهای از پیش تعیین شده تأیید یا رد نموده و یا شرایط احتیاطی را وضع نمایند (یا اینکه به مسئول مربوط پیشنهاد رد یا تأیید طرح را دهند). اعطای این اختیار به ناظران به این خاطر است که شرکت‌های وابسته یا ساختارها، بانک را در معرض ریسک‌های غیرضروری قرار ندهد و یا اینکه به نظارت مؤثر لطمه‌ایی وارد نکند.

اصل ۸- رویکرد نظارتی: یک سیستم نظارت بانکی مؤثر از ناظران می‌خواهد که یک رویکرد آینده‌نگر نسبت به ارزیابی مشخصه‌های ریسکی بانکها و گروه بانکی، متناسب با اهمیت سیستمی آنها بکار گیرند؛ ریسک‌هایی که از برخی بانکها یا کل سیستم بانکی نشأت می‌گیرد را تشخیص داده، ارزیابی نموده و اعلام نمایند؛ دارای یک چارچوب مشخص برای مداخله زود هنگام بوده و در مشارکت با مسئولین مربوط دارای برنامه باشند تا در صورت ناکارآمدی آنها، راه‌حلی را بطور منظم برای بانک‌هایی که دچار مشکل شده اند ارائه دهند.

اصل ۹- ابزارها، روش‌ها و تکنیک‌های نظارت: ناظران طیف وسیعی از ابزارها و تکنیک‌ها را برای اجرایی کردن نظارت به کار می‌گیرند و منابع نظارتی را بر اساس یک رویکرد تناسبی با در نظر گرفتن مشخصه‌های ریسکی بانک‌ها و اهمیت سیستمی آنها تخصیص می‌دهند.

اصل ۱۰- گزارش‌دهی نظارتی: ناظران گزارش‌های احتیاطی و آمارهای رسیده از بانک‌ها را هم به صورت انفرادی و هم تلفیقی، جمع‌آوری، بررسی و تحلیل می‌کنند و بصورت مستقل میزان صحت این گزارش‌ها را از طریق حضوری و از طریق استفاده از کارشناسان خارج از بانک، تأیید می‌کنند.

اصل ۱۱- اختیارات محدود کننده و اصلاحی ناظران: اقدام ناظران در اولین گام این است که کارهای نادرست و ناسالم یک بانک یا فعالیت‌هایی که ممکن است باعث تحمیل ریسک به بانک یا سیستم بانکی شود را مشخص کنند. ناظران بانکی، در حد اختیارات خود دارای طیف مناسبی از ابزارهای نظارتی برای اعمال اقدامات اصلاحی به‌موقع از جمله اختیار لغو مجوز بانک یا پیشنهاد لغو مجوز می‌باشند.

اصل ۱۲- نظارت تلفیقی: یک عامل اصلی در نظارت بانکی این است که ناظران، گروه بانکی را به صورت تلفیقی و گروهی نظارت کرده و به اندازه کافی پایش کنند. آنها این کار را از طریق بکارگیری استانداردهای احتیاطی برای همه ابعاد کسب و کارهای گروه بانکی در سراسر جهان انجام می‌دهند.

اصل ۱۳- رابطه بین ناظران کشور مبدأ و مقصد: ناظران کشورهای مبدأ و مقصد گروه‌های بانکی برون‌مرزی جهت انجام نظارت مؤثر بر گروه و نهادهای آن و اداره شرایط بحرانی، با یکدیگر تبادل اطلاعات داشته و با هم همکاری می‌نمایند. ناظران خواستار این هستند که عملیات محلی بانک‌های خارجی طبق استانداردهایی که برای بانک‌های داخلی وضع شده است، انجام پذیرد.

الزامات و مقررات احتیاطی

اصل ۱۴- حاکمیت شرکتی: ناظران بانکی تعیین می‌کنند که بانک‌ها و گروه‌های بانکی باید دارای فرایندها و سیاست‌های قوی درخصوص حاکمیت شرکتی شامل جهت‌گیری‌های استراتژیک، ساختار گروهی و سازمانی، محیط کنترلی، مسئولیت‌های هیأت مدیره و مدیریت ارشد و سیستم جبران خدمات باشند. این سیاست‌ها و فرایندها باید متناسب با اهمیت سیستمی بانک‌ها و مشخصه‌های ریسکی آنها باشد.

اصل ۱۵- فرایند مدیریت ریسک: ناظران بانکی تعیین می‌کنند که بانک‌ها باید دارای فرایند جامع مدیریت ریسک (شامل نظارت مؤثر هیأت مدیره و مدیریت ارشد) جهت شناخت، اندازه‌گیری، ارزیابی، پایش، گزارش‌دهی و کنترل یا کاهش به موقع همه ریسک‌های مهم و ارزیابی کفایت سرمایه و نقدینگی بانک‌ها با توجه به مشخصه‌های ریسکی و شرایط اقتصاد

کلان و بازار باشند. این فرایند تا مرحله توسعه و بکارگیری رویکرد احتمالی (شامل برنامه‌های پایدار و معتبر رفع مشکل) که شرایط ویژه هر بانک را لحاظ می‌کند ادامه می‌یابد. فرایند مدیریت ریسک باید متناسب با مشخصه‌های ریسکی و اهمیت سیستمی بانک باشد.

اصل ۱۶- کفایت سرمایه: ناظران بانکی، الزامات مناسب و احتیاطی کفایت سرمایه بانک که منعکس کننده میزان ریسکی که یک بانک در فعالیت‌های خود در بازارها و شرایط اقتصاد کلان متقبل می‌گردد را تعیین می‌کنند. ناظران، اجزای سرمایه را با توجه به قابلیت آن‌ها در جذب زیان تعریف می‌کنند. برای بانک‌هایی که در سطح بین‌المللی فعالیت می‌کنند، کفایت سرمایه نباید کمتر از استانداردهای تعیین شده توسط کمیته بال باشد.

اصل ۱۷- ریسک اعتباری: ناظران بانکی تعیین می‌کنند که بانک باید دارای فرایند مدیریت ریسک اعتباری مناسب باشد. این فرایند باید مشخصه‌های ریسکی بانک‌ها مانند میزان پذیرش ریسک و شرایط اقتصاد کلان و بازار را مورد توجه قرار دهد. مدیریت ریسک اعتباری شامل فرایندها و سیاست‌های احتیاطی جهت تشخیص، اندازه‌گیری، ارزیابی، پایش، گزارش‌دهی و کنترل یا کاهش به موقع ریسک اعتباری (اعم از ریسک اعتباری طرف مقابل) است. چرخه کامل اعتباری شامل تعهد اعتبار، ارزیابی اعتبار و مدیریت مستمر وام و سبب سرمایه‌گذاری است.

اصل ۱۸- دارائی‌های مشکل‌دار [غیر جاری]، ذخائر و اندوخته‌ها: ناظران تعیین می‌کنند که بانک باید برای شناخت زود هنگام و مدیریت دارائی‌های مشکل‌دار و نگهداری ذخایر و اندوخته‌های کافی، دارای سیاست‌ها و فرایندهای مناسب باشد.

اصل ۱۹- ریسک تمرکز و محدودیت‌های تسهیلات و تعهدات کلان: ناظران تعیین می‌کنند که بانک‌ها باید برای شناخت، اندازه‌گیری، ارزیابی، پایش، گزارش‌دهی و کنترل یا کاهش به موقع تمرکز ریسک دارای فرایندها و سیاست‌های کافی و مناسب باشند. ناظران به منظور محدود نمودن میزان تسهیلات و تعهدات در رابطه با طرف یا طرف‌های تجاری، محدودیت‌های احتیاطی را تنظیم می‌کنند.

اصل ۲۰- معامله با اشخاص مرتبط: به منظور جلوگیری از سوءاستفاده‌های احتمالی ناشی از معامله با اشخاص مرتبط و بیان ریسک ناشی از تضاد منافع، ناظران بانکی، بانک‌ها را ملزم می‌کنند تا معامله با اشخاص مرتبط را بر اساس روابط غیرشخصی انجام دهند. همچنین، مبادلات را پایش نمایند، برای کنترل یا کاهش ریسک‌ها اقدام مناسب اتخاذ کنند و ریسک‌های تسهیلات و تعهدات مربوط به اشخاص مرتبط را بر اساس فرایندها و سیاست‌های استاندارد حذف کنند.

اصل ۲۱- ریسک انتقال و ریسک کشوری: ناظران تعیین می‌کنند که بانک‌ها باید جهت شناخت، ارزیابی، اندازه‌گیری، پایش، گزارش‌دهی و کنترل یا کاهش به موقع ریسک کشوری و ریسک انتقال ناشی از وام‌دهی و فعالیت‌های سرمایه‌گذاری بین‌المللی، دارای سیاست‌ها و فرایندهای کافی باشند.

اصل ۲۲-ریسک‌های بازار: ناظران تعیین می‌کنند که بانک‌ها باید دارای مدیریت مناسب ریسک بازار باشند که ریسک‌پذیری آنها، مشخصه‌های ریسکی و شرایط بازار و اقتصاد کلان و همچنین، وخامت جدی در نقدینگی بازار را در نظر می‌گیرد. این امر، شامل سیاست‌های احتیاطی جهت شناخت، اندازه‌گیری، ارزیابی، پایش، گزارش‌دهی و یا کاهش به موقع ریسک‌های بازار می‌باشد.

اصل ۲۳-ریسک نرخ بهره در دفاتر بانکی: ناظران تعیین می‌کنند که بانک‌ها باید دارای سیستم‌های کافی جهت شناخت، ارزیابی، اندازه‌گیری، پایش، گزارش‌دهی، کنترل یا کاهش به موقع ریسک ناشی از نوسانات نرخ بهره در دفاتر بانکی باشند. این سیستم‌ها، میزان ریسک‌پذیری و مشخصه‌های ریسکی بانک را همراه با شرایط اقتصاد کلان و بازار مدنظر قرار می‌دهند.

اصل ۲۴-ریسک نقدینگی: ناظران بانکی یک سری الزامات (کمی و یا کیفی) مناسب و احتیاطی مربوط به نقدینگی که نشان دهنده نیازهای نقدینگی بانک است را تنظیم می‌کنند. ناظران تعیین می‌کنند که بانک‌ها باید دارای یک استراتژی باشند که آنها را قادر سازد تا مدیریت احتیاطی برای نقدینگی منطبق با الزامات نقدینگی اتخاذ نمایند. این استراتژی باید مشخصه‌های ریسک‌پذیری بانک را همراه با شرایط اقتصاد کلان و بازار در نظر گرفته و فرایندها و سیاست‌های احتیاطی متناسب با ریسک‌پذیری بانک‌ها را جهت شناخت، ارزیابی، اندازه‌گیری، پایش، گزارش‌دهی و کنترل یا کاهش ریسک نقدینگی در طول دوره مورد نظر به کار گیرد. برای بانک‌های فعال در حوزه بین‌المللی، الزامات نقدینگی نباید کمتر از استانداردهای تعیین شده توسط کمیته بال باشد.

اصل ۲۵-ریسک عملیاتی: ناظران تعیین می‌کنند که بانک‌ها باید دارای یک چارچوب مناسب مدیریت ریسک عملیاتی با توجه به ریسک‌پذیری بانک و شرایط اقتصاد کلان و بازار باشند. این امر شامل فرایندها و سیاست‌های احتیاطی برای شناخت، ارزیابی، اندازه‌گیری، پایش، گزارش‌دهی و کنترل یا کاهش به موقع ریسک عملیاتی می‌باشد.

اصل ۲۶-کنترل داخلی و حسابرسی: ناظران تعیین می‌کنند که بانک‌ها باید جهت ایجاد و نگهداری محیط عملیاتی کنترل شده مناسب به منظور انجام کسب‌وکار با توجه به مشخصه ریسکی خود، دارای چارچوب کنترل داخلی مناسب باشند. این امر در قالب ترتیبات واضح و شفاف برای تفویض اختیارات و مسئولیت‌ها؛ تفکیک وظایف از جمله ایجاد تعهد برای بانک، پرداخت وجوه و حسابداری داراییها و بدهیها؛ اصلاح این فرایندها؛ حفاظت از داراییهای بانک و میزان انطباق کارکردها و حسابرسی داخلی مناسب و مستقل برای بررسی میزان تبعیت از کنترل‌ها و همچنین قوانین و مقررات کاربردی می‌باشد.

اصل ۲۷-گزارشگری مالی و حسابرسی مستقل: ناظران بانک‌ها نحوه نگهداری حسابها و تهیه صورت‌های مالی منطبق بر خط‌مشی‌ها و رویه‌های حسابداری پذیرفته شده در سطح بین‌المللی را تعیین می‌کنند. این گزارش‌ها باید بصورت سالانه

منتشر شده و به شکل صحیحی بیان گر شرایط و عملکرد مالی توأم با نظر حسابرسان مستقل باشد. همچنین، ناظران تعیین می‌کنند که بانک‌ها و شرکت مادر یک گروه بانکی نیز باید تحت کنترل و نظارت حسابرس مستقل باشند.

اصل ۲۸- افشاء و شفافیت: ناظران تعیین می‌کنند که بانک‌ها و گروه‌های بانکی باید اطلاعات را به صورت تلفیقی و انفرادی بصورت منظم منتشر کنند. این اطلاعات باید به راحتی قابل دسترس بوده و بطور صحیح نشان دهنده شرایط و وضعیت مالی، عملکرد، افشاء ریسک، استراتژی مدیریت ریسک و فرایندها و سیاست‌های مربوط به حاکمیت شرکتی در بانک‌ها باشد.

اصل ۲۹- سوء استفاده از خدمات مالی: ناظران تعیین می‌کنند که بانک‌ها باید دارای فرایندها و سیاست‌های کافی و مناسب نظیر مقررات سخت‌گیرانه شناسایی دقیق مشتریان باشند تا استانداردهای اخلاقی و حرفه‌ای را در بخش مالی بهبود داده و مانع از سوء استفاده عمدی یا سهوی از بانک در فعالیتهای مجرمانه شود.

۴۲- مادامی که اهداف کلی حاصل شود، اصول اساسی نسبت به رویکردهای مختلف نظارت بی تفاوت بوده و نسبت به آن حساسیت ندارد. این اصول به گونه‌ای طراحی نشده‌اند که تمام نیازها و شرایط سیستم‌های بانکی در همه کشورها را پوشش دهند. در مقابل، در ارزیابی‌ها و نوع ارتباط بین ارزیابان و مقامات مسئول، شرایط خاص یک کشور باید به نحو شایسته در نظر گرفته شود.

۴۳- مسئولین یک کشور باید اصول اساسی نظارت را برای همه مؤسسات بانکی در حوزه قانونی خود بکار گیرند^{۱۹}. برخی از کشورها، بخصوص آنهایی که دارای بازارها و بانک‌های پیشرفته‌تری هستند، برای رسیدن به عملکرد نظارتی بهتر، می‌توانند از این اصول نیز فراتر روند.

۴۴- میزان بالای انطباق یک سیستم با اصول اساسی باید میزان ثبات کلی سیستم مالی را افزایش دهد، اما این به معنای تضمین ثبات و پایداری مالی و یا جلوگیری از ورشکستگی بانک‌ها نیست. نظارت بانکی نباید و نمی‌تواند تضمین کند که یک بانک هرگز ورشکسته نخواهد شد. در یک اقتصاد مبتنی بر بازار، ورشکستگی بخشی از فرایند پذیرش ریسک است.

۴۵- کمیته این آمادگی را دارد که اصول را در سطح ملی در کنار دیگر نهادهای نظارتی و بخش‌های ذینفع به اجرا درآورد. کمیته از مؤسسات مالی بین‌المللی و سازمان‌های عام‌المنفعه دعوت می‌کند که اصول اساسی را به کار گیرند تا به تقویت امور نظارتی کشورها کمک شود. علاوه بر این، کمیته به همکاری نزدیک خود با IMF و بانک جهانی جهت پایش نحوه اجرای

^{۱۹} در کشورهایی که مؤسسات غیربانکی خدمات مربوط به سپرده‌گیری و ارائه تسهیلات را مانند بانک‌ها، ارائه می‌دهند، بسیاری از اصول مطرح شده در این سند نیز برای آنها مناسب خواهد بود. با این وجود، برخی از این مؤسسات تا زمانی که سهم قابل ملاحظه‌ای از سپرده‌های سیستم مالی را نداشته باشند، دارای مقرراتی متفاوت از مقررات بانک‌ها خواهند بود.

استانداردهای احتیاطی ادامه خواهد داد. همچنین، کمیته خود را متعهد می‌داند که برای کارهای نظارتی، تعامل خود را با ناظران کشورهای غیر عضو گسترش دهد.

III. پیش شرطهای نظارت بانکی مؤثر

۴۶- سیستم مؤثر نظارت بانکی باید توانایی این را داشته باشد تا سیاست‌های نظارتی را بصورت مؤثر، توسعه، اجرا و پایش نماید و آن‌ها را هم تحت شرایط عادی و هم در شرایط بحران مالی و اقتصادی اعمال کند. ناظران باید بتوانند نسبت به شرایط خارجی که ممکن است تأثیر منفی روی بانک‌ها یا سیستم بانکی داشته باشند، واکنش مناسب نشان دهند. عوامل و پیش شرطهایی وجود دارند که در عمل اثرات مستقیمی را روی میزان اثربخشی نظارت دارند. این پیش شرطها اغلب خارج از دستورالعمل نظارتی و منحصر به فرد حوزه قانونی ناظران بانکی است. آنجایی که ناظران نگران این هستند که شرایط بر میزان کارایی و اثربخشی امور نظارتی و مقررات مربوطه تأثیر منفی بگذارد، ناظران باید مسئولین و دولت را نسبت به عواقب بالفعل و بالقوه این عوامل و تأثیر منفی که بر اهداف نظارتی دارند، مطلع نمایند. ناظران باید با مسئولین مربوطه در رابطه با این شرایط که خارج از دستورالعمل نظارتی و منحصر به فرد ناظران است، در تعامل باشند. ناظران همچنین باید به عنوان بخشی از وظایف معمول خود، معیارهایی را در رابطه با اندازه گیری میزان تأثیر این نگرانی‌ها بر اثربخشی و کارایی مقررات و نظارت بانک‌ها داشته باشند.

۴۷- شرایط بیرونی (پیش شرطها) عبارتند از:

- سیاست‌های مناسب و پایدار اقتصاد کلان؛
- یک چارچوب طراحی شده مناسب برای تنظیم سیاست ثبات مالی؛
- زیرساختار عمومی توسعه یافته؛
- چارچوب مشخص برای مدیریت بحران، خروج از بحران و راه‌حل‌ها؛
- سطح قابل قبولی از حمایت سیستمی؛
- نظم مؤثر بازار

سیاست‌های مناسب و پایدار اقتصاد کلان

۴۸- سیاست‌های صحیح اقتصاد کلان (عمدتاً سیاست‌های پولی و مالی)، اصل و پایه ثبات سیستم مالی است. بدون داشتن سیاست‌های سالم و پایدار، ممکن است عدم تعادل‌هایی مانند استقراض و هزینه‌های بالای دولت و کسری شدید بودجه یا عرضه زیاد نقدینگی اتفاق افتاده و ثبات سیستم مالی را تحت تأثیر قرار دهد. علاوه بر این، برخی از سیاست‌های

دولت^{۲۰} ممکن است بانکها و دیگر نهادهای واسطه مالی را به عنوان ابزار مورد استفاده قرار دهد که خود ممکن است مانع از نظارت مؤثر شود.

چارچوب طراحی شده مناسب برای تنظیم سیاست ثبات مالی

۴۹- از لحاظ تأثیر متقابل و رابطه بین بخش واقعی اقتصاد و بانکها و سیستم مالی، وجود یک چارچوب مدون و شفاف برای تنظیم سیاست ثبات مالی، بقا و سیاستهای احتیاطی و مبتنی بر دیدگاه کلان، بسیار حائز اهمیت است. چنین چارچوبی باید مسئولین شناسایی ریسکهای سیستمی و نوظهور را ملزم به شناسایی بازار و کنترل عوامل اقتصادی و مالی که منجر به انباشت ریسکهای سیستمی می‌شوند، کند. آنها همچنین باید سیاستهای مناسبی را تنظیم کرده و بررسی کنند تا چه اندازه این سیاستها ممکن است بر روی بانکها و سیستم مالی تأثیر بگذارد. این چارچوب همچنین باید شامل مکانیزم هایی برای همکاریهای مؤثر بین مؤسسات مربوطه باشد.

زیرساختار عمومی توسعه یافته

- ۵۰- زیر ساختار عمومی توسعه یافته باید شامل موارد زیر باشد، زیرا اگر این موارد را در بر نگیرد، می‌تواند منجر به ضعیف شدن سیستم مالی و بازارها شود یا اینکه مانع از بهبود و توسعه آنها شود:
- سیستمی از قوانین تجاری، شامل موضوعاتی از قبیل مشارکت، ورشکستگی، قرارداد، حمایت از مصرف کننده و قوانین مالکیت خصوصی که مکانیزمی را برای کاهش اختلافات فراهم و اعمال کند.
 - مقام قضایی کارا و مستقل
 - اصول حسابداری جامع و تعریف شده و قوانین پذیرفته شده در سطح بین المللی
 - سیستمی از حسابرسان مستقل به منظور ایجاد اطمینان برای استفاده کننده‌گان از صورت‌های مالی شامل بانکها. این صورت‌های مالی باید به درستی نشان دهنده موقعیت مالی شرکت بوده و بر اساس اصول حسابداری ایجاد شده باشند.
 - وجود افراد با تجربه، مستقل و رقابت پذیر مانند حسابداران، حسابرسان و وکلا که کارهای آنها منطبق بر مجموعه استانداردهای فنی و اخلاقی تنظیم شده توسط بخش‌های حرفه‌ای یا رسمی و منطبق بر استانداردهای بین‌المللی باشد. هم چنین وجود افرادی که برای نظارت مناسب باشند.
 - قوانین و مقررات مناسب و شفاف به منظور نظارت کافی بر سایر بازارهای مالی و چنانچه لازم باشد شرکت کنندگان آن.
 - سیستم‌های پرداخت و تسویه امن، کارا و قانونمند (از جمله در ارتباط با طرف‌های تجاری اصلی) برای تسویه معاملات مالی، زمانی که ریسک‌های طرف‌های تجاری بصورت کارا کنترل و مدیریت شده باشند.

^{۲۰} از جمله این سیاستها می‌توان به انباشت مقدار زیادی از اوراق بهادار دولتی، محدودیت در دسترسی به بازارهای سرمایه به علت کنترل‌های دولت یا عدم تعادل‌های در حال رشد، تنزل کیفیت دارائیه‌ها بعد از یک سیاست پولی انبساطی و ارائه تسهیلات با نظر دولت یا الزامات منع کننده به عنوان یک سیاست اقتصادی در واکنش به شرایط رو به زوال اقتصادی اشاره نمود.

- پایگاه اطلاعات کارا و مؤثر برای داده‌های اعتباری که اطلاعات لازم در رابطه با قرض‌گیرندگان و دیگر داده‌ها را فراهم کرده و به ارزیابی ریسک‌ها کمک کند.

- در دسترس عموم بودن آمارهای مربوط به شرایط اقتصادی، مالی و اجتماعی.

چارچوب مشخص برای مدیریت بحران، خروج از بحران و راه‌حل‌ها

۵۱- چارچوب‌های مربوط به مدیریت مؤثر بحران و راه‌حل‌های مربوط به آن به کاهش میزان انحراف از ثبات مالی در بانک‌ها و موسسات مالی که در شرایط نامناسب مالی قرار دارند، کمک می‌کند. یک چارچوب قانونی مناسب برای مدیریت بحران و راه‌حل‌های آن، نیازمند به یک حمایت قانونی شفاف و دادن اختیار به مسئولین مربوطه (مانند ناظران بانکی، مسئولین رفع مشکلات مالی در سطح ملی، وزراء مالی و بانک‌های مرکزی) می‌باشد. این مسئولین باید دارای یک طیف وسیعی از اختیارات و ابزارهای مناسب مطرح شده در قانون باشند و از آنها در جهت حل مشکلات مربوط به نهادهای مالی که وضعیت مناسبی ندارند استفاده کنند. ترتیباتی هم باید در بین مسئولین، در حوزه مسئولیت‌های فردی و جمعیشان، وجود داشته باشد تا بتوانند بحران را کنترل و راه حل ارائه داده و مسئولیت‌های خود را به صورت جمعی انجام دهند. این ترتیبات باید شامل مبادله اطلاعات محرمانه بین مسئولین مربوطه بوده تا اینکه بتوانند برنامه‌ای از پیش برای حل مشکل مربوط به موقعیت‌های بحرانی ارائه داده و این وقایع را مدیریت کنند.

سطح قابل قبولی از حمایت سیستمی

۵۲- سطح مناسب حمایت سیستمی موضوعی است که باید توسط مسئولین مربوط از جمله دولت و بانک مرکزی مورد بررسی و تعیین قرار گیرد. این موضوع زمانی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند که پرداخت بودجه عمومی در این رابطه تعهد شود. در این خصوص، ناظران می‌توانند کمک شایانی را به واسطه داشتن دانش عمیق از نهادهای مالی ارائه دهند. به منظور برخورد با موضوعات سیستمی، باید بین چند عامل تعادل برقرار کرد: بررسی ریسک‌ها در رابطه با میزان اطمینان و اعتماد در سیستم مالی و موضوع تسری و فراگیر بودن شرایط نهادهای مالی مشکل‌دار و حداقل سازی انحرافات نسبت به نظم بازار. یک عامل کلیدی برای حمایت سیستمی عبارت است از سیستم بیمه سپرده‌ها. ارائه چنین سیستمی باید شفاف بوده و با دقت تمام طراحی شده و بخوبی بتواند به اعتماد عمومی و جلوگیری از همه گیر شدن مشکلات یک بانک در سیستم بانکی کمک کند.

نظم مؤثر بازار

۵۳- نظم مؤثر بازار به جریان کافی اطلاعات بین فعالان بازار، انگیزه‌هایی برای پاداش دادن به نهادهایی با مدیریت خوب و ترتیباتی که این اطمینان را فراهم کند که سرمایه‌گذاران و ذینفعان جدا از نتیجه کار نیستند، بستگی دارد. در رابطه با این موضوع، مواردی از قبیل حاکمیت شرکتی بررسی شده و باید اطمینان حاصل شود که اطلاعات صحیح، شفاف و به موقع از

جانب قرض‌گیرندگان به سرمایه‌گذاران و اعتبار دهندگان داده شود. اگر دولت‌ها برای رسیدن به اهداف سیاسی عمومی به دنبال دخالت یا نفوذ در تصمیمات تجاری بنگاه‌ها باشند (بخصوص در رابطه با موضوع وام‌دهی)، رفتار بازار می‌تواند به انحراف کشیده شود. در نتیجه مهم است که دولت‌ها یا مسئولین مربوطه، وام‌دهی را تأمین یا تضمین کرده و یک فرایند رسمی برای جبران ضرر نهادهای مالی در زمان وام‌دهی و بازپرداخت آن وجود داشته باشد.

IV. متدولوژی ارزیابی

۵۴- اصول اساسی نظارت عمدتاً به منظور کمک به کشورها برای ارزیابی سطح کیفی سیستم‌های خود و فراهم آوردن مقدمات اصلاحات ایجاد شده‌اند. ارزیابی میزان انطباق شرایط فعلی یک سیستم با اصول اساسی پیشنهادی به عنوان یک ابزار مفید برای ایجاد یک سیستم مؤثر نظارت بانکی در کشورها می‌باشد. به منظور دستیابی به اهداف این اصول و مقایسه میزان انطباق اصول اساسی در ارزیابی‌های^{۲۱} متفاوت، ناظران و ارزیابان باید به متدولوژی ارزیابی مراجعه کنند که این متدولوژی باید در کنار قضاوت هر دو گروه (یعنی ناظران و ارزیابان) بکار رود. چنین ارزیابی می‌تواند ضعف‌های موجود در سیستم قانون‌گذاری و نظارت را شناخته و بنیانی را برای ایجاد ابزارهای مفید نظارتی توسط مسئولین دولتی و ناظران بانکی ایجاد کند.

۵۵- اگرچه اعضاء کمیته برای انجام مأموریت ارزیابی با هم همکاری می‌کنند، اما این موضوع در ابتدا توسط صندوق بین‌المللی پول (IMF) و بانک جهانی اجرا شده است. تصمیم کمیته بر این نبوده است که کار ارزیابی را صرفاً خود انجام دهد. زیرا هدف این بوده است که یک نوع تقسیم کار بین تنظیم استانداردها و کارکردهای مربوط به ارزیابی مؤسسات مالی بین المللی وجود داشته باشد. با این وجود کمیته همراه با نهاد ثبات مالی آماده کمک به امور ارزیابی و نظارت مؤسسات مالی از طریق روش‌هایی از جمله آموزش می‌باشد.

استفاده از متدولوژی [ارزیابی]

۵۶- این متدولوژی می‌تواند به چند منظور مورد استفاده قرار گیرد: ۱- خود ارزیابی که توسط ناظران بانکی انجام می‌شود^{۲۲}. ۲- ارزیابی‌های IMF و بانک جهانی از سطح کیفیت سیستم‌های نظارتی، مثلاً ارزیابی تحت چارچوب FSAP. ۳- بازنگری‌هایی که توسط اشخاص ثالث مانند شرکت‌های خصوصی مشاوره‌ای انجام می‌شود. ۴- بررسی‌هایی که در بین گروه‌بندی منطقه‌ای ناظران بانکی ایجاد می‌شود. در حال حاضر، ارزیابی میزان انطباق با اصول در ۱۵۰ کشور انجام شده و برای بقیه هم در حال انجام است^{۲۳}.

^{۲۱} با این وجود، هدف از ارزیابی، تعیین رتبه سیستم‌های نظارتی نیست. به بند ۳۵ توجه کنید.

^{۲۲} کمیته بال رهنمودهایی را برای انجام خودارزیابی ارائه کرده است: انجام خودارزیابی نظارتی - رویکرد کاربردی، بال، آوریل ۲۰۰۱.

^{۲۳} گزارش‌های منظمی که توسط صندوق بین‌المللی پول (IMF) و بانک جهانی در رابطه با تجربیات حاصل از کارهای ارزیابی به عنوان قسمتی از برنامه FSAP ارائه شده، به عنوان یک منبع اطلاعات مفید برای بهبود اصول مورد استفاده قرار گرفته است.

۵۷- فارغ از روش ارزیابی، موارد زیر نیز حائز اهمیت هستند:

- به منظور دستیابی به همه اهداف، میزان انطباق با اصول اساسی توسط افراد شایسته خارج از یک سیستم به بهترین شکل ارزیابی می‌شود. این افراد شامل دو نفر بوده که دارای سابقه نظارتی قوی و رویکردهای متنوع برای کنترل و ایجاد تعادل می‌باشند. اما با این حال تجربه نشان داده که خود ارزیابی، اطلاعات مفیدی را برای انجام نظارت و ارزیابی خارج از سیستم فراهم می‌کند.
- بدون وجود همکاری مناسب بین تمام مسئولین مربوطه، انجام ارزیابی صحیح و منصفانه از فرایند نظارت بانکی امکان پذیر نیست.
- فرایند ارزیابی هر یک از اصول ۲۹ گانه مستلزم دید قضاوتی نسبت به عوامل زیادی می‌باشد که تنها ارزیابان شایسته و با تجربه بالا می‌توانند آن را ارائه دهند.
- ارزیابی، به برخی از تخصص‌های حسابداری و حقوقی برای ارزیابی میزان انطباق با اصول اساسی، نیازمند است. تشریح و توضیح حسابداری و قانونی ارزیابی‌ها باید با مقررات و استانداردهای حسابداری بکار رفته شده در آن کشور هم‌خوانی داشته باشد. همچنین ممکن است که به ارزیابان (کارشناسان قانونی و حسابداری) دیگری که زیر مجموعه ارزیابان حضوری (نظارت در محل) هستند نیز نیاز باشد.
- ارزیابی باید جامع و دارای عمق کافی بوده تا بتواند نشان دهد که معیارهای مورد نظر به صورت عملی استفاده شده‌اند و تنها از لحاظ تئوری بررسی نشده باشند. قوانین و مقررات باید از لحاظ حوزه بررسی، کاربردی بوده و بطور مؤثر استفاده و تطبیق داده شده باشند. قوانین و مقررات به تنهایی نمی‌تواند شاخص روشنی را برای نشان دادن میزان انطباق سیستم با معیارها ارائه دهند.

ارزیابی میزان انطباق با اصول اساسی نظارت

- ۵۸- هدف اولیه یک ارزیابی باید شناخت ماهیت و میزان ضعف‌ها در سیستم نظارت بانکی و همچنین شناخت میزان انطباق با اصول اساسی باشد. علی‌رغم این که فرایند اجرایی کردن اصول اساسی با ارزیابی میزان انطباق سیستم با اصول اساسی شروع می‌شود، ولی این ارزیابی وسیله‌ای است برای رسیدن به هدف و بنابراین خود هدف نیست. بلکه، ارزیابی این اجازه را به مسئول نظارتی (و در بعضی مواقع به دولت) می‌دهد که راهبردی را برای بهبود سیستم نظارت بانکی اتخاذ کند.
- ۵۹- به منظور بررسی میزان انطباق با یک اصل نظارتی، این متدولوژی مجموعه‌ای از معیارهای اصلی و ضروری را در کنار معیارهای اضافی برای هر اصل پیشنهاد می‌کند. در حالت پیش‌فرض، به منظور سطح‌بندی میزان انطباق، معیارهای ضروری تنها عواملی هستند که میزان انطباق کامل با یک اصل نظارتی را مورد ارزیابی قرار می‌دهند. برای کشورهای دارای

سیستم بانکی پیشرفته، معیارهای اضافی نیز پیشنهاد می‌شوند. به بیان دیگر، کشورها دارای سه گزینه ارزیابی زیر خواهند بود:

- تا زمانی که یک کشور معیار مشخص دیگری را انتخاب نکرده است، میزان انطباق با اصول اساسی نظارتی تنها با توجه به معیارهای ضروری ارزیابی می‌شود.
 - به منظور شناخت حوزه‌هایی که می‌تواند منجر به ارتقای سطح مقررات و نظارت و انتفاع از نظرات ارزیابان شود، یک کشور ممکن است که به صورت داوطلبانه معیارهای اضافی را برای ارزیابی خود انتخاب کند با این وجود میزان انطباق با اصول اساسی کماکان با توجه به معیارهای ضروری سطح‌بندی خواهد شد.
 - کشورهایی که به دنبال انجام بهترین اقدامات نظارتی هستند، می‌توانند علاوه بر معیارهای ضروری، کار ارزیابی را بصورت اختیاری با استفاده از معیارهای اضافی نیز انجام دهند.
- ۶۰- برای ارزیابی اصول اساسی توسط ناظران بیرونی^{۲۴}، مقیاس چهار سطحی زیر مورد استفاده قرار می‌گیرد: [کاملاً] منطبق، تا حدود زیادی منطبق، تا حدود زیادی غیر منطبق، و [کاملاً] غیر منطبق. سطح "غیر کاربردی" تحت شرایط خاصی که در بند ۶۲ توضیح داده می‌شود، می‌تواند مورد استفاده قرار بگیرد.
- ۶۱- توصیف مختصری از سطح‌بندیها و کاربرد آنها
- {کاملاً} منطبق: یک کشور زمانی بر اصول اساسی نظارت و ارزیابی "منطبق" است که همه معیارهای ضروری مورد استفاده^{۲۵} برای این کشور بدون هیچ گونه مشکلی وجود داشته باشد. مصداق‌هایی ممکن است وجود داشته باشد که یک کشور بتواند نشان دهد که از راه‌های دیگر به معیارهای ضروری رسیده است. در مقابل، به واسطه شرایط خاص و ویژه هر کشور، ممکن است که بعضی از معیارهای ضروری جهت رسیدن به اهداف اصول اساسی نظارت، کافی نباشند و بنابراین برای نظارت بانکی به معیارهای دیگری که توسط اصول تعیین می‌شود، نیاز باشد.
 - تا حدود زیادی منطبق: یک کشور، در صورتی "تا حدود زیادی منطبق" بر اصول اساسی است که فقط انحراف‌های جزئی نسبت به معیارها مشاهده شود و درباره توانایی مقام نظارتی و داشتن قصد روشنی برای رسیدن به میزان انطباق کامل با اصول نظارتی در طول یک دوره معین، نگرانی جدی وجود نداشته باشد. ارزیابی "تا حدود زیادی منطبق" زمانی می‌تواند استفاده شود که یک کشور نمی‌تواند همه معیارهای منطبق بودن را داشته باشد ولی کارایی و مؤثر بودن سیستم به اندازه کافی وجود داشته و ریسک ناشناخته اساسی وجود ندارد.

^{۲۴} از آنجایی که ارزیابان، ارزیابی مستقل خود را انجام خواهند داد، اطلاعات حاصل از درجه‌بندی بدست آمده از خود ارزیابی (self-assessment) با وجود مفید بودن آنها، امری الزامی نیست.

^{۲۵} به منظور نمره‌دهی و درجه‌بندی، برای کشوری که بصورت داوطلبانه آمادگی خود را برای اینکه ناظران آنها را با معیارهای اضافی نیز ارزیابی کنند، واژه "معیارهای ضروری" در این بند، دربرگیرنده معیارهای اضافی نیز خواهد بود.

- تا حدود زیادی غیر منطبق: یک کشور، در صورتی " تا حدود زیادی غیر منطبق " با اصول اساسی است که با وجود قوانین و مقررات، دارای مشکلات جدی در سیستم خود باشند. به عبارت دیگر سیستم نظارت مؤثر نبوده و اجرای اصول در عمل ضعیف باشد و این شک وجود دارد که مسئولین مربوطه توانایی منطبق کردن خود با اصول را نداشته باشند. شایان ذکر است که شکاف موجود بین " تا حدود زیادی منطبق " و " تا حدود زیادی غیر منطبق " زیاد است و انتخاب ممکن است که کار آسانی نباشد. از طرف دیگر، قصد این است که ارزیابان را مجبور به ارائه بیانیه شفاف کرد.

- [کاملاً] غیر منطبق: یک کشور یا سیستم، زمانی " کاملاً غیر منطبق " با اصول اساسی است که اجرای واقعی اعمال نظارتی صورت نگرفته، یا چند معیار ضروری در این کشور کاربردی نبوده و یا اینکه در نهایت عمل نظارت غیر مؤثر باشد.

۶۲- به علاوه، یک اصل، زمانی غیر کاربردی خواهد بود که، از نظر ارزیابان، اصل نظارتی با توجه به ویژگی‌های ساختاری، مقرراتی و نهادی یک کشور، اجرایی نباشد. در بعضی موارد در ارزیابی، کشورها این بحث را داشته‌اند که در موارد جزئی و بی‌اهمیت و فعالیت‌های بانکی که نظارت نمی‌شوند، باید بجای سطح " کاملاً غیر منطبق "، واژه " غیر کاربردی " را بکار برد. اگرچه موضوعات بی‌اهمیت ممکن است در آینده به موضوعات و موارد اصلی برای یک بانک تبدیل شوند، ولی موضوعی که در بالا مطرح شد باید جهت قضاوت مدنظر ارزیاب قرار گیرد. مقامات ذی‌ربط نیز باید نسبت به این تغییرات آگاه باشند. سیستم نظارتی باید این اجازه را بدهد که موارد کوچک و بی‌اهمیت هم کنترل شوند، حتی اگر مقرره یا مقرراتی در این رابطه موجود نباشد. " غیر کاربردی " بودن اصول زمانی قضاوت درستی خواهد بود که ناظران نسبت به موضوع آگاهی داشته باشند، اما این موارد به حد و اندازه‌ای نیستند که باعث ایجاد ریسک شوند.

۶۳- سطح‌بندی مطرح شده در بالا روش دقیقی نیست و اصول اساسی نظارت می‌توانند به شکل‌های مختلف اجرایی شوند. معیارهای ارزیابی را نباید به عنوان یک چک لیست بلکه باید آن را به عنوان یک عمل [معیارهای] کیفی در نظر گرفت. با توجه به شرایط و موقعیت، منطبق بودن با برخی معیارهای ارزیابی، ممکن است برای مؤثر بودن سیستم نظارت مهم‌تر باشد. بنابراین، انطباق یک یا چند معیار ارزیابی به معنای انطباق همه اصول نیست. موضوع مهم و اصلی خود سطح‌بندی نیست بلکه تفسیری است که از میزان انطباق اصول بدست می‌آید. هدف اولیه، سطح‌بندی کردن نیست، بلکه تمرکز بر حوزه‌هایی است که به منظور توسعه یک برنامه کاری نیاز به توجه دارند و بهبودهای لازم را برای تطبیق کامل با اصول اساسی اولویت بندی می‌کنند.

۶۴- همچنین، همانطور که در بندهای ۴۵ تا ۵۳ مطرح شد، ارزیابی باید شامل نظر ارزیابان نسبت به اینکه ضعف‌های موجود در پیش‌شرط‌های نظارت مؤثر بانکی، تا چه میزان بر این نظارت ضربه می‌زند باشد و اینکه معیارهای نظارتی تا چه حد می‌توانند بطور مؤثر این ضعفها را مدیریت کنند. این نظر به جای اینکه یک ارزیابی عددی و سطح‌بندی شده باشد باید

بصورت کیفی ارائه گردد. توصیه‌های مربوط به پیش شرطها نباید قسمتی از برنامه عملیاتی مربوط به ارزیابی اصول اساسی باشد، بلکه باید جزئی از توصیه‌های عمومی برای تقویت نظارت بخش مالی باشد.

۶۵- اصول اساسی حداقل استانداردهایی است که باید توسط همه ناظران بانکی مورد استفاده قرار گیرد. برای اجرای برخی از آنها، ضروری است که ناظران مشخصه‌های ریسکی و اهمیت سیستمی بانکها را بخصوص برای اصولی که ناظران مجبور باشند میزان کفایت سیاستها و فرایندهای مدیریت ریسک بانکها را تعیین کنند را در نظر بگیرند.

نکات عملی در انجام یک ارزیابی

۶۶- زمانی که کمیته برای تنظیم رهنمودهای مربوط به آماده سازی و ارائه گزارش‌های ارزیابی، به جزئیات اشاره نکرده باشد، ارزیابان باید هنگام تهیه گزارش‌های ارزیابی ملاحظاتی را مدنظر داشته باشند. برای مثال، پیوست ۲ این سند شامل فرمتی است که IMF و بانک جهانی برای ارزیابی چگونگی اجرایی شدن اصول اساسی نظارت، ایجاد نموده‌اند. همچنین، این پیوست یک رهنمود ساختار یافته را برای ارزیابان در رابطه با چگونگی ارائه نظرات درباره پیش شرطهای لازم و تأثیر آنها روی سیستم نظارتی مؤثر فراهم می‌کند. این نظرات باید نشان دهد که، همانطور که در بند ۶۴ بیان شد، چگونه تضعیف عناصر بیرونی این شرایط ممکن است باعث ضعف سیستم نظارت بانکی شود، و اینکه چگونه شاخص‌های مؤثر نظارتی می‌توانند نقاط ضعف پیش شرطهای مربوط به نظارت مؤثر را پوشش دهند.

۶۷- اول اینکه، هنگام انجام نظارت، ارزیابان باید به طیفی از اطلاعات از جمله قوانین و مقررات انتشار یافته، سیاستها و حتی اطلاعات حساس تر مانند خودارزیابیها، راهبردها و رهنمودهای عملیاتی، دسترسی آزاد داشته باشند. این اطلاعات تا زمانی باید ارائه شود که با وظایف قانونی ناظران تداخل نداشته و منع قانونی برای نگهداری اطلاعات محرمانه وجود نداشته باشد. تجربه ارزیابان نشان می‌دهد که موضوعات سری را می‌توان بصورت مذاکره و تعامل بین ارزیابان و مسئولین بانک تحت نظارت، حل و فصل کرد. در فرایند نظارت لازم است که ارزیاب با طیف وسیعی از افراد و مؤسسات از جمله مسئول یا مسئولین نظارت بانکی، مسئولین داخلی سازمان و بیرون از سازمان، وزراء دولتی و بانکداران یا مجمع بانکداران و دیگر افراد دخیل در بخش مالی، در ارتباط باشد. زمانی که اطلاعات مورد نیاز ارائه نگردد باید یادداشت مخصوصی نوشته شده و تأثیر عدم ارائه اطلاعات بر میزان صحت ارزیابی نیز در آن تعیین شود.

۶۸- دوم اینکه، ارزیابی میزان انطباق با هر یک از اصول اساسی، نیازمند ارزیابی زنجیره‌ای از الزامات است. این ارزیابی، بسته به اصل مورد نظر، ممکن است که شامل قوانین و مقررات احتیاطی، دستورالعملهای نظارتی، و بررسی‌های حضوری و غیر حضوری، گزارش‌دهی نظارتی، افساء عمومی و شواهدی از الزامات اجرایی باشد. به علاوه، ارزیابی باید این اطمینان را فراهم کند که این الزامات به صورت عملی اجرا شوند. این کار مستلزم این است که بررسی شود آیا مسئول نظارتی دارای تجربه، منابع و استقلال عملیاتی جهت اجرایی کردن اصول اساسی نظارت می‌باشد یا خیر؟

۶۹- سوم اینکه، ارزیابی‌ها صرفاً نباید بر ناکاراییها تمرکز نماید بلکه باید دستاوردهای ویژه را هم نمایان کند. این رویکرد تصویر بهتری از اثربخشی نظارت بانکی فراهم می‌کند.

۷۰- چهارم اینکه، در برخی کشورها، موسسات غیر بانکی که به عنوان جزئی از یک گروه بانکی تحت نظارت و ارزیابی نیستند، وارد فعالیت‌هایی شبیه عملیات بانکی شوند. این مؤسسات ممکن است که بخش عمده‌ای از یک سیستم مالی را تشکیل دهند و در عین حال هم عمدتاً تحت نظارت نباشند. از آنجایی که اصول اساسی جهت انجام نظارت بر سیستم بانکی ایجاد شده است، نمی‌توان آنها را بصورت رسمی برای ارزیابی این نوع از مؤسسات غیر بانکی استفاده کرد. با این وجود، حداقل باید بیان شود که فعالیت‌های بانکی این مؤسسات چه تأثیری روی مؤسسات بانکی دارد و چه مشکلات احتمالی را ممکن است به وجود آورد.

۷۱- پنجم اینکه، توسعه فعالیت‌ها و ارتباط بین بانکی منجر به پیچیده تر شدن ارزیابی می‌شود. بهبود همکاری‌ها و تبادل اطلاعات بین ناظران میزبان و میهمان، هم در زمان عادی و هم در شرایط بحران، از اهمیت بالایی برخوردار است. بنابراین، ارزیاب باید تعیین کند که این همکاری و تسهیم اطلاعات، باید در حد نیاز با توجه به اندازه و پیچیدگی روابط بانکی بین دو کشور باشد.

۷. معیارهای سنجش میزان انطباق با اصول اساسی

۷۲- این بخش معیارهایی را برای هر یک از اصول اساسی ۲۹ گانه ارائه می‌دهد. این معیارها تحت دو عنوان اصلی "معیارهای ضروری" و "معیارهای اضافی" تقسیم بندی می‌شود. همانطور که در بند ۵۹ بیان شد، معیارهای ضروری باید جهت نشان دادن میزان انطباق یک سیستم با اصول اساسی استفاده شوند. معیارهای اضافی هم ممکن است برای نظارت و ارزیابی کشورهای که دارای ساختارهای بانکی پیچیده‌تری هستند مورد استفاده قرار بگیرند. عمدتاً، سطح‌بندی میزان انطباق با اصول بیشتر بر اساس معیارهای ضروری صورت می‌گیرد؛ مگر اینکه کشور تحت ارزیابی داوطلبانه خواستار سطح بندی سیستم خود با معیارهای اضافی باشد.

۷۳- معیارهای ارزیابی سیستم، مبتنی بر اقدامات نظارتی سالم که قبلاً بنا نهاده شده است می‌باشد، حتی اگر بصورت کامل اجرائی نشده باشند. جایی که لازم باشد سندهایی که معیارها از آن گرفته شده‌اند، باید به عنوان منبع ارجاع، معرفی شوند.

اختیارات نظارتی، مسئولیت‌ها و کارکردها

اصل ۱: مسئولیت‌ها، اهداف و اختیارات

یک سیستم مؤثر نظارت بانکی باید دارای مسئولیت‌ها و اهداف روشن برای هر یک از مسئولین درگیر در نظارت بانک‌ها یا گروهی از بانک‌ها باشد.^{۲۶} یک چارچوب قانونی مناسب برای نظارت بانکی، اختیارات قانونی لازم را برای ناظران به منظور نظارت بر بانک‌ها و انجام ارزیابی مستمر مربوط به میزان انطباق بر قوانین و اتخاذ اعمال اصلاحی در راستای امنیت و ثبات سیستم، فراهم می‌کند.^{۲۷}

معیارهای ضروری برای این اصل

۱. مسئولیت‌ها و اهداف هر یک از مسئولین نظارت بانکی^{۲۸} بصورت شفاف و قانونی تعریف و بصورت عمومی افشاء می‌شوند. زمانی که بیش از یک ناظر یا مسئول درگیر کار نظارت سیستم بانکی باشند، یک چارچوب معتبر و در دسترس عموم واقعی جهت جلوگیری از شکاف قانونی و نظارتی وجود دارد.
۲. هدف اولیه نظارت بانکی بهبود امنیت مالی و پایداری بانک‌ها و سیستم بانکی می‌باشد. اگر ناظران بانکی برای مسئولیت‌های متفاوتی در نظر گرفته شود، این مسئولیت‌ها زیر مجموعه هدف اولیه نظارتی مذکور بوده و تداخلی با هم ندارند.
۳. قوانین و مقررات، چارچوبی را برای نظارت و اجرای حداقل استانداردهای احتیاطی برای بانک‌ها و گروه‌های بانکی فراهم می‌آورد. ناظران بانکی این اختیار را دارد که الزامات احتیاطی را با توجه به مشخصه‌های ریسکی^{۲۹} و اهمیت سیستمی^{۳۰} آنها، افزایش دهد.
۴. قوانین و مقررات بانکداری و همچنین استانداردهای احتیاطی باید به گونه‌ای به روز شوند که بتوانند با محیط و شرایط مقرراتی در حال تغییر منطبق شده و مؤثر واقع شوند. هر زمان که لازم باشد، این کار باید با مشورت با بانک‌ها انجام پذیرد.

^{۲۶} در این سند گروه بانکی شامل شرکت مادر، بانک و اداره‌های آن، زیر مجموعه‌ها، اشخاص وابسته و سرمایه‌گذاری‌های مخاطره‌ای آن، اعم از داخلی و یا خارجی می‌باشد. ریسک ناشی از مؤسسات دیگر در گروه‌های وسیع‌تر، به عنوان مثال، موسسه‌های غیربانکی (که شامل مؤسسات غیر مالی هم می‌شود) نیز ممکن است که مرتبط بوده و شامل گروه بانکی بشوند. چنین رویکرد گروهی در کار نظارت فراتر از رویکرد تلفیقی یا تجمیعی در حسابداری می‌باشد.

^{۲۷} فعالیت‌های بانک‌های تفویض‌کننده، نظارت دائم و فعالیت‌های اصلاحی در ذیل هر یک از اصول‌ها به تفصیل توضیح داده می‌شود.

^{۲۸} در این سند، چنین مقامی "ناظران" نامیده می‌شود. به جزء در مواردی که عبارت "ناظران بانکی" برای تصریح، لازم و ضروری بوده است.

^{۲۹} در این سند، منظور از "مشخصه ریسکی" بانک، نوع و میزان ریسک‌هایی است که بانک در کارهای خود می‌پذیرد.

^{۳۰} در این سند، "اهمیت سیستمی"، با معیارهایی از جمله اندازه، ارتباط بین گروهی، میزان جایگزین شدن، فعالیت‌های بین‌المللی یا فعالیت‌های بین حوزه‌ای، و میزان پیچیدگی بانک، همانطور که در سند مربوط به بانک‌های مهم از نظر سیستمی و جهانی: متدولوژی ارزیابی و الزام جذب بیشتر زبان در نوامبر ۲۰۱۱ منتشره توسط کمیته بال مطرح شده، تعریف می‌شود.

۵. ناظران بانکی دارای اختیارات زیر هستند:

الف) دسترسی کامل به هیأت مدیره، مدیران و کارکنان و مستندات بانک یا گروه بانکی تا بتواند میزان انطباق با قواعد و محدودیت‌های داخلی و قوانین و مقررات بیرونی را بررسی کند.

ب) بازنگری فعالیت‌های گروه بانکی از بعد داخلی و بین بانکی

ج) نظارت بر فعالیت‌های خارجی بانک‌های موجود در قلمرو خود

۶. زمانی که از نظر ناظران بانکی عملکرد بانک منطبق بر قوانین و مقررات نباشد، یا اینکه بانک یا گروه‌های بانکی امور ریسکی که موقعیت بانک را به خطر بیندازد انجام دهند، ناظران بانکی دارای اختیارات زیر هستند:

الف) اتخاذ اعمال اصلاحی به موقع (یا اینکه از بانک بخواهد که این کار را انجام دهد)

ب) برقراری تعدادی ممنوعیت و محرومیت برای بانک

ج) ابطال مجوز بانک

د) همکاری و تشریک مساعی با مسئولین مربوطه برای رسیدن به راه‌حلهایی برای آن بانک، که شامل اجرای آنها در جایی که لازم باشد نیز می‌شود

۷. ناظران، اختیار بازنگری و بررسی شرکت‌های اصلی و مادر و همه شرکت‌های وابسته آن را دارند. این اختیار به خاطر بررسی تأثیر این شرکت‌ها بر ثبات و پایداری بانک‌ها یا گروهی از بانک‌ها می‌باشد.

اصل ۲: استقلال، پاسخ‌گویی، حمایت مالی و قانونی برای ناظران

ناظران دارای استقلال عملیاتی، فرایندهای شفاف و حاکمیت سالم و فرایندهای بودجه‌ای بوده، بطوری که به استقلال آن‌ها ضربه نزند. ناظران همچنین دارای منابعی برای انجام وظایف خود بوده، و باید در قبال انجام وظایف خود و استفاده از منابع پاسخگو باشند. چارچوب قانونی برای نظارت بانکی شامل حمایت‌های لازم برای ناظران هم می‌شود.

معیارهای ضروری برای این اصل

۱. استقلال عملیاتی، پاسخ‌گویی و حاکمیت و مدیریت ناظران بانکی در قانون‌گذاری تبیین شده و بصورت عمومی افشاء می‌شود. هیچ نوع دخالت دولتی نباید استقلال ناظران بانکی را به خطر بیندازد. ناظران بانکی این اختیار را دارند که هر نوع تصمیم و اقدامی را برای انجام نظارت بانک‌ها یا سیستم بانکی اتخاذ کنند.

۲. فرایند انتصاب یا عزل رؤسای نظارتی یا مدیران هیأت نظارتی شفاف است. رؤسای ناظران، بر اساس شرایطی تعیین می‌شوند و اگر قرار است که عزل شوند باید بر طبق مقررات صورت بگیرد و یا اینکه محرز شود که مدیری نمی‌تواند از لحاظ فیزیکی یا روحی و روانی کار خود را ادامه دهد و یا در انجام کارها دچار قصور عمدی شده باشد. دلایل عزل باید بصورت عمومی اطلاع‌رسانی شود.

۳. ناظران، اهداف خود را منتشر می‌کنند و در یک چارچوب مشخصی از وظایف خود در ارتباط با آن اهداف پاسخگو می‌باشند.^{۳۱}
۴. ناظران بانکی دارای رویه‌های داخلی حاکمیتی و ارتباطی بوده که آنها را جهت اتخاذ تصمیمات متناسب با موضوع توانمند می‌کند. این رویه‌ها همچنین برای گرفتن تصمیمات به موقع در مواقع اضطراری مفید هستند. شاکله حاکمیت به‌گونه‌ای باشد که از هر گونه تضاد منافع، جلوگیری شود.
۵. ناظران و همکاران آن دارای اعتبار مبتنی بر حرفه‌ای بودن و حیثیت شغلی خود هستند. در رابطه با اینکه چگونه از تضاد منافع جلوگیری و از اطلاعات بشکل مناسب استفاده کرد، قوانینی وجود دارد و چنانچه این مقررات رعایت نشود، محدودیت‌هایی به وجود می‌آید.
۶. ناظران بانکی برای ایجاد و انجام یک نظارت مؤثر، دارای منابع کافی می‌باشند. تأمین مالی برای امور نظارتی به شکلی انجام می‌شود که به استقلال فردی و عملیاتی ناظران لطمه وارد نکند. این موضوع شامل موارد زیر می‌باشد:
- الف) تأمین بودجه متناسب با تعداد کارکنان و تجربه آنها و همچنین متناسب با مشخصه‌های ریسکی و اهمیت سیستمی بانک‌های تحت نظارت.
- ب) حقوق و مزایای جذاب برای جذب و نگهداشتن کارکنان شایسته
- ج) توانایی پرداخت حق الزحمه به متخصصان بیرونی با تجربه بالا با توجه به محدودیت‌های مربوط به حفظ اطلاعات محرمانه در انجام امور نظارتی
- د) برنامه و بودجه‌ای جهت آموزش‌های مستمر کارکنان
- ه) بودجه تکنولوژی به منظور تجهیز کارکنان با ابزارهای مورد نیاز برای نظارت صنعت بانکداری و ارزیابی بانک‌های فردی یا گروهی
- و) بودجه مسافرتی برای نظارت‌های حضوری، همکاری‌های بین بانکی و شرکت در ملاقات‌های داخلی و بین‌المللی
۷. به عنوان بخشی از برنامه‌ریزی منابع سالانه، ناظران به صورت منظم تجربیات موجود و الزامات پیش‌بینی شده را برای دوره‌های کوتاه‌مدت و میان‌مدت، با لحاظ امور نظارتی در حال شکل‌گیری، نگهداری می‌کنند. ناظران در این رابطه سعی در کاهش فاصله‌ها و شکاف‌های شناخته شده دارند.
۸. در تعیین برنامه‌های نظارتی و تخصیص منابع، ناظران مشخصه‌های ریسکی و اهمیت سیستمی هر یک از بانک‌ها و گروه‌های بانکی و همچنین رویکردهای متفاوت کاهش ریسک را در نظر می‌گیرند.

^{۳۱} به اصل ۱، معیار ضروری ۱ مراجعه شود.

۹. زمانی که ناظران کارهای خود را به شکل مناسبی انجام می‌دهند، قوانین از آنها و همکاران‌شان در برابر شکایت‌ها حمایت می‌کند.

اصل ۳: همکاری و مشارکت

قوانین و مقررات، چارچوبی را برای همکاری و مشارکت با مسئولین داخلی و بیرونی فراهم آورده است. این ترتیبات به منظور حفظ اطلاعات محرمانه صورت می‌گیرد^{۳۲}.

معیارهای ضروری برای این اصل

۱. به منظور ایجاد همکاری بخصوص در زمینه به اشتراک گذاشتن اطلاعات و کارهای مشترک با مؤسسات مالی، ناظران داخلی مسئول در رابطه با امنیت و ثبات بانکها، سایر مؤسسات مالی و یا ثبات سیستم مالی ترتیبات و مواردی (اعم از رسمی و غیررسمی) تعیین شده است. شواهد حاکی از آن است که در مقام عمل، جایی که لازم بوده، این کارها صورت گرفته است.

۲. به منظور ایجاد همکاری بخصوص در زمینه به اشتراک گذاشتن اطلاعات و کارهای مشترک با ناظران بیرونی بانکها ترتیباتی (اعم از رسمی و غیررسمی) تعیین شده است. شواهد حاکی از آن است که در مقام عمل، جایی که لازم بوده، این کارها صورت گرفته است.

۳. ناظران بانکی ممکن است اطلاعات محرمانه‌ای را به مسئولین داخلی بانک و یا ناظران بیرونی بدهند. اما باید تأکید کرد که هر نوع انتشار اطلاعات در راستای اهداف نظارتی باشد و توسط گیرنده آن به عنوان اطلاعات محرمانه طبقه‌بندی شود.

۴. ناظرانی که اطلاعات محرمانه را از ناظران دیگر دریافت می‌کنند باید آن را فقط در راستای اهداف نظارتی به کار بگیرند. این ناظران نمی‌توانند بدون اجازه از مسئول یا ناظرانی که اطلاعات را از آن گرفته‌اند، آنها را به شخص ثالث واگذار کنند و به غیر از درخواست دادگاه و یا مراجع قانونی از دادن اطلاعات خودداری کنند. در شرایطی که ناظران مجبور به افشاء قانونی اطلاعات محرمانه‌ای که از ناظران دیگری گرفته‌اند باشند، باید ناظران اصلی را در جریان قرار دهند و مشخص کنند که چه نوع اطلاعاتی باید فاش شود. زمانی که تعهدی برای عدم افشاء اطلاعات نباشد، ناظرانی که دارای اطلاعات هستند باید همه تلاش خود را در راستای عدم افشای آن انجام دهند.

۵. فرایندهایی برای ناظران بانکی وجود دارد که به مسئولین از جمله بانک مرکزی و وزرای مالی در جهت برنامه‌های مربوط به مشکلات ثبات مالی کمک کند.

^{۳۲} اصل ۳ در ارتباط با نظارت تلفیقی (اصل ۱۲)، رابطه ناظران میهمان-میزبان (اصل ۱۳) و سوء استفاده از خدمات مالی (اصل ۲۹)، ایجاد شده‌اند.

اصل ۴: فعالیت‌های مجاز

فعالیت‌های مجاز مؤسساتی که دارای مجوز هستند و باید ارزیابی و نظارت شوند، مانند بانک‌ها، به روشنی توسط ناظران یا قوانین و مقررات تعریف شده‌اند و استفاده از واژه "بانک" در عنوان مؤسسات کنترل می‌شود.

معیارهای ضروری برای این اصل

۱. واژه بانک به روشنی در قوانین و مقررات تعریف شده است.
۲. فعالیت‌های مجاز مؤسساتی که دارای مجوز هستند و باید ارزیابی و نظارت شوند، مانند بانک‌ها، توسط ناظران یا قوانین و مقررات به روشنی تعریف شده‌اند.
۳. استفاده از کلمه بانک و مشتقات آن مانند بانکداری در اسم مؤسسات، محدود به مؤسساتی است که دارای مجوز بوده و تحت نظارت قرار می‌گیرند. در غیر اینصورت باعث اشتباه مردم می‌شود.
۴. سپرده‌های مردم در مؤسساتی نگهداری می‌شود که دارای مجوز بوده مانند بانک‌ها و تحت نظارت قرار می‌گیرند.^{۳۳}
۵. ناظران یا مسئول اعطای مجوز، لیست بانک‌های دارای مجوز اعم از شعب خارجی بانک که در قلمرو قانونی خود فعالیت کرده و به سهولت در دسترس عموم قرار دارند را منتشر می‌کند.

اصل ۵: معیارهای اعطاء مجوز

مسئول اعطاء مجوز دارای این اختیار است که معیارهایی را تنظیم کرده و تقاضاهایی که منطبق با معیارها نیست را رد کند. ساز و کار اعطاء مجوز، حداقل مستلزم بررسی ساختار مالکیت و حاکمیت بانک یا گروه بانکی (شامل صلاحیت اعضای هیأت مدیره و مدیریت ارشد^{۳۴}) است. همچنین برنامه راهبردی و عملیاتی، کنترل‌های داخلی و مدیریت ریسک و شرایط مالی بانک را نیز باید بررسی کرد. زمانی که درخواست کننده مجوز یک بانک خارجی است، باید موافقت اولیه ناظران کشور آن بانک گرفته شود.

معیارهای ضروری برای این اصل

۱. قانون، وظایف مسئولین را در رابطه با اعطا یا لغو مجوز بانکداری تعیین کرده است. مسئول مجوزها می‌تواند از ناظران بانکی یا از مسئولین بلند پایه باشد. چنانچه مسئول اعطای مجوز و ناظران بانکی یکی نباشند، ناظران می‌توانند نظرات خود را در رابطه با درخواست‌های مجوز ارائه دهند. به علاوه، مسئولین مجوزها، در صورت درخواست، اطلاعات لازم را به

^{۳۳} کمیته در برخی از کشورها مؤسساتی را شناسایی می‌کند که تحت عنوان مؤسسات غیربانکی، اقدام به سپرده‌گیری می‌کنند. ولی ممکن است قوانین مربوط به بانک‌ها در مورد آنها اجرا نشود. این‌گونه مؤسسات، باید مقرراتی در مورد آنها اجرا شود که متناسب با اندازه و نوع کسب و کار آنها بوده، و نباید سهم بالایی از جمع سپرده‌های بانکی را نگهداری کنند.

^{۳۴} این سند به ساختاری از حاکمیت که متشکل از هیأت مدیره و مدیریت ارشد است اشاره دارد. کمیته تشخیص داده است که تفاوت‌های چشمگیری در چارچوب‌های قانونی و مقرراتی وجود دارد. برخی از کشورها از ساختار هیأت مدیره دو لایه‌ای استفاده می‌کنند. این زمانی است که کارکرد نظارتی هیأت مدیره توسط یک بخش جداگانه‌ای که به عنوان هیأت مدیره نظارتی که مسئولیت اجرایی نداشته باشند، انجام می‌شود. در مقابل، برخی از کشورها از ساختار یک لایه‌ای استفاده می‌کنند. در این ساختار، هیأت مدیره نقش گسترده‌تری دارد. با توجه به این تفاوت‌ها، این سند از یک ساختار خاص حمایت نمی‌کند.

ناظران بانکی برای امور نظارت ارائه می‌کنند. زمانی که لازم باشد، ناظران بانکی شرایط احتیاطی و محدودیت‌هایی را برای بانک‌هایی که به تازگی دارای مجوز شده‌اند وضع می‌کنند.

۲. قوانین و مقررات، این اختیار را به مسئولین مجوزها داده تا معیارهایی را جهت اعطای مجوز به بانک‌ها تعیین کنند. اگر اطلاعات کافی نبوده یا درخواست مجوز منطبق با معیارهای اعطای مجوز نباشد، مسئول مربوطه می‌تواند درخواست را رد کند. اگر مسئولین و ناظران به این نتیجه برسند که مجوز یک بانک بر اساس اطلاعات غلط صادر شده است، مجوز آن را می‌توانند باطل کنند.

۳. معیارهای که برای صدور مجوز لازم است باید با آنهایی که برای انجام نظارت مورد استفاده قرار می‌گیرند همخوانی داشته باشد.

۴. از نظر مسئولین مجوزها، ساختارهای قانونی، مدیریتی و مالکیت بانک نباید مانع از انجام نظارت مؤثر انفرادی یا تلفیقی و همچنین اجرای شاخص‌های اصلاحی در آینده شود.^{۳۵}

۵. مسئولین مجوزها، سهامداران عمده بانک‌ها، شامل آن‌هایی که دارای منافع نامحدود یا نفوذ زیادی در بانک هستند را شناسایی می‌کنند. آنها همچنین در جایی که لازم باشد، ساختار مالکیت، منبع سرمایه اولیه و توانایی سهامداران در فراهم آوردن منابع مالی بیشتر را مورد ارزیابی قرار می‌دهند.

۶. حداقل سرمایه اولیه، برای همه بانک‌ها تعیین شده است.

۷. مسئول مجوزها، اعضای پیشنهادی هیأت مدیره و مدیریت ارشد را جهت شناخت هرگونه تضاد احتمالی در منافع ارزیابی می‌کند. معیارهای مناسب در این زمینه شامل موارد ذیل می‌باشد:

(۱) مهارت‌ها و تجارب مربوط به عملیات مالی که متناسب با فعالیت‌های بانک باشد.

(۲) عدم وجود سوء پیشینه که مانع از گرفتن پست‌های مهم و حساس در بانک شود.^{۳۶}

مسئول مجوزها میزان دانش جمعی مدیران را در زمینه فعالیت‌های بانکی و ریسک‌های مربوط به آنها تعیین می‌کند و بررسی می‌کند که آیا آنها دارای دانش مناسب هستند یا خیر؟

۸. مسئول مجوزها طرح‌های راهبردی و عملیاتی پیشنهادی بانک‌ها را بررسی می‌کند. این بررسی شامل تعیین حاکمیت شرکتی مناسب، مدیریت ریسک و کنترل‌های داخلی از لحاظ سیستمی برای جلوگیری از فعالیت‌های مجرمانه، می‌باشد. همچنین بر کارکردهای پیشنهادی مربوط به برون‌سپاری نظارت می‌کند. ساختار عملیاتی به علت اینکه نشان دهنده حوزه و درجه پیچیدگی فعالیت‌های بانک است، مورد بررسی قرار می‌گیرد.^{۳۷}

^{۳۵} بنابراین بانک‌های مجازی، مجوز نخواهند گرفت. (مرجع: مقاله کمیته بال (BCBS) درباره بانک‌های مجازی، ژانویه ۲۰۰۳).

^{۳۶} به اصل ۱۴، معیار ضروری ۸ مراجعه شود.

^{۳۷} به اصل ۲۹ مراجعه شود.

۹. مسئول مجوزها صورت‌های مالی پیش بینی شده و فعالیت‌های مدنظر بانک را بازنگری می‌کند. این ارزیابی شامل بررسی میزان توانایی مالی برای انجام عملیات پیشنهادی و همچنین اطلاعات مالی در رابطه با سهامداران اصلی بانک می‌باشد.

۱۰. در مواردی که بانک‌های خارجی، درصدد ایجاد شعبه یا زیر مجموعه‌ای در کشور میزبان باشند، ناظران میزبان باید این اطمینان را حاصل کنند که هیچ نوع مخالفتی را از طرف ناظران داخلی کشور آن بانک دریافت نکرده باشند. برای عملیات بین بانکی در کشور ناظران، ناظران میزبان بررسی می‌کنند که آیا ناظران داخلی کشور آن بانک نسبت به نظارت تجمیعی جهانی آگاهی دارند یا خیر؟

۱۱. مسئول مجوزها یا ناظران دارای سیاست‌ها و فرایندهایی می‌باشند که میزان پیشرفت مؤسسات جدید را نسبت به اهداف راهبردی و تجاری آنها پایش می‌نمایند. آنها همچنین باید بررسی کنند که الزامات نظارتی در تأیید و صدور مجوزها رعایت شده باشد.

اصل ۶: انتقال مالکیت‌های عمده

در خصوص پیشنهادهای مربوط به انتقال مالکیت‌های عمده یا حق کنترل مستقیم یا غیرمستقیم بانک‌ها به سایر گروه‌ها، ناظران بانکی این اختیار را دارند که شرایط احتیاطی را در رابطه با آن اعمال، بررسی یا رد کنند.^{۳۸}

(منابع مرجع: ساختارهای مالکیت موازی گونه بانکی، ژانویه ۲۰۰۳، و بانک‌های مجازی و ادارات ثبت، ژانویه ۲۰۰۳).^{۳۹}

معیارهای ضروری برای این اصل

۱. قوانین و مقررات تعاریف روشنی از "مالکیت عمده" و "کنترل منافع" دارد.
۲. الزاماتی برای به دست آوردن تأیید نظارت یا اطلاع رسانی سریع در رابطه با تغییرات اساسی که منجر به تغییر مالکیت می‌شود، وجود دارد. این مورد شامل منافع مالکان یا حق رأی و همچنین تغییر در کنترل منافع می‌باشد.
۳. ناظران این اختیار و قدرت را دارند که هرگونه تغییر جدی در مالکیت را رد کنند. این تغییرات می‌تواند شامل تغییر در منافع مالکان یا منافع تحت کنترل و ممانعت از تغییر در حق رأی با لحاظ این سرمایه‌گذاری‌ها بوده تا اینکه اطمینان حاصل کنند که هر نوع تغییر در مالکیت مطابق با معیارهایی باشد که در فرایند اعطای مجوز بانکداری وجود دارد، باشند. اگر ناظران به این نتیجه برسند که تغییر در مالکیت بر اساس اطلاعات غلط بوده است، این قدرت را دارند که تغییرات مهم در مالکیت را تعدیل یا باطل کنند.
۴. ناظران از طریق گزارش‌های دوره‌ای یا از طریق بازرسی حضوری، باید اسامی همه سهامداران عمده یا آنهایی که می‌توانند نفوذ داشته و یا میزان نفوذ را در بانک‌ها کنترل کنند بدست آورند.

^{۳۸} اگرچه واژه "ناظران" در اصل ۶ مورد استفاده قرار می‌گیرد، کمیته می‌داند که در تعداد کمی از کشورها، این موضوعات به مقام مسئول مجوزها مربوط می‌شود.

^{۳۹} منابع مربوطه، همان سندهای BCBS می‌باشد.

۵. ناظران دارای این اختیار بوده که در رابطه با تغییرات کنترلی در مالکیت که بدون تأیید یا نظر ناظران انجام گرفته باشد را تعدیل نموده یا برگردانند.

۶. قوانین و مقررات یا ناظران از بانکها می خواهند، اطلاعات مهمی که احتمالاً تأثیر منفی روی سهامداران عمده می گذارند را فوراً در اختیار ناظران قرار دهند.

اصل ۷: تملک های عمده

ناظران دارای این اختیار هستند که سرمایه گذاری ها و مالکیت های عمده از جمله سرمایه گذاری برون مرزی یک بانک را با توجه به معیارهای از پیش تعیین شده تأیید یا رد نموده و یا شرایط احتیاطی را در خصوص آنها وضع نمایند (یا اینکه به مسئول مربوطه پیشنهاد رد یا تأیید طرح را دهند). اعطای این اختیار به ناظران به این خاطر است که شرکت های وابسته یا ساختارها، بانک را در معرض ریسک های غیرضروری قرار ندهد و یا اینکه به نظارت مؤثر لطمه ای وارد نماید.

معیارهای ضروری برای این اصل

۱. قوانین و مقررات به روشنی موارد زیر را تعریف می کند:

الف) نوع مالکیت و سرمایه گذاری (بصورت مطلق یا نسبت به سرمایه بانکها) که مستلزم تأیید ناظران می باشد.

ب) مواردی که ابلاغ و اطلاع رسانی درباره آنها بعد از سرمایه گذاری و یا تملک، کفایت می کند. این موارد شامل سرمایه گذاری اندک نسبت به سرمایه یا فعالیت های اولیه ای که تا حدود زیادی به فعالیت های بانکی بستگی دارد می باشد.

۲. قانون و مقررات معیارهایی را برای قضاوت درباره طرح های انفرادی ارائه می دهد.

۳. همانند الزامات لازم برای کسب مجوز، یکی از معیارهای مربوط به اهداف نظارت این است که هر نوع تملک و یا سرمایه گذاری جدید نباید بانک را در معرض ریسک های غیرضروری قرار دهد و مانع از انجام نظارت مؤثر شود. همچنین ناظران بدنبال این هستند که این سرمایه گذاری های جدید مانعی برای انجام کارهای اصلاحی در آینده نشود^{۴۰}. ناظران می توانند از انجام سرمایه گذاری های عمده بانکها در کشورهایی که انتشار اطلاعات را ممنوع می کنند، جلوگیری نمایند. ناظران به مؤثر بودن نظارت در کشور میزبان و توانایی خود در انجام نظارت به صورت سیستمی، نیز توجه دارند.

۴. ناظران باید اطمینان حاصل کنند که بانک باید منابع مالی، سازمانی و مدیریتی کافی را برای انجام یک سرمایه گذاری یا تملک داشته باشد.

^{۴۰} در مواردی که تملک عمده اتفاق می افتد، این بند ممکن است که این نکته را در نظر بگیرد که آیا تملک یا سرمایه گذاری جدید موانعی را برای رفع مشکل بانک ایجاد می کند یا خیر؟

۵. ناظران بانکی باید در رابطه با ریسک‌هایی که فعالیت‌های غیر بانکی می‌توانند به گروهی از بانک‌ها تحمیل کنند، آگاه باشند و دارای ابزارهایی برای اتخاذ اقدام صحیح در جهت کاهش این ریسک‌ها باشند. ناظران توانایی بانک برای مدیریت ریسک‌های قبل از انجام سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های غیر بانکی را در نظر می‌گیرند.

معیار اضافی

۱. ناظران، تملک‌ها یا سرمایه‌گذاری‌های عمده توسط سایر نهادها در گروه بانکی را بررسی می‌کنند. این کار به منظور این است که ناظران اطمینان حاصل کنند ریسک‌های غیر ضروری به بانک‌ها تحمیل نشده و مانع از انجام نظارت مؤثر نشود. همچنین ناظران تعیین می‌کنند که تملک‌ها و سرمایه‌گذاری‌های جدید، مانعی بر سر راه اقدامات اصلاحی آینده نشود^{۴۱}. در صورتی که لازم باشد، ناظران قادر هستند ریسک‌هایی که از محل این سرمایه‌گذاری‌های جدید ایجاد می‌شود را بیان کنند.

اصل ۸. رویکرد نظارتی

سیستم مؤثر نظارت بانکی ناظران را ملزم به ارتقا و حفظ ارزیابی آینده‌نگر از مشخصه ریسکی بانک‌ها یا گروه بانکی با توجه به اهمیت سیستمی بانک‌ها می‌نماید. ناظران باید ریسک‌های مربوط به بانک‌ها و سیستم بانکی را شناسایی، ارزیابی و تشریح کنند، دارای چارچوبی برای مداخله‌های زود هنگام بوده و همچنین با همکاری مسئولین دیگر، جهت حل مشکلات بانک‌هایی که دچار مشکل مالی شده‌اند، اقدام مقتضی را انجام دهند.

معیارهای ضروری برای این اصل

۱. ناظران، یک متدولوژی را برای تعیین و ارزیابی ماهیت، تأثیر و حوزه ریسک‌های ذیل مورد استفاده قرار می‌دهند:
الف) ریسک‌هایی که بانک‌ها یا گروه‌های بانکی در معرض آن‌ها قرار دارند که شامل ریسک‌های ایجاد شده توسط نهادهای بزرگ‌تر نیز می‌شود.

ب) ریسک‌هایی که بانک‌ها یا گروه‌های بانکی برای امنیت و سلامت سیستم بانکی ایجاد می‌کنند.
این نوع متدولوژی، نوع کسب و کار، ساختار گروه، مشخصه‌های ریسکی، محیط کنترل داخلی و امکان حل مشکل بانک‌ها را مورد بررسی قرار می‌دهد و امکان مقایسه را بین بانک‌ها فراهم می‌نماید. تناوب و نظارت قوی بر بانک‌ها و گروه‌های بانکی میزان بازده و نتیجه این تحلیل‌ها را منعکس می‌کند.

۲. ناظران دارای فرایندهایی برای فهم و درک مشخصه‌های ریسکی بانک‌ها و گروه‌های بانکی بوده و متدولوژی مناسب را به منظور ایجاد یک رویکرد آینده‌نگر برای بررسی این مشخصه‌ها به کار می‌گیرند. نوع و ماهیت کار نظارت برای هر بانک نتیجه این تجزیه و تحلیل می‌باشد.

^{۴۱} به پانوش ۳۳ ذیل اصل ۷، معیار ضروری ۳ مراجعه شود.

۳. ناظران بانکی میزان انطباق بانکها و گروههای بانکی با مقررات احتیاطی و دیگر الزامات را مورد ارزیابی قرار می‌دهند.
۴. ناظران بانکی باید در ارزیابی خود از مشخصه‌های ریسکی بانکها و گروههای بانکی، شرایط اقتصاد کلان را مدنظر قرار دهند. ناظران می‌توانند توسعه ارتباط بین بانکی را از طریق ارتباط با قانون‌گذاران دیگر در نظر بگیرند.
۵. ناظران بانکی می‌توانند با کمک مسئولین ذی‌ربط، نحوه شکل‌گیری ریسکها، روندها و میزان تمرکز ریسک در داخل بانکها و سیستم بانکی را شناسایی، پایش و ارزیابی نمایند. این عوامل و ریسکها شامل ایجاد دارائیهای مشکل‌دار و منابع نقدینگی می‌باشند. ناظران بانکی در ارزیابی‌های خود، همه این موارد را در نظر گرفته و تهدیدهای جدی و بالقوه برای ثبات مالی سیستم بانکی یا بانکها را شناسایی می‌کنند.
۶. ناظران همزمان و با همکاری مسئولین ذی‌ربط و براساس اطلاعات فراهم شده توسط بانک و سایر ناظران ملی و در جایی که لازم باشد، امکان رفع مشکل یک بانک را با توجه به اهمیت سیستمی و مشخصه‌های ریسکی آن ارزیابی می‌کنند. زمانی که موانع خاص ایجاد شده برای بانک شناسایی شده باشد، ناظران از بانک می‌خواهند که معیارهای مناسب مانند تغییر در راهبردهای سازمان، ساختارهای مدیریتی، عملیاتی و مالکیتی و فرایندهای داخلی را بکار بگیرد. تأثیر هر یک از این معیارها بر پایداری و سلامت کسب و کارها مورد بررسی قرار می‌گیرند.
۷. ناظران بانکی دارای چارچوب یا فرایند روشن برای کمک به بانک در شرایط بحران می‌باشند. به‌گونه‌ای که هر تصمیمی در رابطه با کمک به بانک برای خروج از بحران به موقع گرفته شود.
۸. زمانی که ناظران مطلع شوند بخشی یا همه فعالیت‌های بانکی خارج از چارچوب قانونی انجام می‌شود، اقدامات مؤثر را در این خصوص انجام داده و آن را به اطلاع مسئول ذی‌ربط می‌رسانند. همچنین، ناظران در خصوص تغییر ساختاری که بانکها در فعالیت‌های خود به منظور اجتناب از اخذ مجوزهای قانونی انجام می‌دهند نیز اقدام مناسب را انجام می‌دهند.

اصل ۹: ابزارها و تکنیک‌های نظارت

ناظران بانکی، برای اجرایی کردن رویکرد نظارتی و بکارگیری منابع آن و با توجه به مشخصه‌های ریسکی و اهمیت سیستمی بانکها، طیفی از تکنیک‌ها و ابزارهای مناسب را بکار می‌گیرند.

معیارهای ضروری برای این اصل

۱. ناظران به منظور ارزیابی شرایط بانکها، وضعیت ریسک، محیط کنترل داخلی و شاخص‌های اصلاحی آنها تلفیقی از نظارت حضوری^{۴۲} و غیر حضوری^{۴۳} را بکار می‌گیرند. نوع تلفیق نظارت حضوری و غیر حضوری ممکن است با توجه به شرایط

^{۴۲} نظارت حضوری (On-site supervision) ابزاری برای تأیید مستقل بر وجود سیاست‌های کافی، فرآیندها و کنترل‌ها در بانک می‌باشد. این نظارت تعیین می‌کند که اطلاعات ارائه شده توسط بانکها باید قابل اتکا بوده و اطلاعات اضافی بانک و شرکت‌های تابعه آن را که برای ارزیابی شرایط بانک ضروری است گرفته و پی‌گیری‌های بانک در کار نظارت را پایش می‌کند.

خاص یک کشور و بانک تعیین شوند. ناظران به طور منظم، کیفیت، تلفیق و اثربخشی این نظارتها را ارزیابی کرده و در صورتی که لازم باشد، تغییرات لازم را در رویکرد خود ایجاد می نمایند.

۲. ناظران جهت برنامه ریزی و اجرای نظارت حضوری و غیر حضوری، دارای رویکرد جامع می باشند. فرایندها و سیاست‌هایی برای حصول اطمینان از اینکه این فعالیتها براساس اهداف، نتایج و مسئولیت‌های مشخص انجام می شود وجود دارند. همچنین بین ناظران حضوری و غیر حضوری باید یک همکاری مؤثر و تبادل اطلاعات وجود داشته باشد.

۳. ناظران بانکی به منظور بازنگری و ارزیابی میزان امنیت و سلامت سیستم بانکی، اطلاعات متنوعی را برای شناسایی ریسک‌های مهم و اقدامات اصلاحی لازم بکار می گیرند. این اقدامات شامل اطلاعاتی از قبیل گزارش‌های احتیاطی، بازده‌های آماری و اطلاعات مربوط به نهادهای مرتبط با بانک و اطلاعات در دسترس عموم می باشد. همچنین، ناظران بانکی باید میزان مفید بودن و قابل اتکا^{۴۴} بودن اطلاعات دریافتی از بانکها را تعیین نمایند و جایی که لازم باشد، اطلاعات اضافی را از بانکها و نهادهای مرتبط با آنها دریافت کنند.

۴. ناظران به صورت منظم اطلاعات گوناگونی را برای بازنگری و ارزیابی سلامت و ثبات سیستم بانکی مورد استفاده قرار می دهند. این اطلاعات شامل موارد زیر می باشد:

الف) تجزیه و تحلیل صورتها و حساب‌های مالی

ب) تجزیه و تحلیل مدل کسب و کار

ج) بازنگری‌های موازی همزمان

د) بررسی نتایج آزمون بحران^{۴۵} انجام شده توسط بانک

ه) تجزیه و تحلیل حاکمیت شرکتی، شامل مدیریت ریسک و سیستم‌های کنترل داخلی

ناظران یافته‌های خود را در صورت لزوم با بانک در تعامل قرار داده و در شرایطی از بانک می خواهند که در راستای کاهش میزان آسیب پذیری بالقوه ثبات و سلامت سیستم بانکی، اقداماتی را به مرحله اجرا در آورند. ناظران نتیجه تجزیه و تحلیل خود را برای پیگیری امور مورد استفاده قرار می دهند.

۵. ناظران بانکی، در تعامل با مسئولین ذیربط سعی در شناخت، ارزیابی و جلوگیری از ریسک‌های موجود بین بانکها و سیستم بانکی دارند و بطور بالقوه یک نوع آزمون بحران را انجام می دهند. ناظران یافته‌های خود را با بانک در تعامل قرار داده و تحت شرایطی از بانک می خواهند که در راستای کاهش میزان آسیب پذیری که بصورت بالقوه برای ثبات و سلامت

^{۴۳} نظارت غیر حضوری (Off-site supervision) به عنوان ابزاری برای یک بررسی منظم مورد استفاده قرار می گیرد. این نظارت شرایط مالی بانکها را تجزیه و تحلیل کرده و موضوعات مورد نیاز برای توجه بیشتر را پی گیری می کند. همچنین ریسک‌های در حال توسعه را شناسایی و ارزیابی کرده و به شناخت اولویتها و حوزه امور نظارت حضوری، غیر حضوری و غیره کمک می کند.

^{۴۴} به اصل ۱۰ مراجعه شود.

^{۴۵} Stress testing

سیستم بانکی مضر است اقدامی را انجام دهند. ناظران نتیجه تجزیه و تحلیل خود را برای پیگیری امور مورد استفاده قرار می‌دهند.

۶. ناظران بانکی، عملکرد حسابرسان داخلی بانک را مورد ارزیابی قرار می‌دهند و تعیین می‌کنند که آیا می‌توان برای شناسایی حوزه‌های ریسک از حسابرسان استفاده کرد یا خیر؟

۷. ناظران به منظور بررسی و ارزیابی راهبرد، ساختار گروه، حاکمیت شرکتی، کارکرد، میزان کفایت سرمایه، نقدینگی، کیفیت دارائیه‌ها، مدیریت ریسک و کنترل‌های داخلی، دائماً در تماس با هیأت مدیره، مدیران ارشد و میانی بانک می‌باشند. ناظران با مدیریت در مورد فرض‌های مربوط به راهبردها و مدل‌های کسب و کار بحث و گفتگو می‌کنند.

۸. ناظران یافته‌های حاصل از تجزیه و تحلیل بدست آمده از نظارت‌های حضوری و غیرحضوری را از طریق بحث و گفتگو و گزارش‌ها، با مدیریت بانک در میان می‌گذارند. ناظران با مدیریت ارشد و هیأت مدیره ملاقات کرده تا نتیجه ارزیابی‌های خود از نظارت را در اختیار آنها قرار دهند. همچنین در صورت لزوم، با اعضای مستقل هیأت مدیره بانک نیز در این خصوص بصورت مستقیم دیدار می‌کنند.

۹. ناظران، همواره نتایج مربوط به نظارت خود را پی‌گیری می‌نمایند تا مطمئن شوند که در بانک اجرا می‌شوند. چنانچه اقدام مناسبی صورت نگرفته باشد، تعدیلات مناسب را در سطح مسئولین نظارتی و هیأت مدیره بانک انجام می‌دهند.

۱۰. ناظران بانکی از بانک می‌خواهند که قبل از هر نوع تغییرات اساسی در فعالیت‌ها، شرایط و الزامات احتیاطی به آنها اطلاع‌رسانی شود.

۱۱. ناظران ممکن است که از اشخاص ثالث مستقل مانند حسابرسان برای بررسی تعدیلات ایجاد شده در امور استفاده کنند. با این وجود، ناظران نمی‌توانند مسئولیت‌های مربوط به مقررات احتیاطی را به اشخاص ثالث منتقل یا واگذار کنند. زمانی که ناظران می‌خواهند از اشخاص ثالث استفاده کنند، باید به این موضوع توجه کنند که تا چه حد می‌توان به آنها اعتماد نمود و انحرافات ممکن تا چه حد می‌تواند روی اشخاص ثالث تأثیر بگذارد.

۱۲. ناظران دارای سیستم اطلاعاتی مناسب جهت تسهیل پردازش‌ها، پایش و تجزیه و تحلیل اطلاعات احتیاطی می‌باشند. این سیستم به شناخت حوزه‌های موردنیاز برای پی‌گیری امور کمک می‌کند.

معیارهای اضافی

۱. برای بازنگری مستقل دوره‌ای، ناظران بانکی دارای چارچوبی می‌باشند که از طریق آن (بطور مثال حسابرسی داخلی یا ارزیاب خارجی) کفایت و مؤثر بودن ابزارهای نظارتی موجود را بررسی نموده و در صورت لزوم تغییرات مناسب را اعمال نمایند.

اصل ۱۰: گزارش دهی نظارتی

ناظران بانکی اطلاعات، گزارش‌ها و آمارهای مربوط به بانک‌ها^{۴۶} را بصورت انفرادی و تلفیقی، جمع‌آوری و بررسی نموده و این گزارش‌ها را بطور مستقل از طریق نظارت حضوری یا کارشناسان بیرونی تأیید می‌کنند.

معیارهای ضروری برای این اصل

۱. ناظران این اختیار^{۴۷} را دارند که از بانک، اطلاعات انفرادی و تلفیقی را بصورت منظم و دوره‌ای برحسب تقاضا درخواست کنند. این اطلاعات می‌تواند در ارتباط با شرایط مالی، عملکرد و ریسک‌ها باشد. این گزارش‌ها شامل اطلاعاتی در رابطه با دارائیه‌ها و بدهی‌های بالا و زیر خط ترازنامه، سود و زیان، کفایت سرمایه، نقدینگی، تسهیلات کلان، تمرکز ریسک، کیفیت دارائیه‌ها، ذخایر احتیاطی تسهیلات، معاملات اشخاص مرتبط، مشخصات ریسک بازار و ریسک نرخ بهره می‌باشد.
۲. ناظران، دستورالعمل مربوط به گزارش‌دهی را ارائه می‌دهند. این دستورالعمل بطور واضح استانداردهایی که باید در گزارش‌های نظارت مورد استفاده قرار گیرند را توصیف می‌کند. این استانداردها مبتنی بر قواعد و اصول حسابداری هستند که بصورت گسترده‌ای در سطح بین‌المللی پذیرفته شده‌اند.
۳. ناظران بانکی از بانک‌ها می‌خواهند که ساختارهای حاکمیتی و فرایندهای کنترلی مناسب را برای روش‌هایی که ایجاد ارزش می‌کنند داشته باشند. اندازه‌گیری ارزش منصفانه، باعث استفاده حداکثری از نهاده‌های قابل اعتماد و مرتبط شده و بطور مناسب برای اهداف گزارش‌دهی و مدیریت ریسک مورد استفاده قرار می‌گیرد. چارچوب ارزش‌گذاری و رویه‌های کنترلی منوط به تأیید و تصدیق مستقل و صحیح متخصص داخلی یا متخصص بیرونی می‌باشد. ناظران، ارزیابی می‌کنند که آیا ارزش‌گذاری استفاده شده برای اهداف مقرراتی قابل اتکا بوده و جنبه احتیاطی را دارند یا خیر؟ جایی که ناظران تشخیص دهند که ارزش‌گذاری‌ها به اندازه کافی احتیاطی نیست، از بانک‌ها می‌خواهند که در راستای گزارش‌دهی در مورد میزان کفایت سرمایه یا اهداف گزارش‌دهی مقرراتی، تغییراتی را اعمال نمایند.
۴. ناظران متناسب با نوع اطلاعات، مشخصه‌های ریسکی و اهمیت سیستمی بانک‌ها، اطلاعاتی را بصورت متناوب از آنها جمع‌آوری کرده و مورد ارزیابی قرار می‌دهند.
۵. به منظور مقایسه صحیح بین بانک‌ها و گروه‌های بانکی، ناظران از همه بانک‌ها و مؤسسات مرتبط که از طریق یک نظارت متمرکز پوشش داده می‌شوند، داده‌هایی را با رویکرد مقایسه‌ای و در زمان‌ها و دوره‌های یکسان جمع‌آوری می‌کنند.
۶. ناظران این اختیار را دارند که هر نوع اطلاعاتی را از بانک‌ها و هر نهادی فارغ از نوع فعالیت آنها در این گروه، درخواست و دریافت کنند. این فرایند زمانی انجام می‌شود که ناظران معتقد باشند که این اطلاعات برای شرایط بانک یا گروه بانکی، و

^{۴۶} در این اصل، "گزارش‌های احتیاطی و بازده‌های آماری" از گزارش‌های حسابداری متمایز شده و چیزی مضاف بر آنها است. مورد اول توسط این اصل توضیح داده می‌شود و مورد آخر در اصل ۲۷ بررسی می‌شود.

^{۴۷} به اصل ۲ مراجعه شود.

یا برای ارزیابی ریسک‌های بانک و یا برای حمایت از برنامه‌های اصلاحی، مورد نیاز بوده و دارای اهمیت باشند. این اطلاعات شامل اطلاعات مدیریت داخلی هم می‌شود.

۷. به منظور پیشبرد کار نظارت، ناظران این اختیار را دارند که به همه اطلاعات بانک دسترسی داشته باشند^{۴۸}. همچنین آنها می‌توانند به هیأت مدیره و کارکنان هم، زمانی که لازم باشد، دسترسی داشته باشند.

۸. ناظران به منظور الزام بانک‌ها به ارائه اطلاعات صحیح در زمانهای معین، دارای ابزارهای اعمال فشار می‌باشند. ناظران سطح مناسب مدیریت ارشد بانک را که مسئول تأکید صحت نتایج نظارت است را تعیین می‌کنند. همچنین آنها می‌توانند محدودیت‌هایی را به خاطر گزارش‌های نادرست و خطاهای پایدار، اعمال کنند و بخواهند که اطلاعات نادرست تعدیل و اصلاح شود.

۹. ناظران سیاست‌ها و رویه‌هایی را برای تعیین اعتبار و جامعیت اطلاعات نظارتی بکار می‌گیرند. این کار شامل برنامه‌ای برای تأیید دوره‌ای آمارهای نظارت از طریق پرسنل و کارمندان ناظران یا از طریق کارشناسان بیرونی، می‌باشد^{۴۹}.

۱۰. ناظران در انجام وظایف نظارتی خود نقش‌ها و مسئولیت‌های کارشناسان مستقل را به روشنی تعریف کرده و مستند می‌کنند. ناظران مناسب بودن کارشناسان را برای وظایف تعریف شده و کیفیت کاری، ارزیابی کرده و تضاد منافی که بر نتیجه و یا پیشنهاد کارشناسان بیرونی^{۵۰} تأثیرگذار باشد را مدنظر قرار می‌دهند. کارشناسان بیرونی ممکن است که برای تأیید و یا برای بررسی جنبه‌های خاصی از عملیات بانک مورد استفاده قرار بگیرند.

۱۱. ناظران از کارشناسان بیرونی می‌خواهند که هر نوع کمبود شناخته شده در امور نظارتی محول شده به آنها را مدنظر داشته باشند.

۱۲. ناظران بانکی دارای فرایندی هستند که بصورت دوره‌ای اطلاعات جمع‌آوری شده را بازنگری کرده تا مطمئن شوند این اطلاعات تا چه اندازه نیازهای نظارتی را برطرف می‌کنند.

اصل ۱۱: اختیارات محدود کننده و اصلاحی ناظران

ناظران بانکی در ابتدا اقدامات غیرمطمئن و ناسالم که می‌تواند ریسک‌هایی را به بانک‌ها یا سیستم بانکداری تحمیل کند مورد بررسی قرار می‌دهند. آنها با توجه به میزان دسترسی، به اندازه کافی دارای ابزارهای نظارتی بوده تا اقدامات اصلاحی را به موقع انجام دهند. این کار شامل توانایی ناظران در لغو مجوز بانکی و یا دادن پیشنهاد در این رابطه می‌باشد.

^{۴۸} به اصل ۱ معیار ضروری ۵ مراجعه شود.

^{۴۹} منظور از کارشناسان بیرونی ممکن است حسابرسان یا اشخاص مستقل مرتبط همراه با یک حکم مناسب و مشروط به وضع محدودیت‌های اطلاعاتی صحیح، باشد.

^{۵۰} منظور از کارشناسان بیرونی [مستقل] ممکن است حسابرسان بیرونی یا اشخاص بیرونی مرتبط همراه با یک حکم مناسب و مشروط به وضع محدودیت‌های اطلاعاتی صحیح، باشد. کارشناسان و متخصصان بیرونی ممکن است که بررسی خود را با استفاده از نظر ناظران انجام دهند زیرا در نهایت این ناظران هستند که باید نسبت به نتایج حاصل از بررسی کارشناسان بیرونی، رضایت داشته باشد.

معیارهای ضروری برای این اصل

۱. ناظران موضوعات و نگرانی‌های نظارتی را در گام اول با مدیریت و هیأت مدیره بانک مطرح کرده و آنها را ملزم می‌کنند که این نگرانی‌ها بطور منظم مورد توجه قرار گیرند. زمانی که ناظران از بانکی می‌خواهند عمل اصلاحی قابل توجهی را انجام دهد، این کار از طریق یک نامه و مستند مکتوب به هیأت مدیره انجام می‌شود. همچنین از بانک می‌خواهند که گزارش‌های پیشرفت را بصورت منظم و مکتوب ارائه دهد و بررسی می‌کنند که اقدامات اصلاحی به درستی کامل شده‌اند یا نه. ناظران بانکی کارهایی که باید انجام شود را بصورت قطعی و دقیق و به موقع پی‌گیری می‌کنند.
۲. چنانچه عملکرد بانک منطبق با قوانین و مقررات یا اقدامات نظارتی نبوده یا اینکه بانک اقدامات غیرمطمئنی را در پیش گرفته و موجب تحمیل ریسک به بانک یا سیستم بانکی شود و همچنین منافع سپرده‌گذاران را تهدید نماید، در این صورت ناظران دارای طیفی از ابزارهای مناسب نظارتی می‌باشند^{۵۱}.
۳. چنانچه بانک پایین‌تر از حد الزامات مقرراتی از جمله نسبت‌های قانونی و شاخص‌های تعریف شده باشد، ناظران دارای این اختیار هستند که اقدام لازم را برای اصلاح انجام دهند. همچنین می‌توانند در مراحل اولیه بروز مشکل دخالت کرده و از بانک بخواهند تا اقدام مناسب را اتخاذ کرده و مانع از کاهش عملکرد بانک و رسیدن آن تا حد الزامات مربوط به حدود قانونی و تنظیمی شوند. ناظران بانکی برای مطرح کردن این سناریوها گزینه‌های مختلفی دارند.
۴. ناظران، دارای شاخص‌های متنوعی برای بررسی و ارزیابی سناریوهای توضیح داده شده در معیار شماره ۲، می‌باشند. این معیارها شامل توانایی ناظران در الزام بانک‌ها به اتخاذ اقدامات اصلاحی به موقع و یا برقراری محدودیت‌های سریع می‌باشد. در عمل، دامنه این معیارها به شرایط بستگی دارد. ناظران، اهداف روشنی را تعریف کرده یا اقداماتی را برای عمل تنظیم می‌کنند. این موارد ممکن است شامل محدود کردن فعالیت‌های یک بانک، اعمال محدودیت‌های احتیاطی بیشتر، محدود کردن ارائه تأییدیه برای انجام فعالیت‌ها و مالکیت‌های جدید، محدود کردن یا به تعویق انداختن پرداخت سود به سهامداران یا باز خرید سهام، محدود کردن انتقال در دارائیه‌ها، بااستثناء افرادی از بخش بانکی، جایگزین کردن یا محدود کردن قدرت مدیران، اعضاء هیأت مدیره و یا کنترل کننده‌ها، تسهیل امور مربوط به ادغام بانک با یک مؤسسه بهتر، فراهم نمودن انتصاب مدیران موقت، و لغو مجوز یا پیشنهاد برای لغو مجوز می‌باشد.
۵. ناظران نه تنها برای بانک‌ها، بلکه می‌توانند برای اعضاء هیأت مدیره، مدیریت و کارکنان آن نیز محدودیت‌هایی را بکار بگیرند.

^{۵۱} به اصل ۱ مراجعه شود.

۶. ناظران دارای این اختیار هستند که اقدامات اصلاحی را برای یک بانک در پیش بگیرند. این اقدامات شامل استقلال بانک‌ها از امور شرکت‌های بزرگ و مادر، شرکت‌های زیرمجموعه، ساختارهای موازی با بانکداری، و دیگر مؤسسات مرتبط که می‌توانند به امنیت و صحت و سلامت بانک یا سیستم بانکداری آسیب وارد کنند، می‌باشد.
۷. ناظران با مسئولین مربوط در رابطه با اتخاذ تصمیم در مورد زمان و چگونگی اجرای راه‌حل‌های مشخص برای بانک‌هایی که دچار مشکل شده‌اند، همکاری می‌کنند (این راه‌حل‌ها شامل محدود کردن بانک، یا کمک به تغییر ساختار و یا ادغام با یک نهاد قویتر می‌باشد).

معیارهای اضافی

۱. قوانین و مقررات در برابر ناظرانی که بدون دلیل اقدامات اصلاحی را به تاخیر می‌اندازند موضع می‌گیرد.
۲. هنگام اعمال اقدامات اصلاحی برای یک بانک، ناظران بانکی به ناظران مؤسسات مالی غیر بانکی اطلاع رسانی نموده و در صورت لزوم با آنها همکاری می‌کنند.

اصل ۱۲: نظارت تلفیقی

عامل اصلی نظارت بانکی این است که ناظران، گروه بانکی را بر اساس رویکرد تلفیقی نظارت کرده و به اندازه کافی پایش کنند. آنها این کار را از طریق بکارگیری استانداردهای احتیاطی برای همه ابعاد کسب و کار گروه بانکی در سراسر جهان انجام می‌دهند.^{۵۲}

(منابع: تسهیم اطلاعات بین ناظران داخلی و خارجی برای پیاده‌سازی مؤثر سند بال ۲، ژوئن ۲۰۰۶^{۵۳}؛ نظارت بانکداری برون مرزی، اکتبر ۱۹۹۶؛ حداقل استانداردهای مورد نیاز برای نظارت گروه‌های بانکی بین الملل و مجموعه‌های برون مرزی آنها، جولای ۱۹۹۲؛ اصول نظارت بر مجموعه‌های خارجی بانک‌ها، می ۱۹۸۳؛ نظارت تجمیعی فعالیت‌های بین المللی بانک‌ها، مارس ۱۹۷۹).

معیارهای ضروری برای این اصل

۱. ناظران به ساختار کلی گروه بانکی آگاه بوده و با همه اقدامات مهم داخلی یا خارجی (اعم از کارهای غیر بانکی) آنها آشنایی دارند. ناظران باید بدانند که چگونه می‌توان ریسک ناشی از سطح گسترده گروهی را ارزیابی کرده و زمانی که ریسکی از گروه بانکی یا دیگر مؤسسات ایجاد می‌شود اقدامات لازم را در برابر آن اتخاذ کنند. بخصوص ریسک سرایت و شهرت که ممکن است ثبات و سلامت بانک و سیستم بانکداری را به خطر بیندازد.

^{۵۲} به پانوش ۱۹ ذیل اصل ۱ مراجعه شود.

^{۵۳} در زمان ارزیابی میزان انطباق با اصول اساسی، این مؤخذ تنها با بانک‌ها و کشورهای مرتبط است که بال ۲ را پیاده‌سازی کرده‌اند.

۲. ناظران استانداردهای احتیاطی را اعمال کرده و اطلاعات تجمیعی مالی و غیرمالی گروه بانکی را جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل می‌کنند. این اطلاعات در رابطه با کفایت سرمایه، نقدینگی، تسهیلات و تعهدات کلان، اشخاص مرتبط و محدودیت‌های وام‌دهی و ساختار گروه می‌باشد.
۳. ناظران بررسی می‌کنند که آیا نظارت بر عملیات خارجی مدیریت بانکها (و یا مدیریت بانک اصلی و یا دفتر مرکزی و شرکت مادر) با توجه به مشخصه‌های ریسکی و اهمیت سیستمی به اندازه کافی انجام می‌شود یا خیر؟ همچنین بررسی می‌کنند که آیا در کشور میزبان برای دسترسی بانک اصلی به همه اطلاعات مهم شعب خارجی و شرکت‌های فرعی آن مانعی وجود دارد یا خیر؟ علاوه بر این ناظران تعیین کنند که فرایندها و سیاست‌های بانکها ایجاب می‌کند که عملیات برون‌مرزی بانکها طبق مدیریت محلی صورت گیرد تا تخصص لازم را برای مدیریت این عملیات طبق روش درست و ایمن و منطبق بر الزامات نظارتی و قانونی داشته باشند. ناظران کشور مبدأ، باید میزان اثربخشی نظارت انجام شده در کشور میزبانی که بانکها در آن عملیات انجام می‌دهند را در بررسی‌های خود لحاظ کنند.
۴. ناظران کشور مبدأ دفاتر خارجی را به صورت دوره‌ای بازدید می‌کنند، مکان و تناوب این بازدید به مشخصه‌های ریسکی و اهمیت سیستمی عملیات خارجی بانکها بستگی دارد. ناظران در این بازدیدها، ناظران میزبان را ملاقات کرده و در خصوص ضرورت نظارت حضوری بر عملیات خارجی بانک یا درخواست گزارش‌های سیاستی را تعیین می‌کنند. ناظران همچنین دارای اختیارات و منابعی برای انجام این اقدامات در زمان مناسب، می‌باشند.
۵. ناظران فعالیت‌های اصلی شرکت‌های مادر و شرکت‌های وابسته به آنها که روی صحت و سلامت بانک و گروه بانکی تأثیرگذار هستند را مورد بررسی قرار داده و اقدامات نظارتی مناسب را اتخاذ می‌کنند.
۶. ناظران محدوده فعالیت‌های تجمیعی گروه بانکی و مکان این فعالیت‌ها را محدود می‌کنند (این کار شامل بستن دفاتر خارجی هم می‌شود). این موضوع زمانی اتفاق می‌افتد که ناظران به این نتیجه برسند که:
- الف) چنانچه فعالیت‌هایی که بانک یا گروه بانکی را در معرض ریسک بالایی قرار داده و به خوبی مدیریت نشده باشند، ثبات و سلامت بانک و گروه بانکی را به خطر بیندازند؛
- ب) نظارت انجام شده توسط سایر ناظران در مقایسه با ریسک‌های ناشی از فعالیت‌ها کافی نباشد؛ و یا
- ج) انجام نظارت مؤثر بر اساس اطلاعات تجمیعی، انجام‌پذیر نباشد.
۷. علاوه بر نظارت تجمیعی، ناظران مسئول، بانک‌های گروه را بصورت انفرادی نیز نظارت می‌کنند. ناظران، هر بانک را بر اساس اطلاعات انفرادی نظارت کرده و رابطه آن با سایر اعضای گروه بانکی را بررسی می‌کنند.^{۵۴}

^{۵۴} به معیار اضافی ۲ اصل ۱۶ مراجعه شود.

معیارهای اضافی

۱. در کشورهایی که اجازه مالکیت شرکتی برای بانکها وجود دارد، ناظران دارای اختیاراتی در جهت ایجاد و اعمال استانداردهای مناسب برای مالکان و مدیریت ارشد شرکت‌های اصلی، می‌باشند.

اصل ۱۳: روابط بین ناظران کشورهای مبدأ و مقصد

ناظران کشورهای مبدأ و مقصد گروه‌های بانکی برون‌مرزی جهت انجام نظارت مؤثر بر گروه و نهادهای آن و اداره شرایط بحرانی، با یکدیگر تبادل اطلاعات داشته و با هم همکاری می‌نمایند. ناظران خواستار این هستند که عملیات محلی بانک‌های خارجی طبق استانداردهایی که برای بانک‌های داخلی وضع شده است، انجام پذیرد.

(مؤاخذ: نظرات کلیدی FSB برای نظام‌های رفع مشکل مؤثر، نوامبر ۲۰۱۱. اصول عملی مناسب برای دانش‌سرای نظارتی نظارتی، اکتبر ۲۰۱۰؛ تسهیم اطلاعات بین ناظران مهمان و میزبان برای پیاده‌سازی مؤثر بال ۲، ژوئن ۲۰۰۶؛ اصول عالی برای پیاده‌سازی برون‌مرزی پیمان جدید، آگوست ۲۰۰۳؛ بانک‌های مجازی و اداره‌های بانکی، ژانویه ۲۰۰۳؛ گزارش نظارت بانکی برون‌مرزی، ژوئن ۱۹۹۶؛ جریانهای اطلاعاتی بین مقام‌های نظارت بانکی، آوریل ۱۹۹۰؛ اصول نظارت بر مجموعه‌های خارجی بانکی، می ۱۹۸۳.)

معیارهای ضروری برای این اصل

۱. ناظران کشور مبدأ، دانش‌سرای نظارتی^{۵۶} برای گروه‌های بانکی که دارای عملیات برون‌مرزی (بین‌المللی) مهم هستند را به منظور توسعه نظارت مؤثر ایجاد می‌کنند. این کار با توجه به مشخصه‌های ریسکی و اهمیت سیستمی گروه بانکی و نیازهای ناظران آنها انجام می‌پذیرد. در یک دید گسترده‌تر، این نوع دانش‌سرا دربرگیرنده ناظران کشور مقصد که زیرمجموعه‌ها و یا شعب مهمی در حوزه اختیارات قانونی خود دارند و در انجام نظارت مؤثر بر گروه بانکی دارای منافع مشترک می‌باشند، نیز می‌شود. ساختار دانش‌سرای نظارتی نشان دهنده ماهیت گروه بانکی و نیازهای نظارتی آن سیستم می‌باشد.

۲. ناظران کشورهای مبدأ و مقصد اطلاعات مناسبی را که در رابطه با نقش‌های و مسئولیت‌های آنها است هم به شکل دوجانبه و هم از طریق دانش‌سرای نظارتی بصورت منظم با یکدیگر به اشتراک می‌گذارند، این کار شامل اطلاعات مربوط به ریسک‌های مهم و فعالیت‌های مدیریت ریسک گروه بانکی^{۵۷}، و همچنین اطلاعات مربوط به ارزیابی ناظران از میزان ثبات

^{۵۶} در زمان ارزیابی میزان انطباق با اصول اساسی، این مؤاخذ تنها مربوط به بانک‌ها و کشورهایی است که بال ۲ را پیاده‌سازی کرده‌اند.

^{۵۶} supervisory college

^{۵۷} به منظور اطلاعات بیشتر درباره میزان مورد انتظار تسهیم اطلاعات به مثال مربوط به تبادل اطلاعات در دانش‌سراها در مقاله کمیته بال تحت عنوان اصول مناسب دانش‌سراهای نظارتی در اکتبر ۲۰۱۰، مراجعه شود.

و سلامت نهاد ذیربط تحت حوزه قانونی می‌باشد. ترتیبات رسمی و غیر رسمی، امکان تبادل اطلاعات محرمانه را فراهم می‌کنند.

۳. ناظران کشورهای مبدأ و مقصد با یکدیگر همکاری داشته و فعالیت‌های نظارتی را برنامه ریزی کرده و چنانچه دارای منافع مشترکی باشند، به منظور ارتقاء کارایی و اثربخشی نظارت بین بانکی، همکاری‌هایی را در مورد حوزه‌های مشترک انجام دهند.

۴. ناظران کشور مبدأ راهبرد ارتباطی توافقی را با ناظران میزبان تدوین می‌کنند. حیطة عمل و ماهیت این راهبرد، منعکس کننده مشخصه‌های ریسکی و اهمیت سیستمی عملیات برون مرزی بانک و گروه بانکی است. همچنین، ناظران کشورهای مبدأ و مقصد در ارتباط با بیان دیدگاه‌ها و نتایج فعالیت‌های مشترک و نشست‌های کالج توافق می‌کنند. این کار به منظور حصول اطمینان از سازگار بودن پیام‌های مربوط به موضوعات گروهی و سیستمی می‌باشد.

۵. چنانچه لازم باشد، ناظران کشور مبدأ با همکاری مسئولین ملی و با توجه به مشخصه‌های ریسکی و اهمیت سیستمی بانک، چارچوبی را برای بحران‌های برون مرزی و همکاری بین مسئولین ذیربط کشورهای مبدأ و مقصد، ایجاد نموده و توسعه می‌دهند. همچنین، مسئولین ذیربط، اطلاعاتی را در مراحل اولیه آمادگی در برابر بحران به اشتراک می‌گذارند. این کار به شکلی انجام می‌شود که همه قوانین مربوط به محافظت از اطلاعات محرمانه رعایت شده و مفید بودن راه حل هم در معرض خطر جدی قرار نگیرد.

۶. چنانچه لازم باشد، ناظران کشور مبدأ با همکاری مسئولین ملی و ناظران ذیربط کشور مقصد، با توجه به مشخصه‌های ریسکی و اهمیت سیستمی بانک، برنامه راه‌حل‌های گروهی را توسعه می‌بخشند. مسئولین ذیربط، هر نوع اطلاعات لازم برای توسعه و نگهداری این برنامه معتبر را به اشتراک می‌گذارند. همچنین ناظران هنگامی که شاخص‌های بهبود را دریافت می‌کنند، فوراً مسئولین ذیربط و ناظران (اعم از ناظران کشورهای مبدأ و مقصد) را آگاه نموده و به آنها مشورت می‌دهند.

۷. قوانین و مقررات ملی ناظران کشور مقصد، از بانک‌های خارجی می‌خواهند که الزامات، مقررات و بازرسی مشابه با بانک‌های داخلی را در رابطه با عملیات برون مرزی خود داشته باشند.

۸. ناظران کشور مبدأ امکان دسترسی حضوری به ادارات محلی و زیر مجموعه‌های یک گروه بانکی را دارند. این کار بخاطر تسهیل در ارزیابی‌های آنان از ثبات و سلامت گروه‌های بانکی و انطباق با الزامات مربوط به بررسی مشتری می‌باشد. ناظران کشور مبدأ در رابطه با بازدید از ادارات محلی و زیر مجموعه‌های گروه بانکی باید به ناظران کشور مقصد اطلاع رسانی کنند.

۹. ناظران کشور مقصد، ادارات ثبت را بر اساس استانداردهای توافق شده بین‌المللی نظارت می‌کنند. ناظران اجازه عملیات یا ادامه فعالیت به بانک‌هایی که مکان فیزیکی ندارند را نمی‌دهند.
۱۰. ناظرانی که اقدامات سرنوشت‌سازی را بر اساس اطلاعات دریافتی از ناظران دیگر انجام می‌دهند، تا جایی که ممکن است قبل از انجام این اقدامات باید با آن ناظران مشورت کنند.

الزامات و مقررات احتیاطی

اصل ۱۴: حاکمیت شرکتی

ناظران تعیین می‌کنند که بانک‌ها و گروه‌های بانکی باید دارای فرایندها و سیاست‌هایی در خصوص حاکمیت شرکتی باشند. این سیاست‌ها باید شامل جهت‌گیری‌های استراتژیک، ساختار گروهی و سازمانی، محیط کنترلی، مسئولیت‌های هیأت مدیره و مدیر ارشد، و یک سیستم جبران خدمات باشند^{۵۸}. این فرایندها و سیاست‌ها باید منطبق با مشخصه‌های ریسکی و اهمیت سیستمی بانک باشند.

معیارهای ضروری برای این اصل

۱. قوانین، مقررات یا ناظران، مسئولیت‌های هیأت مدیره و مدیر ارشد بانک را در رابطه با حاکمیت شرکتی تعیین می‌کنند. این کار برای این است تا اطمینان حاصل شود که کنترل مؤثر روی فعالیت بانک وجود دارد. ناظران برای بانک‌ها و گروه‌های بانکی در رابطه با انتظارات موجود در مورد یک حاکمیت شرکتی مناسب، رهنمودی را فراهم می‌کنند.
۲. ناظران به صورت منظم اقدامات و سیاست‌های حاکمیت شرکتی بانک و اجرای آن را مورد ارزیابی قرار می‌دهند و تعیین می‌کنند که آیا بانک دارای حاکمیت شرکتی محکم و پایدار متناسب با مشخصات ریسکی و اهمیت سیستمی هست یا خیر؟ ناظران از بانک‌ها و گروه‌های بانکی می‌خواهند که ناکاراییها در این رابطه را به موقع تصحیح کنند.
۳. ناظران تعیین می‌کنند که ساختارها و فرایندهای حاکمیتی بانک‌ها در رابطه با معرفی و انتصاب اعضای هیأت مدیره در بین گروه بانکی مناسب و صحیح باشد. چنانچه لازم باشد، اعضای هیأت مدیره شامل اعضای مجرب غیر موظف می‌باشند. متناسب با مشخصه‌های ریسکی و اهمیت سیستمی بانک‌ها، ساختارهای هیأت مدیره باید شامل کمیته‌های حسابرسی، نظارت ریسک و حقوق و پاداش باشد که دارای اعضا مجرب غیر موظف هم هستند.
۴. اعضای هیأت مدیره باید شایستگی کافی داشته و مؤثر باشند و "وظیفه مراقبت و وفاداری" خود را به اجرا بگذارند^{۵۹}.

^{۵۸} به پانوش ۲۷ ذیل اصل ۵ مراجعه شود.

^{۵۹} OECD "وظیفه مراقبت" را به عنوان وظیفه‌ای تعریف می‌کند که طبق آن یک عضو هیأت مدیره باید بر مبنای احتیاط و اطلاعات در تصمیمات خود درباره شرکت عمل کند. این مورد اغلب اینگونه تفسیر می‌شود که اعضای هیأت مدیره باید امور شرکت را به نحوی در نظر بگیرند که یک فرد محتاط امور خود را انجام می‌دهد. OECD وفاداری را اینگونه تعریف می‌کند: وظیفه اعضای هیأت مدیره در انجام امور به نفع شرکت و سهام‌داران. این وظیفه باید مانع از این شود که اعضای هیأت مدیره به نفع خود یا به نفع فرد یا گروه دیگر با هزینه شرکت و سهام‌داران عمل کنند.

۵. ناظران اطمینان حاصل می‌کنند که هیأت مدیره بانک باید هدایت راهبردی، میزان ریسک‌پذیری^{۶۰} و راهبرد بانک و سیاست‌های مربوط را تصویب و بر اجرای آن نظارت کنند. همچنین آنها باید فرهنگ شرکتی و ارزش‌ها را با هم ارتباط داده و سیاست‌های مربوط به تضاد منافع و یک محیط کنترل قوی را ایجاد کنند.
۶. ناظران تعیین می‌کنند که هیأت مدیره بانک باید، بجز در مواردی که قوانین و مقررات الزام کرده باشند، استانداردهای مناسبی را در انتخاب مدیریت ارشد ایجاد کرده و برای موفقیت بانک همواره دارای برنامه باشد. همچنین بصورت فعال و منتقدانه بر اجرای راهبردهای هیأت مدیره توسط مدیریت ارشد نظارت داشته باشد. این کار شامل پایش و بررسی فعالیت و عملکرد مدیریت ارشد با توجه به استانداردها ایجاد شده برای آنها می‌باشد.
۷. ناظران تعیین می‌کنند که هیأت مدیره بانک بطور فعال بر طراحی و اجرای سیستم پرداخت یک بانک یا گروه بانکی نظارت کند و با توجه به ریسک‌پذیر بودن محتاطانه، دارای انگیزه‌های کافی در این خصوص باشد. سیستم پرداخت و استانداردهای عملکردی مربوطه، باید با اهداف بلند مدت و سلامت مالی بانک سازگار بوده و ناکاراییها را اصلاح کند.
۸. ناظران برای هیأت مدیره بانک و مدیریت ارشد تعیین می‌کنند که باید ساختار عملیاتی بانک و گروه بانکی و همچنین ریسک‌های مربوط را شناخته و درک کنند. این ریسک‌ها شامل ساختارهای ایجاد کننده عدم شفافیت (مثلاً ساختارهای خاص) می‌شود. این ریسک‌ها باید به شکل صحیح و مؤثر مدیریت و پوشش داده شوند.
۹. ناظران دارای این اختیار هستند که خواستار تغییر در ترکیب هیأت مدیره بانک شوند. این موضوع زمانی اتفاق می‌افتد که ناظران معتقد باشند که افراد به وظایف خود در راستای معیارهای تعیین شده عمل نکنند.

معیارهای اضافی

۱. قوانین، مقررات یا ناظران، بانک را ملزم می‌کنند که به محض دریافت اطلاعات مهمی که ممکن است تأثیر منفی روی قابلیت و تناسب اعضای هیأت مدیره یا یک عضو مدیریت ارشد داشته باشد به ناظران اطلاع رسانی کنند.

اصل ۱۵: فرایند مدیریت ریسک

- ناظران تعیین می‌کنند که بانک‌ها^{۶۱} باید دارای یک فرایند مدیریت ریسک جامع (شامل نظارت مؤثر هیأت مدیره و مدیریت ارشد) به منظور شناسایی، اندازه‌گیری، ارزیابی، پایش، گزارش و کاهش^{۶۲} به موقع همه ریسک‌های مهم و ارزیابی میزان

^{۶۰} ریسک‌پذیری میزان ریسکی است که هیأت مدیره یک بانک مایل است آن را در راستای اهداف کسب و کار بانک بپذیرد. ریسک‌پذیری ممکن است که شامل عوامل کمی و کیفی بوده و طیفی از شاخص‌ها و معیارها را دربر داشته باشد. در این سند ریسک‌پذیری و تحمل خطر بصورت مترادف بکار گرفته شده‌اند.

^{۶۱} به منظور ارزیابی مدیریت ریسک بانک‌ها که در اصول ۱۵ تا ۲۵ مطرح شده است، چارچوب مدیریت ریسک یک بانک باید یک رویکرد متحد در سطح بانک در رابطه با میزان در معرض ریسک قرار گرفتن آن در حالی که همه جنبه‌های کسب و کار و واحدهای آن را دربر بگیرد، داشته باشد. هنگامی که بانک عضوی از یک گروه شرکتها باشد، چارچوب مدیریت ریسک باید ریسک را هم در گروه و هم در داخل بانک در نظر بگیرد (به پانوش ۱۹ اصل ۱ مراجعه شود). همچنین این رویکرد باید ریسک‌های وارده به بانک در یک گروه را مورد توجه قرار دهد.

^{۶۲} شایان ذکر است که در عین حال که از ناظران خواسته می‌شود مطمئن شوند که فرآیندها و سیاست‌های مدیریت ریسک بانک‌ها پی‌گیری می‌شوند، مسئولیت این کار هنوز به هیأت مدیره و مدیریت ارشد بانک برمی‌گردد.

کفایت سرمایه و نقدینگی بانکها با توجه به مشخصه ریسکی و شرایط بازار و اقتصاد کلان باشند. این فرایند تا مرحله توسعه و بکارگیری رویکرد احتمالی (شامل برنامه‌های پایدار و معتبر رفع مشکل) که شرایط ویژه هر بانک را لحاظ می‌کند ادامه می‌یابد. فرایند مدیریت ریسک باید با مشخصه‌های ریسکی و اهمیت سیستمی بانک منطبق و سازگار باشد^{۶۳}.

معیارهای ضروری برای این اصل

۱. ناظران تعیین می‌کنند که بانکها باید دارای راهبردهای مناسب مدیریت ریسک باشند که توسط هیأت مدیره تأیید شده باشد. همچنین تعیین می‌کنند که هیأت مدیره بانکها، میزان مناسبی از ریسک‌پذیری که بانکها مایل به داشتن آن هستند را تنظیم کنند. همچنین ناظران تعیین می‌کنند که هیأت مدیره بانکها باید در خصوص موارد زیر اطمینان حاصل کنند:

الف) یک فرهنگ مدیریت ریسک سالم در بانک تشکیل شود.

ب) سیاستها و فرایندهایی برای ریسک‌پذیری ایجاد شوند که منطبق و سازگار با راهبرد مدیریت ریسک و میزان پذیرش ریسک باشد.

پ) عدم اطمینان موجود در اندازه‌گیری ریسک، در نظر گرفته شوند.

ت) محدودیت‌های سازگار با میزان پذیرش ریسک، مشخصه ریسکی و قدرت سرمایه بانک، ایجاد شوند. این محدودیتها توسط کارکنان مسئول شناخته شده و به آنها ارتباط دارد.

ث) مدیریت ارشد وظایف لازم جهت کنترل و پایش همه ریسک‌های مهمی که سازگار با راهبردهای تأیید شده و میزان پذیرش ریسک است را انجام دهد.

۲. ناظران تعیین می‌کنند که بانک باید فرایندها و سیاست‌های مدیریت ریسک جامع برای شناسایی، اندازه‌گیری، ارزیابی، پایش، گزارش و کنترل یا پوشش همه ریسک‌های مهم را داشته باشد. ناظران تعیین می‌کنند که این فرایندها باید برای موارد زیر کافی و مناسب باشند:

الف) ایجاد یک دید جامع نسبت به انواع ریسک‌های مهم

ب) مشخصه ریسکی و اهمیت سیستمی بانک

پ) ارزیابی ریسک‌هایی که از محیط اقتصاد کلان نشأت گرفته و بر بازارهایی که بانک در آنها فعالیت دارد تأثیر می‌گذارند و همراه کردن و لحاظ کردن این ارزیابی‌ها در فرایند مدیریت ریسک بانک

۳. ناظران تعیین می‌کنند که راهبردها، فرایندها، سیاستها و محدودیت‌های مدیریت ریسک موارد زیر را شامل باشد:

الف) به خوبی مستند شده باشند

^{۶۳} در این اصل و اصول دیگر، از ناظران خواسته می‌شود که فرایندها و سیاست‌های مدیریت ریسک بانکها را تعیین کنند. این نشان دهنده مسئولیتی است که اطمینان حاصل شود مدیریت ارشد و هیأت مدیره بانک از این اصول تبعیت می‌کنند.

ب) بطور منظم بازننگری و بررسی شده و در جهت انعکاس تغییر در میزان ریسک پذیری، مشخصه‌های ریسکی و شرایط اقتصاد کلان و بازار، تعدیل شوند

پ) در داخل بانک به اشتراک گذاشته شوند

ناظران تعیین می‌کنند که استثناهای موجود در ایجاد سیاست‌ها، فرایندها و محدودیت‌ها، باید از توجه ویژه سطح صحیحی از مدیریت و هیأت مدیره برخوردار باشند.

۴. ناظران تعیین می‌کنند که هیأت مدیره و مدیریت ارشد بانک، اطلاعات کافی در رابطه با ماهیت و سطح ریسکی که توسط بانک پذیرفته می‌شود را بدست آورند. همچنین باید تعیین شود که چطور این ریسک با موضوع کفایت سرمایه و نقدینگی مرتبط می‌شود. ناظران همچنین تعیین می‌کنند که هیأت مدیره و مدیریت ارشد، مفاهیم و محدودیت‌های اطلاعات دریافتی در خصوص مدیریت ریسک را بررسی و درک کنند.

۵. ناظران تعیین می‌کنند که بانک‌ها باید دارای فرایند داخلی مناسب برای ارزیابی میزان کفایت سرمایه و نقدینگی با توجه به میزان پذیرش ریسک و همچنین مشخصه‌های ریسکی آنها باشند. ناظران، ارزیابی‌ها و راهبردهای مربوط به کفایت سرمایه داخلی و نقدینگی را مورد بررسی قرار می‌دهند.

۶. زمانی که بانک‌ها برای اندازه‌گیری اجزای ریسک از مدل‌هایی استفاده می‌کنند، ناظران باید موارد زیر را تعیین کنند:

الف) استفاده از این مدل‌ها، منطبق بر استانداردهای نظارتی باشد.

ب) هیأت مدیره و مدیریت ارشد نسبت به محدودیت‌ها، عدم اطمینان و خطرات استفاده از این مدل‌ها باید آگاه باشند.

پ) بانک‌ها به صورت منظم و مستقل مدل‌ها را آزمون و تأیید کنند.

ناظران ارزیابی می‌کنند که آیا نتایج و خروجی‌های مدل منطقی بوده و نشان دهنده ریسک‌های مورد انتظار می‌باشد یا خیر؟

۷. ناظران تعیین می‌کنند که بانک‌ها برای اندازه‌گیری، ارزیابی و قضاوت در مورد اندازه، ترکیب و کیفیت در معرض قرار گرفتن همه ریسک‌ها اعم از ریسک محصولات و ریسک طرف‌های تجاری باید دارای سیستم‌های اطلاعاتی باشند. ناظران همچنین تعیین می‌کنند که این گزارش‌ها باید نشان دهنده مشخصات ریسکی بانک و نیازهای نقدینگی و سرمایه‌ای آن باشند. این گزارش‌ها باید به موقع فراهم شده تا برای استفاده هیأت مدیره و مدیریت ارشد مناسب باشد.

۸. ناظران تعیین می‌کنند که بانک‌ها باید دارای فرایندها و سیاست‌هایی برای حصول اطمینان از اینکه هیأت مدیره و مدیران ارشد بدرستی ریسک‌های ناشی از محصولات جدید^{۶۴}، تعدیلات مهم در محصولات موجود و ابتکارات عمده مدیریت را درک کرده‌اند، باشند. ناظران باید اطمینان حاصل کنند که مدیریت ارشد و هیأت مدیره باید این توانایی را داشته باشند که

^{۶۴} محصولات جدید شامل آن‌هایی می‌شود که توسط بانک توسعه یافته یا اینکه توسط شخص ثالث ایجاد شده و توسط بانک خریداری یا توزیع شده است.

ریسک‌های مزبور را مورد بازنگری و مدیریت قرار دهند. ناظران همچنین تعیین می‌کنند که فرایندها و سیاست‌های بانک ایجاب می‌کند که فعالیت‌های اصلی توسط هیأت مدیره و یا کمیته خاصی از هیأت مدیره تأیید شوند.

۹. ناظران بانکی تعیین می‌کنند که بانک‌ها باید دارای کارکردهای مدیریت ریسک به‌گونه‌ای باشند که همه ریسک‌های مهم را با منابع کافی پوشش دهند. همچنین مدیریت ریسک باید مستقل بوده و دارای مسئولیت باشد و به هیأت‌های مدیره بانک‌ها دسترسی داشته تا وظایف خود را بطور کارا و مؤثر انجام دهد. ناظران تعیین می‌کنند که وظایف مدیریت ریسک باید از کارکردهای پذیرش ریسک در بانک جدا باشد و همچنین تسهیلات و تعهدات بانک‌ها را مستقیماً به هیأت مدیره و مدیریت ارشد گزارش دهد. علاوه بر این برای بانک‌ها تعیین می‌کنند که مدیریت ریسک باید بطور منظم توسط حسابرسان داخلی بررسی شود.

۱۰. ناظران، بانک‌های بزرگ و پیچیده را ملزم می‌کنند که دارای مدیریت ریسک تحت نظر یک مسئول عالی ریسک باشند. چنانچه مقرر باشد مسئول فوق از پست و مقام خود برکنار شود، باید با تأیید قبلی هیأت مدیره انجام پذیرد و به اطلاع عموم هم برسد. همچنین، بانک باید در مورد این برکناری برای ناظران دلیل بیاورد.

۱۱. ناظران، استانداردهایی را در رابطه با ریسک‌های اعتباری، بازار، نقدینگی، نرخ بهره در دفاتر بانک و ریسک عملیاتی، برای بانک‌ها منتشر می‌کنند.

۱۲. ناظران، از بانک‌ها می‌خواهند که به عنوان بخشی از فرایند مدیریت ریسک، دارای ترتیبات مبتنی بر احتمالات باشند. این موضوع برای این است که ریسک‌های احتمالی را مورد بررسی قرار داده و در شرایط بحرانی (از جمله ریسک‌هایی که برای دوام بانک‌ها خطر جدی هستند) اقدامات لازم اتخاذ شوند. اگر رویکرد و ترتیبات احتمالی متناسب با مشخصه ریسکی و اهمیت سیستمی بانک باشد، باید شامل برنامه‌های اصلاحی مبتنی بر شرایط بانک را دارا باشد. ناظران با همکاری مسئولین ذیربط بانک‌ها، میزان کافی بودن ترتیبات و رویکرد احتمالی بانک‌ها را مورد ارزیابی قرار می‌دهند. این بررسی در سایه مشخصه‌های ریسکی و اهمیت سیستمی بانک (که شامل بررسی هر نوع برنامه اصلاحی می‌شود) و امکان پذیر بودن این بررسی‌ها در طول دوره بحران انجام می‌شود. ناظران بانکی بدنبال رفع ناکاراییهای موجود در این زمینه هستند.

۱۳. ناظران بانکی، از بانک‌ها می‌خواهند که دارای یک برنامه آینده‌نگر درباره آزمون بحران باشند. این برنامه باید متناسب با مشخصه ریسکی و اهمیت سیستمی بانک بوده و جزئی از فرایند مدیریت ریسک قرار بگیرد. ناظران بطور منظم برنامه آزمون بحران را مورد ارزیابی قرار داده و تعیین می‌کنند که این آزمون باید علل مهم ریسک و سناریوهای شوک را نشان دهند. ناظران همچنین از بانک‌ها می‌خواهند که نتایج بدست آمده را در تصمیم‌گیری‌ها، فرایندهای مدیریت ریسک و ارزیابی‌های مربوط به نقدینگی و سرمایه لحاظ کنند. حوزه ارزیابی ناظران شامل گستره‌ای می‌شود که در برنامه آزمون بحران موارد زیر را مورد توجه قرار دهد:

الف) بهبود شناخت و کنترل ریسک در بانک

ب) انطباق فرضیات مناسب و بیان کننده اثرات بازخورد و تعاملات سیستمی بین ریسک‌های سیستم

پ) استفاده و بهره بردن از مشارکت فعال هیأت مدیره و مدیریت ارشد

ت) مستند سازی، نگهداری و به روز نمودن منظم و مناسب

چنانچه در فرایند آزمون بحران ناکارائیهایی تشخیص داده شوند یا نتایج حاصل از آزمون بحران در فرایند تصمیم‌گیری بانک‌ها مورد استفاده قرار نگیرند، ناظران خواستار اتخاذ اقدامات اصلاحی می‌شوند.

۱۴. ناظران بررسی می‌کنند که آیا بانک‌ها ریسک‌ها (و اثرات و فشار نقدینگی حاصل از آنها) را در قیمت‌گذاری داخلی،

اندازه‌گیری عملکرد و فرایند تصویب محصول جدید برای همه فعالیت‌های مهم کسب و کار در نظر می‌گیرند یا خیر؟

معیارهای اضافی

۱. ناظران از بانک‌ها می‌خواهند که در خصوص ارزیابی ریسک‌های مهمی که مستقیماً در اصول اساسی و زیر مجموعه آنها

لحاظ نشده‌اند، مانند ریسک‌های راهبردی و شهرت، فرایندها و سیاست‌های مناسبی داشته باشند.

اصل ۱۶: کفایت سرمایه^{۶۵}

ناظران، الزامات مربوط به کفایت سرمایه مناسب و احتیاطی را به‌گونه‌ای که ریسک‌های پذیرفته شده توسط بانک‌ها را در

شرایط بازارهای مختلف و اقتصاد کلان نشان دهد تنظیم می‌کنند. ناظران باید اجزاء سرمایه را با توجه به توانایی این اجزاء در

جذب ضرر و زیان تعریف کنند. در مورد بانک‌های بین‌المللی، الزامات کفایت سرمایه نباید کمتر از استانداردهای کمیته بال

باشد.

معیارهای ضروری این اصل

۱. قوانین، مقررات یا ناظران از بانک‌ها می‌خواهند که الزامات تعیین شده سرمایه، مانند حداقل میزان آن را محاسبه و حفظ

کنند. همچنین، اجزاء مناسب سرمایه را تعریف و تعیین کرده و اطمینان حاصل کنند که این سرمایه برای جذب ضرر و

زیان بانک بطور مستمر فراهم می‌باشد.

۲. برای بانک‌های بین‌المللی^{۶۶}، تعریف سرمایه، پوشش ریسک، روش محاسبه و حدود الزامات، نباید حداقل کمتر از آنهایی

که در استانداردهای کاربردی بال وجود دارند، باشند.

^{۶۵} اصول اساسی حاضر، یک کشور را ملزم بر منطبق بودن بر قانون‌های کفایت سرمایه مطرح شده در بال ۱، ۲ و ۳ نمی‌کند. کمیته، اجرای چارچوب‌های ارائه شده توسط بال را پیش‌شرط منطبق بودن بر اصول اساسی نمی‌داند و بنابراین الزام کفایت سرمایه برای آن کشورهایی مطرح است که خود بصورت داوطلبانه اعلام کرده‌اند که آن را اجرا می‌کنند.

۳. ناظران دارای این اختیار هستند که یک پوشش سرمایه‌ای معین و یا محدودیت‌هایی را برای ریسک‌های مهم اعمال کنند. این ریسک‌ها شامل آنهایی است که به اندازه کافی از طریق معاملات، انتقال و پوشش نیافته‌اند (به عنوان مثال ریسک مبادلات اوراق بهادار^{۶۷}). ریسک‌های اقلام بالای خط و زیر خط ترازنامه در محاسبه الزامات سرمایه مورد استفاده قرار می‌گیرند.

۴. الزامات سرمایه، مشخصه ریسکی و اهمیت سیستمی بانک‌ها را با توجه به شرایط بازار و اقتصاد کلان، منعکس می‌کنند^{۶۸}. این الزامات مانعی برای ایجاد بدهی در بانک‌ها و بخش بانکداری می‌باشند. قوانین و مقررات برخی کشورها ممکن است که استانداردهای بالاتری را نسبت به الزامات کمیته بال برای کفایت سرمایه در نظر بگیرند.

۵. استفاده از ارزیابی‌های داخلی ریسک برای محاسبه سرمایه قانونی، باید توسط ناظران تأیید شود. چنانچه ناظران آن را تأیید کنند، باید موارد زیر در نظر گرفته شود:

الف) چنین ارزیابی‌هایی منطبق با استانداردهای دقیق مناسب باشند؛

ب) توقف این ارزیابی‌ها یا هر نوع تعدیلات مهم در فرایندها و مدل‌های ارزیابی داخلی باید به تأیید ناظران برسد؛

پ) ناظران دارای این قابلیت هستند که فرایند ارزیابی داخلی یک بانک را بررسی کنند. این امر به این منظور است که استانداردها بطور مناسب رعایت شده و ارزیابی‌های داخلی بانک که منعکس کننده ریسک‌های پذیرفته شده توسط بانک هستند، قابل اتکا باشند.

ت) ناظران دارای این اختیار هستند که شروطی را برای تأیید نظارتی خود قرار دهند. این زمانی است که از نظر ناظران، انجام این کار منجر به احتیاط بیشتر می‌شود.

ث) چنانچه بانک استانداردهای مناسب یا شرایط تعیین شده توسط ناظران را رعایت نکند، ناظران این اختیار را دارند که مجوز آن را لغو کنند.

۶. ناظران دارای این اختیار هستند که از بانک‌ها بخواهند که مدیریت سرمایه خود را بر اساس یک رویکرد آینده‌نگر انجام دهند که شامل انجام آزمون بحران مناسب می‌باشد^{۶۹}. آنها همچنین این اختیار را دارند که از بانک‌ها موارد زیر را بخواهند:

^{۶۶} پیمان سرمایه کمیته بال جهت استفاده برای بانک‌های فعال بین‌المللی که باید میزان کفایت سرمایه را بصورت تجمیعی محاسبه و بکار بگیرند، ایجاد شد. کشورهایی که چارچوب کفایت سرمایه بال ۲ و ۳ را پذیرفته‌اند، نسبت‌های کفایت سرمایه را برای همه بانک‌های فعال بین‌المللی و شرکت‌های زیرمجموعه آنها بصورت تلفیقی و تجمیعی در نظر خواهند گرفت. به علاوه، ناظران باید میزان کفایت سرمایه هر یک از بانک‌ها را بصورت انفرادی نیز بررسی کنند.

^{۶۷} منبع: استفاده از چارچوب بال ۲. جولای ۲۰۰۹ و: همگرایی بین‌المللی در اندازه‌گیری سرمایه و استانداردهای آن: یک چارچوب بازنگری شده، ژوئن ۲۰۰۶.

^{۶۸} در ارزیابی میزان کفایت سرمایه یک بانک با توجه به مشخصه ریسکی آن، ناظران باید میزان کفایت سرمایه هر یک از بانک‌ها را بصورت انفرادی نیز بررسی کنند. شکل‌گیری سرمایه پایه مورد استفاده قرار گرفته است، (ب) وزن‌های صحیح برای داراییهای ریسکی به عنوان شاخصی برای میزان ریسک، (ج) میزان کفایت اندوخته‌ها و ذخیره‌ها برای پوشش میزان زیان‌های مورد انتظار، (د) کیفیت مدیریت ریسک و کنترل بانک. در نتیجه، نوع الزامات سرمایه ممکن است برای هر بانک متفاوت باشد. این امر این اطمینان را حاصل می‌کند که هر بانک دارای سطح مناسبی از میزان سرمایه با توجه به ریسک‌هایی که می‌پذیرد یا ریسک‌هایی که به سیستم تحمیل می‌کند، باشد.

^{۶۹} آزمون بحران شامل مجموعه اقدامات تحلیل حساسیت یا روش‌های پیچیده‌تر مثل تحلیل سناریو و آزمون بحران معکوس می‌باشد.

الف) سطوح سرمایه تعیین و سرمایه موجود را با توجه به پیش بینی وقایع یا تغییر در شرایط بازار که می‌توانند اثر سوء داشته باشند، مدیریت کنند؛

ب) به منظور حفظ و تقویت وضعیت سرمایه را در مواقع بحرانی، با توجه به مشخصه‌های ریسکی و اهمیت سیستمی بانک، ترتیبات احتمالی ممکن را در نظر بگیرند.

معیارهای اضافی

۱. برای بانک‌هایی که بصورت بین‌المللی فعالیت ندارند، الزامات سرمایه شامل تعریف سرمایه، پوشش ریسک، روش محاسبه، حوزه کاربرد و سرمایه مورد نیاز، باید بطور کامل با اصول استانداردهای بال که مربوط به بانک‌های بین‌المللی است منطبق باشند.

۲. ناظران خواستار توزیع کافی سرمایه در بین واحدهای یک گروه بانکی بر اساس میزان ریسک هر یک از آنها هستند.^{۷۰}

اصل ۱۷: ریسک اعتباری^{۷۱}

ناظران بانکی تعیین می‌کنند که بانک باید دارای فرایند مدیریت ریسک اعتباری مناسب باشد. این فرایند باید مشخصه‌های ریسکی بانک‌ها مانند میزان پذیرش ریسک و شرایط اقتصاد کلان و بازار را مورد توجه قرار دهد. مدیریت ریسک اعتباری شامل سیاست‌ها و فرایندهای احتیاطی جهت شناسایی، اندازه‌گیری، ارزیابی، پایش، گزارش و کنترل و کاهش به موقع ریسک اعتباری (اعم از ریسک اعتباری طرف مقابل^{۷۲}) است.^{۷۳} در این رابطه، بررسی کامل سابقه اعتباری یک شخص باید انجام شود که شامل تأیید اعتبار، ارزیابی آن و مدیریت مستمر پرتفوی‌های سرمایه‌گذاری و وام بانک می‌باشد.

معیارهای ضروری برای این اصل

۱. قوانین، مقررات یا ناظران، از بانک‌ها می‌خواهند که دارای فرایندهای مناسب مدیریت ریسک باشند به گونه‌ای که دید جامعی از میزان ریسک اعتباری در بانک را فراهم کنند. ناظران بانکی برای بانک‌ها تعیین می‌کنند که فرایندها باید با میزان پذیرش ریسک، مشخصه‌های ریسکی، اهمیت سیستمی و قدرت سرمایه بانک سازگار بوده و شرایط اقتصاد کلان و بازار را در نظر بگیرند. این فرایندها باید منجر به تأیید اعتبار و استانداردهای احتیاطی شده و ارزیابی، مدیریت و پایش را تسهیل کنند.

^{۷۰} به اصل ۱۲، معیار ضروری ۷ مراجعه شود.

^{۷۱} اصل ۱۷ در مورد ارزیابی دارائیه‌ها با جزئیات بیشتر است؛ اصل ۱۸ در رابطه با مدیریت دارائیه‌های مشکل دار می‌باشد.

^{۷۲} ریسک اعتباری طرف تجاری شامل ریسک‌های اعتباری است که نشأت گرفته از اوراق مشتقه OTC و ابزارهای مالی دیگر است.

^{۷۳} ریسک اعتباری ممکن است که از موارد زیر ناشی شود: ریسک‌های بالا و زیر خط ترازنامه شامل: تسهیلات و پیش‌پرداخت‌ها، سرمایه‌گذاری‌ها، تسهیلات بین بانکی، معاملات اوراق مشتقه، معاملات اوراق بهادار تأمین مالی و فعالیتهای تجاری.

۲. ناظران تعیین می‌کنند که هیأت مدیره بانک راهبرد مدیریت ریسک اعتباری و سیاست‌ها و فرایندهای مهم برای تنظیم، شناخت، اندازه‌گیری، ارزیابی، پایش، گزارش دهی، کنترل و یا کاهش ریسک اعتباری^{۷۴} (که شامل ریسک اعتباری طرف تجاری و تسهیلات و تعهدات بالقوه در آینده نیز می‌شود) تصویب نمایند. این موارد باید با میزان ریسک‌پذیری که توسط هیأت مدیره تعیین شده، متناسب باشند. همچنین ناظران تعیین می‌کنند که مدیریت ارشد، راهبرد ریسک اعتباری را که توسط هیأت مدیره تأیید شده اجرا کرده و فرایندها و سیاست‌های فوق‌الذکر را توسعه بخشد.

۳. ناظران از بانک‌ها می‌خواهند که این فرایندها و سیاست‌ها منجر به ایجاد محیط مناسب و کنترل شده برای ریسک اعتباری گردد. این موضوع شامل موارد زیر می‌شود:

الف) یک راهبرد مؤثر و مستند و فرایندها و سیاست‌های درست برای ارزیابی ریسک اعتباری، بدون اتکا بر ارزیابی‌های بیرونی از ریسک اعتباری؛

ب) معیارها، فرایندها و سیاست‌های درست برای بررسی و تصویب عوامل ریسکی و همچنین برای تمديد و تأمین مالی دوباره امور ریسکی فعلی و شناخت مقام صلاحیت دار برای تأیید اندازه و پیچیدگی میزان ریسک بانک‌ها؛

پ) فرایندها و سیاست‌های مؤثر مدیریت اعتبار که شامل تجزیه و تحلیل مستمر توانایی قرض‌گیرندگان و تمایل آنها به بازپرداخت بدهی طبق شرایط قرارداد می‌باشد (از جمله بررسی عملکرد دارائیهای مورد مطالعه در مواردی که ریسک از عمل تبدیل به اوراق بهادار کردن دارائیهای ناشی می‌شود)؛ پایش الزامات مربوط به مستند کردن، پیمان‌های قانونی و الزامات قراردادی، وثایق و سایر شکلهای تقلیل ریسک اعتباری و یک سیستم مناسب طبقه‌بندی یا سطح‌بندی داده‌ها

ت) سیستم‌های اطلاعات مؤثر برای شناسایی به موقع و صحیح، تجمیع داده‌ها و گزارش‌دهی در رابطه با میزان ریسک اعتباری به هیأت مدیره و مدیریت ارشد

ث) اعمال محدودیت‌های اعتباری مناسب و احتیاطی، متناسب با میزان پذیرش ریسک بانک، مشخصه ریسکی و قدرت سرمایه که توسط کارکنان مسئول شناخته می‌شود.

ج) فرایندهای گزارش‌دهی و استثناء قایل شدن که اقدامات فوری را در سطح مناسب هیأت مدیره یا مدیریت ارشد بانک تضمین کند.

چ) کنترل‌های مؤثر (شامل کیفیت، قابلیت اتکا و مرتبط بودن داده‌ها با توجه به فرایندهای معتبر سازی) در خصوص استفاده از مدل‌ها برای شناسایی و اندازه‌گیری ریسک اعتباری و برقراری محدودیت‌هایی در این رابطه

۴. ناظران تعیین می‌کنند که بانک‌ها باید برای پایش کل بدهی‌های مؤسسات و هرگونه عوامل ریسکی، اعم از ریسک ناشی از تغییرات ارز که ممکن است منجر به ورشکستگی شود، سیاست‌ها و فرایندهایی داشته باشند.

^{۷۴} این بند مفروضات مربوط به همه ریسک‌ها که موجب افزایش ریسک اعتباری می‌شود، از جمله ریسک اعتباری یا ریسک طرف تجاری ایجاد شده توسط ابزارهای مالی، را شامل می‌شود.

۵. ناظران از بانک‌ها می‌خواهند که تصمیمات مربوط به اعتبارات را بدون در نظر گرفتن تضاد منافع اخذ کنند.
۶. ناظران از بانک‌ها می‌خواهند که سیاست اعتباری خود را به‌گونه‌ای انجام دهند که تصمیم‌گیری درباره ریسک اعتباری فراتر از حدّ معین یا درصد مشخصی از سرمایه بانک، صرفاً توسط مدیریت ارشد و هیأت مدیره بانک اتخاذ شوند. این موضوع در رابطه با اموری که بطور خاص دارای ریسک بوده یا آنهایی که همسو با مکانیزم فعالیت‌های بانک نیستند نیز صدق می‌کند.
۷. ناظران به اطلاعات مربوط به اعتبار و ترکیبات سرمایه‌گذاری و همچنین اداراتی که در تنظیم، مدیریت، کنترل و گزارش دهی ریسک اعتباری نقش دارند، دسترسی کامل دارند.
۸. ناظران از بانک‌ها می‌خواهند که جهت انجام مدیریت ریسک، مفهوم ریسک اعتباری را در برنامه‌های آزمون بحران مورد استفاده قرار دهند.

اصل ۱۸: دارائیهای مشکل‌دار [غیر جاری]، ذخایر و اندوخته‌ها^{۷۵}

ناظران بانکی برای بانک‌ها تعیین می‌کنند که باید دارای فرایندها و سیاست‌های کافی برای شناخت و مدیریت زود هنگام دارائیهای مشکل‌دار بوده و ذخایر و اندوخته‌های کافی را نگهداری نمایند^{۷۶}.

معیارهای ضروری برای این اصل

۱. قوانین، مقررات یا ناظران از بانک‌ها می‌خواهند که فرایندها و سیاست‌هایی را در جهت شناخت و مدیریت دارائیهای مشکل‌دار تنظیم کنند. علاوه بر این، خواستار بازنگری منظم این نوع دارائیها، (چه در سطح انفرادی و چه در سبد دارائیهای همگون) طبقه‌بندی آنها و ایجاد حساب‌های ذخیره و نحوه استهلاک دارائیها می‌باشند.
۲. ناظران میزان کفایت سیاست‌ها و فرایندها در خصوص سطح‌بندی و طبقه‌بندی دارائیها و تشکیل سطح مناسبی از حساب‌های ذخیره را برای بانک تعیین می‌کنند. به منظور تعیین کفایت فرایندها و سیاست‌های بانک، بازنگری‌های منطبق بر نظر ناظران ممکن است که توسط کارشناسان بیرونی انجام شود.
۳. ناظران تعیین می‌کنند که سیستم بانکی برای طبقه‌بندی دارائیها و ایجاد حساب‌های ذخیره، باید ریسک‌های مربوط به اقلام زیر خط ترازنامه را لحاظ کند^{۷۷}.

^{۷۵} اصل ۱۷ ارزیابی دارائیها با جزئیات بیشتر را بررسی می‌کند. اصل ۱۸ مدیریت دارائیهای مشکل‌دار را بیان می‌کند.

^{۷۶} اندوخته‌های مطرح شده در این اصل نسبتی از سود ناخالص که قابل تقسیم هم نیست می‌باشد که علاوه بر ذخایر، توسط ناظران الزام می‌شود.

^{۷۷} دو نوع منابع در معرض خط (تعهدات) در زیر خط ترازنامه وجود دارد: یک دسته آنهایی که توسط بانک بصورت یک طرفه لغو می‌شود (بر اساس قرارداد و بنابراین نیازی به ذخیره‌گیری برای آنها نیست) و دسته‌ای که بانک نمی‌تواند آنها را بصورت یک طرفه لغو کند.

۴. ناظران برای بانکها تعیین می کنند که آنها باید دارای فرایندها و سیاستهای مناسب باشند تا اطمینان حاصل شود که حسابهای ذخیره و استهلاک دارائیهها به موقع انجام شده و این امر منعکس کننده باز پرداخت واقعی و انتظارات بهبود سیستم با لحاظ شرایط اقتصاد کلان و بازار باشد.
۵. ناظران تعیین می کنند که بانکها باید دارای فرایندها، سیاستها و منابع سازمانی مناسب برای شناسایی زورد هنگام دارائیههای در حال زوال به منظور شناخت دارائیههای مشکل دار و جمع آوری تعهدات معوق باشند. برای سبدهای اعتباری با ریسکهای مشابه، نوع ریسکها، بر اساس پرداختهای معوق طبق تعداد روزهای مشخص تأخیر در پرداخت (مثلاً ۳۰، ۶۰ یا ۹۰ روزه) دسته بندی می شود. ناظران به منظور شناسایی هر نوع خطای مهم در استانداردهای طبقه بندی دارائیهها و حسابهای ذخیره، اصلاح دارائیههای بانکها را بررسی و آزمون می کنند.
۶. ناظران اطلاعات مربوط به طبقه بندی دارائیهها و حسابهای ذخیره را بصورت منظم و جزئی کسب کرده و یا دسترسی کامل به این نوع اطلاعات دارند. ناظران از بانکها می خواهند که برای طبقه بندی دارائیهها و حسابهای ذخیره مستندهای کافی داشته باشند.
۷. ناظران صحت و کفایت طبقه بندی دارائیهها و حسابهای ذخیره را برای اهداف احتیاطی بانکها ارزیابی می کنند. چنانچه طبقه بندی دارائیهها صحیح نباشد یا میزان ذخیره گیری برای اهداف مذکور کافی نباشند، (به عنوان مثال، زمانی که ناظران پیش بینی وخیم شدن کیفیت دارائیهها در آینده و یا سوخت شدن آنها را در نظر بگیرند و یا اینکه حسابهای ذخیره برای پوشش زیانهای انتظاری کافی نباشند)، ناظران این اختیار را دارند که بانکها را ملزم نمایند که طبقه بندی دارائیهها را تعدیل کرده و میزان ذخایر، اندوختهها یا سرمایه را افزایش داده یا جایی که لازم باشد شاخصهای مفید دیگری را اعمال کنند.
۸. ناظران بانکها را ملزم می کنند که سازوکارهای مناسبی را برای ارزیابی منظم ارزش عوامل کاهش دهنده ریسک شامل تضمینها، ابزارهای مشتقه اعتباری و وثایق داشته باشند. ارزش گذاری وثایق باید ارزش خالص قابل تشخیص را منعکس کرده و شرایط غالب بازار را مدنظر قرار دهد.
۹. قوانین، مقررات یا ناظران برای دارائیههایی که دارای ویژگیهای زیر می باشند، معیارهایی را وضع می کنند.
- الف) دارائیههای مشکل دار (مثلاً وامهایی که به دلیل معوق شدن آن، اعم از اصل و بهره، و عدم بازپرداخت آن طبق شرایط قرارداد، مشکوک تشخیص داده می شوند).
- ب) دارائیههایی که دوباره به عنوان دارائیههای قابل وصول طبقه بندی می شوند. (مثلاً وامهای معوق زمانی مجدداً به عنوان وامهای جاری دسته بندی می شوند که همه معوقات آنها تسویه شده و منطبق بر شرایط قرارداد شوند. به عبارت دیگر، باز پرداختها در طول دوره قرارداد و بر اساس شرایط آن، به موقع و مطابق انتظار انجام شود).

۱۰. ناظران برای بانک‌ها تعیین می‌کنند که هیأت مدیره بانک باید اطلاعات به موقع و مناسب را کسب کند. این اطلاعات باید درباره شرایط سبد دارائیه‌های بانک شامل دسته بندی دارائیه‌ها، سطح ذخایر و اندوخته‌ها و دارائیه‌های مشکل‌دار باشد. اطلاعات مزبور خلاصه‌ای از نتایج فرایند آخرین بررسی دارائیه‌ها، روندهای مقایسه‌ای در کیفیت کلی دارائیه‌های مشکل‌دار، اندازه‌گیری میزان دارائیه‌های سوخت شده یا در حال سوخت و زیان‌های مورد انتظار می‌باشد.
۱۱. ناظران از بانک‌ها می‌خواهند که ارزش‌گذاری، طبقه‌بندی دارائیه‌ها و ذخیره‌گیری، حداقل برای موارد ریسکی مهم، باید به صورت انفرادی انجام شود. به این منظور، بانک‌ها ملزم می‌شوند حد مناسبی را برای شناسایی موارد ریسکی مهم قرار داده و به طور منظم آن را مورد بررسی قرار دهند.
۱۲. ناظران بطور منظم روندها و تمرکزهای ریسک و ایجاد آنها را در رابطه با دارائیه‌های مشکل‌دار در بخش بانکی مورد ارزیابی قرار داده و مواردی که تمرکز بر راهبردهای پوشش ریسک داشته و تأثیر بالقوه بر کارایی عوامل کاهنده ریسک و کاهش زیان را مدنظر قرار می‌دهند.

اصل ۱۹: ریسک تمرکز و محدودیت‌های تسهیلات و تعهدات کلان

ناظران تعیین می‌کنند که بانک‌ها باید برای شناسایی، اندازه‌گیری، ارزیابی، پایش، گزارش و کنترل یا کاهش به موقع تمرکز ریسک، دارای فرایندها و سیاست‌های کافی و به موقع باشند. ناظران به منظور محدود کردن میزان تسهیلات و تعهدات در رابطه با طرف یا طرف‌های تجاری، محدودیت‌های احتیاطی را تنظیم می‌کنند.^{۷۸}

معیارهای ضروری برای این اصل

۱. قوانین، مقررات یا ناظران از بانک‌ها می‌خواهند که فرایندها و سیاست‌هایی را برای انجام یک بررسی جامع از علل مهم ریسک تمرکز در سطح بانک داشته باشند.^{۷۹} ریسک‌های ناشی از اقلام بالای خط و زیر خط ترازنامه و همچنین ریسک‌های تعهدات مشروط نیز در این فرایندها محاسبه می‌شوند.
۲. ناظران برای بانک‌ها تعیین می‌کنند که سیستم‌های اطلاعات بانک باید موارد ایجاد کننده ریسک تمرکز و تسهیلات و تعهدات کلان طرف تجاری یا گروهی از طرف‌های تجاری را شناخته و مدیریت فعال آنها را تسهیل کنند.^{۸۰}

^{۷۸} طرف‌های تجاری مرتبط ممکن است شامل افراد و یا گروهی از شرکت‌ها که از لحاظ مالی یا مالکیت مشترک یا هر نوع ترکیب دیگر باشد.

^{۷۹} این موضوع شامل تمرکز اعتبارات از طریق ارائه تسهیلات به اشخاص حقیقی یا گروهی از طرف‌های تجاری مرتبط بصورت مستقیم و غیرمستقیم می‌باشد. همچنین ارائه تسهیلات به افرادی که در یک صنعت، بخش اقتصادی یا منطقه جغرافیایی قرار داشته یا افرادی که عملکرد مالی آنها به فعالیت مشابه و یکسان وابسته است نیز تمرکز به حساب می‌آید. همچنین اقلام زیر خط ترازنامه (شامل ضمانت‌ها و سایر تعهدات) و تمرکزهای بازار که منابع بانک را در معرض ریسک دارائی، قرارداد، محصول و ارز خاصی قرار می‌دهند نیز باعث تمرکز ریسک می‌شود.

^{۸۰} شاخص ریسک اعتباری، در قالب ارائه تسهیلات کلان به افراد و گروهی از طرف‌های تجاری مرتبط، باید حداکثر زیان ممکن را در صورت نکول آنها منعکس کند. مفهوم موزون کردن بر مبنای ریسک که در استاندارد سرمایه‌بال پذیرفته شده است، نباید برای اندازه‌گیری ریسک اعتباری ناشی از تمرکز مورد استفاده قرار گیرد، زیرا وزن‌های مربوط به ریسک به عنوان شاخص ریسک اعتباری تعبیه شده است و استفاده از آنها برای اندازه‌گیری تمرکز ریسک ممکن است که زیان بالقوه را کمتر نشان بدهد.

۳. ناظران بانکی تعیین می‌کنند که فرایندها و سیاست‌های مدیریت ریسک حدودی را برای تمرکزهای قابل قبول ریسک ایجاد کرده به نحوی که میزان پذیرش ریسک، مشخصه‌های ریسکی و قدرت سرمایه که توسط کارکنان ذیربط شناخته شده و یا به آنها مربوط می‌شود را منعکس کنند. همچنین تعیین می‌کنند که سیاست‌ها و فرایندهای بانک به گونه‌ای باشند که بررسی منظم تمرکزهای مهم و گزارش آن به هیأت مدیره بانک را الزام کنند.
۴. ناظران به بطور منظم باید اطلاعات مربوط به مواردی که تمرکز ریسک را در بین تسهیلات و تعهدات بانک بالا برده بدست آورند. این تمرکزها شامل موارد ریسکی مربوط به بخش‌ها، تمرکز جغرافیایی و ریسک‌های ارزی بوده که باید مورد بررسی قرار گیرند.
۵. در رابطه با ریسک‌های اعتباری طرف‌های تجاری انفرادی یا گروهی، قوانین و مقررات یا ناظران دارای این اختیار هستند که گروهی از طرف‌های تجاری مرتبط با هم را جهت انعکاس ریسک واقعی تعریف کنند. ناظران ممکن است در به کارگیری این تعریف برای هر مورد محتاطانه عمل کنند.
۶. قوانین، مقررات یا ناظران، الزامات مناسب و احتیاطی را تنظیم کرده تا ریسک‌های تسهیلات کلان مربوط به طرف تجاری انفرادی یا گروهی را کنترل کنند.^{۸۱} ریسک‌های مذکور شامل همه مطالبات و معاملات (از جمله آنهایی که ریسک اعتباری طرف تجاری را افزایش می‌دهند) مربوط به اقلام بالای خط و زیر خط ترازنامه می‌باشد. ناظران تعیین می‌کنند که مدیریت ارشد باید این محدودیت‌ها را پایش نمایند تا از لحاظ فردی و جمعی فراتر از حد مجاز نباشند.
۷. به منظور اهداف مدیریت ریسک، ناظران از بانک‌ها می‌خواهند که تأثیر تمرکزهای مهم ریسک را در برنامه‌های آزمون بحران خود در نظر بگیرند.

معیارهای اضافی

۱. در رابطه با ریسک اعتباری طرف‌های تجاری انفرادی یا گروهی، بانک‌ها ملزم هستند که از موارد زیر تبعیت نمایند:
- الف) حداقل ده درصد سرمایه بانک به عنوان تسهیلات کلان تعریف شود؛
- ب) میزان تسهیلات کلان انفرادی به طرف تجاری خصوصی غیر بانکی یا گروهی از شرکای تجاری، بیست و پنج درصد سرمایه بانک باشد.
- انحرافات کوچک از این حدود ممکن است قابل قبول باشد، بخصوص اگر موقتی بوده یا مربوط به بانک‌های بسیار کوچک یا تخصصی شود.

^{۸۱} حداقل برای بانک‌های فعال بین‌المللی، این الزامات باید استانداردهای کاربردی بال را نشان دهند. از سپتامبر ۲۰۱۲، یک استاندارد جدید بال در رابطه با تسهیلات کلان، هنوز در دست بررسی است.

اصل ۲۰: معامله با اشخاص مرتبط

به منظور جلوگیری از سوء استفاده از معاملات انجام شده با اشخاص مرتبط^{۸۲} و به منظور بررسی ریسک ناشی از تضاد منافع، ناظران از بانک‌ها می‌خواهند که معامله با اشخاص مرتبط^{۸۳} را بر اساس روابط غیر شخصی انجام دهند؛ همچنین این معاملات را پایش نمایند؛ برای کنترل یا کاهش ریسک‌ها اقدام مناسب اتخاذ کنند و بر اساس فرایندها و سیاست‌های استاندارد، ریسک‌های تسهیلات و تعهدات مربوط به اشخاص مرتبط را حذف کنند.

معیارهای ضروری برای این اصل

۱. قوانین، مقررات یا ناظران این اختیار را دارند که تعریف جامعی از " اشخاص مرتبط " با بانک را ارائه دهند. این مورد شامل اشخاصی است که در پانوشت مربوط به همین اصل آمده است. ناظران ممکن است در به کارگیری این تعریف نوعی تمایز را در نظر گرفته و برای هر مورد بر اساس صلاحدید رفتار کنند.
۲. قوانین، مقررات یا ناظران از بانک‌ها می‌خواهند که معاملات با اشخاص مرتبط نباید دارای شرایط بهتر و ویژه‌تری (مثلاً در مواردی از قبیل ارزیابی رتبه اعتباری، در احکام و مفاد، نرخهای بهره، کارمزدها، جدول زمانی استهلاک و الزامات مربوط به وثایق) نسبت به معاملات با اشخاص غیر مرتبط باشد^{۸۴}.
۳. ناظران از بانک‌ها می‌خواهند که انجام معاملات با اشخاص مرتبط و ریسک‌های فراتر از حدود مشخص و تحمیل ریسک‌های خاص، باید با تأیید قبلی هیأت مدیره بانک باشد. ناظران از هیأت مدیره بانک می‌خواهند که در فرایند تصویب یا مدیریت معاملات با اشخاص مرتبط، اعضاء هیأت مدیره دارای تضاد منافع در این فرایندها را مستثنی نمایند.
۴. ناظران از بانک‌ها می‌خواهند که فرایندها و سیاست‌های آنها به گونه‌ای باشند که از منفعت شخصی از معاملات و انتفاع افراد مرتبط با تصمیم‌گیرندگان در حوزه اعطای امتیاز و مدیریت معامله جلوگیری شود.
۵. قوانین و مقررات، یا ناظران دارای این اختیار هستند که بصورت موردی یا کلی، محدودیت‌هایی را برای میزان ریسک اشخاص مرتبط اعمال نمایند، به هنگام ارزیابی میزان کفایت سرمایه این موارد ریسکی را از بخش سرمایه کسر کنند یا درخواست ایجاد وثیقه در برابر این ریسک‌ها داشته باشند. زمانی که این محدودیت‌ها برای ریسک‌های تجمیعی اشخاص مرتبط اعمال شوند، حدود آن باید حداقل به میزان محدودیت‌هایی باشد که برای طرف‌های تجاری فردی یا گروهی از شرکای مرتبط بکار گرفته می‌شوند.

^{۸۲} اشخاص مرتبط می‌توانند شامل زیرمجموعه‌های بانک، وابستگان آن و هرگونه شخصی که بانک آنها را کنترل کرده یا آنها بانک را کنترل می‌کنند می‌شود. این افراد شامل سهامداران عمده بانک، اجزاء هیأت مدیره، مدیریت ارشد و کارکنان کلیدی، وابستگان و خانواده آنها و افراد مربوط در شرکت‌های زیر مجموعه می‌باشند.

^{۸۳} معاملات اشخاص مرتبط شامل منابع تسهیلات و تعهدات زیر خط و بالای خط ترازنامه، قراردادهای خدماتی، خرید و فروش دارائیه‌ها، قراردادهای ساخت، قراردادهای لیزینگ، معاملات اوراق مشتقه، قرض گرفتن و استهلاکات می‌باشد. این معاملات باید به صورت گسترده تفسیر شود که نه تنها شامل معاملات اشخاص مرتبط بوده بلکه شامل موقعیتهایی که طی آن اشخاص غیرمرتبط به اشخاص مرتبط تبدیل می‌شوند نیز می‌باشد.

^{۸۴} استثنائاتی ممکن است در مورد شرایط و مقررات مربوط به بسته‌های پاداش وجود داشته باشد (مانند دریافت تسهیلات با یک نرخ مناسب توسط کارکنان)

۶. ناظران تعیین می‌کنند که بانک‌ها باید دارای سیاست‌ها و فرایندهایی برای شناخت ریسک‌های انفرادی ناشی از معامله با اشخاص مرتبط باشند. همچنین با استفاده از تعیین اعتبار مستقل یا یک فرایند حسابرسی، این ریسک‌ها را پایش و گزارش دهند. ناظران برای بانک‌ها تعیین می‌کنند استثنای‌های مربوط به سیاست‌ها، فرایندها و محدودیت‌ها باید به سطوح مناسبی از مدیریت ارشد یا در صورت لزوم به هیأت مدیره برای عملکرد به موقع گزارش شود. همچنین ناظران تعیین می‌کنند که مدیریت ارشد معاملات اشخاص مرتبط را پایش و کنترل کرده و هیأت مدیره هم بر این معاملات نظارت کند.
۷. ناظران باید اطلاعات مربوط به اشخاص مرتبط را بصورت کلی اخذ و بررسی کنند.

اصل ۲۱: ریسک کشوری و ریسک انتقال

ناظران تعیین می‌کنند که بانک‌ها باید دارای فرایندها و سیاست‌های کافی برای شناخت، اندازه‌گیری، ارزیابی، پایش، گزارش دهی و کنترل یا کاهش به موقع ریسک کشوری^{۸۵} و ریسک انتقال ناشی از وام‌دهی^{۸۶} و فعالیت‌های سرمایه‌گذاری خود در سطح بین‌المللی باشند.

معیارهای ضروری برای این اصل

۱. ناظران برای بانک‌ها تعیین می‌کنند که فرایند و سیاست یک بانک باید به شناسایی، اندازه‌گیری، ارزیابی، پایش، گزارش و کنترل یا کاهش ریسک کشوری و ریسک انتقال، توجه داشته باشند. همچنین ناظران تعیین می‌کنند که این فرایندها باید با مشخصه‌های ریسکی و اهمیت سیستمی آنها و ریسک‌پذیری متناسب بوده و شرایط بازار و اقتصاد کلان را مورد توجه قرار دهند. این فرایندها باید دید جامعی در کل بانک درباره این ریسک‌ها به وجود آورند. این موارد ریسکی (که شامل ریسک‌های بین‌گروهی مربوط نیز می‌باشد) باید شناسایی، پایش و به صورت منطقه‌ای و بر اساس هر کشور مدیریت شود. از بانک‌ها خواسته می‌شود که گسترش ریسک کشوری و ریسک انتقال را پایش و ارزیابی کنند و اقدام متقابل مناسبی را برای هر یک به کار بندند.
۲. ناظران از بانک‌ها می‌خواهند که راهبردها، سیاست‌ها و فرایندهای مدیریت ریسک‌های کشوری و انتقال را به تأیید هیأت مدیره بانک برسانند و همچنین هیأت مدیره نیز باید مدیریت را تحت نظارت داشته باشند؛ به گونه‌ای که اطمینان حاصل شود که این سیاست‌ها و فرایندها به صورت مؤثر اجرا شده و در فرایند کلی مدیریت ریسک ادغام شده باشند.
۳. ناظران تعیین می‌کنند که بانک‌ها باید دارای سیستم‌های اطلاعات و مدیریت ریسک و سیستم‌های کنترل داخلی به موقع برای جمع‌آوری، پایش و گزارش صحیح ریسک‌های کشوری باشند. همچنین اطمینان حاصل شود که بانک‌ها از محدودیت‌های اعمال شده در خصوص ریسک کشوری تبعیت می‌کنند.

^{۸۵} ریسک کشوری عبارت است از در معرض ریسک قرار گرفتن سیستم بانکی داخلی به سبب زیان ناشی از وقایع یک کشور خارجی.

^{۸۶} ریسک انتقال یعنی اینکه وام‌گیرنده نمی‌تواند پول داخلی را به ارز خارجی تبدیل کند و بنابراین نمی‌تواند پرداخت را بر مبنای ارز انجام دهد. محدودیت‌های اعمال شده توسط دولت بر یک ارز خاص می‌تواند ریسک را افزایش دهد.

۴. ناظران باید بر ذخیره‌گیری مناسب در رابطه با ریسک کشوری و ریسک انتقال، نظارت داشته باشند. اقدامات بین‌المللی متفاوتی وجود دارند که تا زمانی که منجر به نتایج مثبتی بر بررسی ریسک شوند، قابل قبول خواهند بود. این موارد شامل موضوعات زیر می‌شوند:

الف) ناظران (یا سایر مسئولین رسمی) درباره حداقل حساب‌های ذخیره تصمیم می‌گیرند که این کار را از طریق تنظیم درصد ثابتی برای میزان ریسک و با توجه به شرایط حاکم انجام می‌دهند. ناظران میزان حداقل ذخیره را چنانچه لازم باشد، بازنگری می‌کنند.

ب) ناظران (یا سایر مسئولین رسمی) به طور منظم، طیف‌های درصدی را برای هر کشور با توجه به شرایط حاکم تنظیم می‌کنند. بانک‌ها ممکن است که با توجه به این محدوده‌ها برای هر مورد ریسکی حساب‌های ذخیره مربوط را بکار بگیرد. ناظران جایی که لازم باشد این محدوده‌های ذخیره‌گیری را مورد بازنگری قرار می‌دهند.

پ) بانک (یا مؤسسات دیگر مانند کانون بانک‌ها) درصدها یا رهنمودهایی را تنظیم کرده یا حتی در مورد میزان ذخیره‌گیری متناسب با هر وام، تصمیم‌گیری می‌کنند. میزان کفایت ذخایر، توسط حساب‌برسان بیرونی یا ناظران مورد قضاوت قرار می‌گیرد.

۵. ناظران از بانک‌ها می‌خواهند که سناریوهای مناسبی را وارد برنامه‌های آزمون بحران کنند تا اینکه ریسک کشوری و ریسک انتقال برای اهداف مدیریت ریسک منعکس شوند.

۶. ناظران اطلاعات کافی در خصوص ریسک کشوری و ریسک انتقال بانک‌ها را به موقع اخذ و مورد بررسی قرار می‌دهند. همچنین آنها دارای اختیار لازم جهت اخذ اطلاعات اضافی در جایی که لازم است (مانند وضعیت بحرانی) نیز می‌باشند.

اصل ۲۲: ریسک بازار

ناظران برای بانک‌ها تعیین می‌کنند که آنها باید دارای فرایند مدیریت مناسب ریسک بازار باشند که میزان ریسک‌پذیری، مشخصه‌های ریسکی و شرایط اقتصاد کلان و بازار و همچنین ریسک‌های مهم ناشی از وخامت شدید در نقدینگی بازار را در نظر بگیرند. این موضوع شامل سیاست‌ها و فرایندهای احتیاطی برای شناسایی، اندازه‌گیری، ارزیابی، پایش، گزارش و کنترل یا کاهش به موقع ریسک‌های بازار می‌باشد.

معیارهای ضروری برای این اصل

۱. قوانین، مقررات یا ناظران از بانک‌ها می‌خواهند که دارای فرایندهای درست و مناسب برای مدیریت ریسک بازار باشند؛ به‌گونه‌ای که چشم انداز مناسبی از میزان ریسک بازار را ارائه دهند. ناظران اینگونه تعیین می‌کنند که این فرایندها باید با

مشخصه‌های ریسکی، میزان ریسک‌پذیری و اهمیت سیستمی بانک‌ها و همچنین قدرت سرمایه بانک‌ها، سازگار باشد. این فرایندها باید شرایط بازار و اقتصاد کلان و ریسک ناشی از وخامت جدی در وضعیت نقدینگی بازار را در نظر گرفته و نقش‌ها و مسئولیت‌هایی را در این رابطه بصورت شفاف و تفصیلی، برای شناسایی، اندازه‌گیری، پایش و کنترل ریسک بازار تعیین کنند.

۲. ناظران برای بانک‌ها تعیین می‌کنند که فرایندها، سیاست‌ها و راهبردهای بانک در رابطه با مدیریت ریسک بازار، باید توسط هیأت مدیره تأیید شده باشند و همچنین هیأت مدیره در خصوص حصول اطمینان از اینکه این سیاست‌ها و فرایندها بطور اثربخش و به صورت بخشی از مدیریت ریسک در حال انجام است بر مدیریت نظارت نماید.

۳. ناظران تعیین می‌کنند که فرایندها، راهبردها و سیاست‌های بانک محیط کنترلی مناسب و درستی را برای ریسک بازار ایجاد کنند که شامل موارد زیر می‌باشد:

الف) سیستم‌های اطلاعاتی مؤثر برای شناسایی، تجمیع، پایش و گزارش‌دهی مناسب و به موقع ریسک‌های بازار به هیأت مدیره و مدیریت ارشد بانک؛

ب) محدودیت‌های درست و مناسب برای ریسک بازار که متناسب با ریسک‌پذیری بانک، مشخصه‌های ریسکی، قدرت سرمایه و توانایی بانک در مدیریت ریسک بازار باشند. این محدودیت‌ها باید به آگاهی کارکنان مسئول نیز برسد؛

پ) فرایندهای گزارش‌دهی و بررسی موارد استثناء که از اقدام فوری توسط سطح مناسب هیأت مدیره و مدیریت ارشد، اطمینان حاصل شود؛

ت) کنترل‌های اثر بخش در خصوص استفاده از مدل‌های شناسایی و اندازه‌گیری ریسک بازار و تنظیم محدودیت‌هایی در این رابطه؛

ث) فرایندها و سیاست‌های درست برای تخصیص بخشی از ریسک‌ها به دفاتر تجاری

۴. ناظران تعیین می‌کنند که سیستم‌ها و کنترل‌هایی باید وجود داشته باشند تا از ارزش‌گذاری دوباره موقعیت‌های تسویه بانک‌ها اطمینان حاصل شود. ناظران همچنین از بانک‌ها می‌خواهند که همه معاملات را به صورت منظم و به موقع شناسایی کرده و در فرایند ارزش‌گذاری، از اقدامات سازگار و احتیاطی استفاده کنند. به علاوه، داده‌های قابل اتکای بازار توسط مقاماتی مستقل از واحدهای مرتبط به کسب و کار ریسکی، تأیید شوند (یا اینکه در صورت در دسترس نبودن قیمت‌های بازار، از مدل‌های پذیرفته شده داخلی یا مدل مربوط به آن صنعت استفاده شود). زمانی که بانک برای ارزش‌گذاری از مدل‌ها استفاده می‌کند، باید اطمینان حاصل کند که آن‌ها توسط نهادی مستقل از واحدهای مرتبط با ریسک، تأیید شده باشند. ناظران از بانک‌ها می‌خواهند برای مواردی که قابل ارزش‌گذاری احتیاطی نیستند از جمله موقعیت‌های با نقدینگی کم، فرایندها و سیاست‌هایی را ایجاد کرده که در ارزش‌گذاری‌ها تغییر و تعدیل لازم را در نظر بگیرند.

۵. ناظران برای بانک‌ها تعیین می‌کنند که آنها باید سطوح مناسبی از سرمایه را جهت مقابله با زیان‌های غیر منتظره داشته باشند و به منظور لحاظ کردن عدم اطمینان‌ها در تعیین ارزش اسمی دارائیه‌ها و بدهی‌ها، تعدیلات مناسب را در ارزش گذاری ایجاد کنند.

۶. ناظران از بانک‌ها می‌خواهند که به منظور مدیریت ریسک، میزان خطر مربوط به ریسک بازار را در برنامه‌های آزمون بحران خود در نظر بگیرند.

اصل ۲۳: ریسک نرخ بهره در دفاتر بانکی

ناظران تعیین می‌کنند که بانک‌ها باید دارای سیستم‌های کافی به منظور شناسایی، اندازه‌گیری، ارزیابی، پایش، گزارش‌دهی و کنترل یا کاهش به موقع ریسک نرخ بهره^{۸۷} در دفاتر بانکی باشند. این سیستم‌ها، میزان ریسک‌پذیری، مشخصه ریسکی بانک و شرایط اقتصاد کلان و بازار را مدنظر قرار می‌دهند.

معیارهای ضروری برای این اصل

۱. قوانین، مقررات یا ناظران از بانک‌ها می‌خواهند که راهبردی مناسب در رابطه با ریسک نرخ بهره و چارچوب مدیریت این ریسک داشته باشند؛ به گونه‌ای که دید جامعی از این نوع ریسک را در سطح کل بانک به وجود آورند. این امر شامل سیاست‌ها و فرایندهایی برای شناسایی، اندازه‌گیری، ارزیابی، پایش، گزارش‌دهی، کنترل یا کاهش منشاء مهم ریسک نرخ بهره می‌باشند. ناظران برای بانک‌ها تعیین می‌کنند که راهبردها، سیاست‌ها و فرایندهای بانک باید با ریسک‌پذیری، مشخصه ریسکی و اهمیت سیستمی آن متناسب بوده و شرایط بازار و اقتصاد کلان را مدنظر داشته باشد و در صورت لزوم آنها را بازنگری کنند.

۲. ناظران تعیین می‌کنند که فرایندها و سیاست‌های مربوط به مدیریت ریسک نرخ بهره باید توسط هیأت مدیره بانک تأیید و مورد بررسی منظم قرار بگیرد. همچنین مدیریت ارشد بانک باید اطمینان حاصل نماید که فرایندها، سیاست‌ها و راهبردها به صورت مؤثر توسعه و اجرا شوند.

۳. ناظران تعیین می‌کنند که فرایندها و سیاست‌های بانک‌ها، محیط مناسب و کنترل شده‌ای را برای ریسک نرخ بهره ایجاد کنند که شامل موارد زیر می‌باشند:

الف) سیستم‌های مناسب و جامع اندازه‌گیری ریسک نرخ بهره

ب) بررسی منظم و تأیید (داخلی یا بیرونی) مستقل مدلهایی که توسط مقامهای مدیریت ریسک نرخ بهره مورد استفاده قرار می‌گیرد (که شامل بازنگری فرضیات کلیدی مدل هم می‌شود).

^{۸۷} در این اصل، ریسک نرخ بهره در دفاتر بانکی مدنظر است. ریسک نرخ بهره در دفاتر تجاری در اصل ۲۲ مطرح شده است.

پ) محدودیت‌های مناسب که توسط هیأت مدیره و مدیریت ارشد بانک‌ها مورد تأیید قرار گرفته باشند؛ به‌گونه‌ای که قدرت سرمایه بانک، میزان ریسک‌پذیری و مشخصه ریسکی بانک را منعکس کرده و به آگاهی کارکنان مسئول برسد.

ت) فرایندهای مؤثر گزارش‌دهی و بررسی موارد استثناء که از اتخاذ اقدام فوری در سطح مناسبی از مدیریت ارشد یا هیأت مدیره اطمینان حاصل گردد.

ث) سیستم‌های اطلاعاتی مؤثر برای شناسایی، جمع‌آوری، پایش و گزارش به موقع به هیأت مدیره بانک و مدیریت ارشد درباره میزان ریسک نرخ بهره

۴. ناظران از بانک‌ها می‌خواهند که سناریوهای مناسبی را وارد برنامه‌های آزمون بحران خود کنند تا میزان آسیب‌پذیری بانک‌ها از زیان ناشی از تغییرات نامطلوب نرخ بهره اندازه‌گیری شود.

معیارهای اضافی

۱. ناظران از بانک‌ها نتایج داخلی اندازه‌گیری ریسک نرخ بهره را دریافت می‌کنند. این نتایج باید از نظر تهدید ارزش اقتصادی که شامل استفاده از شوک‌های استاندارد به نرخ بهره در دفاتر بانکی است، بیان گردد.

۲. ناظران بانکی بررسی می‌کنند که آیا سیستم‌های داخلی مربوط به سرمایه بانک‌ها به اندازه کافی ریسک نرخ بهره را در دفاتر بانکی پوشش می‌دهد یا خیر؟

اصل ۲۴: ریسک نقدینگی

ناظران، الزامات نقدینگی مناسب و احتیاطی را (که می‌تواند شامل الزامات کمی و کیفی یا هر دو باشد) برای بانک تنظیم می‌کنند تا نیاز نقدینگی بانک را منعکس نمایند. ناظران برای بانک‌ها تعیین می‌کنند که آنها باید دارای راهبردی باشند که امکان مدیریت احتیاطی ریسک نقدینگی را فراهم کرده و این راهبرد باید متناسب با نیازها و الزامات نقدینگی بانک باشد. این راهبرد باید مشخصه ریسکی بانک و شرایط اقتصاد کلان و بازار را در نظر گرفته و شامل سیاست‌ها و فرایندهای احتیاطی متناسب با ریسک‌پذیری بانک‌ها باشد. این امر برای شناسایی، اندازه‌گیری، ارزیابی، پایش، گزارش‌دهی، کنترل یا کاهش ریسک نقدینگی در یک افق زمانی مناسب، می‌باشد. برای بانک‌هایی که بصورت بین‌المللی فعالیت می‌کنند، الزامات نقدینگی نباید کمتر از استانداردهای کمیته بال باشد.

معیارهای ضروری برای این اصل

۱. قوانین، مقررات یا ناظران بانکی از بانک‌ها می‌خواهند تا الزامات نقدینگی شناخته شده را بدون تناقض مورد بررسی قرار دهند. این بررسی شامل تعیین حدودی با توجه به مرجع نظارتی آن بانک می‌باشد. برای بانک‌های فعال بین‌المللی، الزامات مربوط به نقدینگی نباید کمتر از استانداردهای کاربردی بال باشد. همچنین، ناظران باید طیفی از ابزارهای پایش نقدینگی را استفاده کنند که از لحاظ گستردگی مانند استانداردهای بال باشد.

۲. الزامات تعیین شده برای نقدینگی باید مشخصه ریسک نقدینگی بانکها (اعم از ارقام بالا و زیر خط ترازنامه) را با توجه به شرایط اقتصاد کلان و بازار نشان دهند.
۳. ناظران تعیین می کنند که بانکها باید دارای یک چارچوب مدیریت نقدینگی قوی بوده و همچنین از بانکها می خواهند که برای ایستادگی و مقابله با وقایع بحرانی، نقدینگی کافی را داشته باشند. این چارچوب باید شامل فرایندها و سیاستهای تأیید شده توسط هیأت مدیره بانک بوده که متناسب با مدیریت ریسک نقدینگی نیز باشد. ناظران همچنین تعیین می کنند که این سیاستها و فرایندها دید جامعی نسبت به ریسک نقدینگی را در سطح بانک فراهم آورده و متناسب با مشخصه های ریسکی و اهمیت سیستمی بانکها باشد.
۴. ناظران تعیین می کنند که راهبرد، فرایندها و سیاستهای نقدینگی بانکها، باید یک محیط کنترل شده مناسب برای ریسک نقدینگی را به وجود آورد که شامل موارد زیر است:
- الف) تشریح صریح ریسک پذیری کلی در رابطه با نقدینگی که متناسب با فضای کسب و کار بانکها و نقش آنها در سیستم مالی بوده و توسط هیأت مدیره بانک هم تأیید شده باشد.
- ب) اقدامات درست مدیریت ریسک نقدینگی بصورت روزانه
- پ) سیستمهای اطلاعاتی مؤثری که امکان شناسایی، جمع، پایش و کنترل ریسک نقدینگی و نیاز به وجوه و منابع (که شامل مدیریت فعال و وثیقه ها می باشد) در سطح بانک را فراهم می کند.
- ت) نظارت کافی توسط هیأت مدیره بانکها به منظور ایجاد اطمینان از اینکه مدیریت، فرایندها و سیاستهای مربوط به مدیریت ریسک نقدینگی که سازگار با ریسک پذیری در حوزه نقدینگی باشد را به طور مؤثر به اجرا درآورد.
- ث) بررسی منظم توسط هیأت مدیره بانک (حداقل بصورت سالانه) و انجام تعدیلات مناسب در راهبردها، فرایندها و سیاستهای بانک برای مدیریت ریسک نقدینگی در سایه مشخصه های ریسکی در حال تغییر بانک و تحولات بیرونی صورت گرفته در شرایط بازارها و اقتصاد کلان
۵. ناظران از بانکها می خواهند که راهبردها، فرایندها و سیاستهای لازم برای تأمین منابع را ایجاد کرده و مورد بررسی قرار دهند. این موضوع برای اندازه گیری و پایش مستمر الزامات مربوط به تأمین منابع و مدیریت مؤثر ریسک تأمین منابع می باشد. سیاستها و فرایندها باید به چگونگی تأثیر ریسکهای دیگر (مانند ریسک عملیاتی، بازار، اعتباری و شهرت) بر راهبرد نقدینگی توجه نموده و شامل موارد زیر باشد:
- الف) تجزیه و تحلیل الزامات تأمین منابع در قالب سناریوهای جایگزین
- ب) نگهداری داراییهای نقدی که مبتنی بر بدهی نبوده و دارای کیفیت بالا باشد تا بتوان بدون مشکل در زمانهای بحران از آنها استفاده کرد.

پ) ایجاد تنوع در داراییها (شامل تنوع در طرف‌های تجاری، ابزارها، بازارها و ارزها) و دوره تأمین منابع و بررسی منظم محدودیت‌های تمرکز در داراییها

ت) تلاشهای منظمی برای ایجاد و نگهداری ارتباط با قسمت مربوط به بدهیها

ث) ارزیابی منظمی از ظرفیت فروش داراییها

۶. ناظران تعیین می‌کنند که بانک‌ها باید دارای برنامه‌های مناسب تأمین منابع احتیاطی و با در نظر گرفتن احتمالات باشند تا بتوانند مشکلات نقدینگی را برطرف کنند. همچنین ناظران برای بانک‌ها تعیین می‌کنند که برنامه احتیاطی تأمین منابع رسماً و بصورت مفصل تشریح و مستند شود. همچنین، راهبردهای بانک برای بررسی تله‌های نقدینگی در شرایط بحرانی را بدون اتکا به آخرین منبع تأمین مالی^{۸۸} بیان کند. ناظران همچنین تعیین می‌کنند که طرح و برنامه احتیاطی تأمین منابع بانک‌ها، مسئولیت‌های روشنی از جمله برنامه‌های ارتباطی روشن را ایجاد کرده (که شامل ارتباط با ناظران نیز می‌شود) و بطور منظم آزمایش و به‌روز شود تا اطمینان حاصل گردد که از لحاظ عملیاتی پایدار باشد. ناظران ارزیابی می‌کنند که آیا، با توجه به مشخصه ریسکی و اهمیت سیستمی بانک، برنامه تأمین منابع احتیاطی امکان پذیر و عملی است یا خیر؟ لذا از بانک‌ها می‌خواهند که هر نوع ناکارائی را در این رابطه بررسی کنند.

۷. ناظران از بانک‌ها می‌خواهند که انواع مختلف سناریوهای کوتاه مدت آزمون بحران نقدینگی مخصوص بانک و در سطح بازار (هم بصورت فردی و هم بصورت جمعی) همراه با استفاده از فرض‌های محافظه‌کارانه و بازنگری شده برای بحران نقدینگی در برنامه‌های مربوط به آزمون بحران خود در راستای اهداف مدیریت ریسک را مورد استفاده قرار دهند. ناظران برای بانک‌ها تعیین می‌کنند که نتایج حاصل از آزمون بحران باید توسط بانک بکار گرفته شده تا در جهت تغییر و تعدیل راهبردها، سیاست‌ها و موقعیت‌های مدیریت ریسک نقدینگی، مورد استفاده قرار گیرد. همچنین این نتایج باید برای توسعه برنامه‌های تأمین منابع احتمالی نیز مورد استفاده قرار بگیرد.

۸. ناظران بانک‌هایی که نقل و انتقال مهم نقدینگی بر حسب ارزش خارجی انجام می‌دهند را شناسایی می‌کنند. زمانی که فعالیت تجاری بانک بر حسب ارزش خارجی قابل توجه باشد یا اینکه بانک در معرض خطر جدی ریسک نرخ ارز مشخصی قرار داشته باشد، ناظران از بانک می‌خواهند که تحلیل جداگانه‌ای از راهبرد خود در خصوص نقدینگی انجام داده و الزامات نقدینگی خود را بصورت جداگانه در مورد هر یک از ارزهای مهم مورد پایش قرار دهند. این امر شامل استفاده از آزمون بحران جهت تعیین میزان تناوب و عدم تطبیق سررسیدها در خصوص آن ارز می‌شود. همچنین شامل تنظیم و بازنگری منظم محدودیت‌های مربوط به میزان عدم تطابق جریانات نقد ارزهای مزبور به صورت کلی و هر یک از ارزهای عمده بصورت جداگانه می‌باشد. در چنین مواردی، ناظران، نیازهای نقدینگی بانک را در مورد هر یک از ارزهای عمده، مورد پایش

⁸⁸ lender of last resort (LLR)

قرار داده و توانایی بانک در انتقال نقدینگی از یک ارز به ارز دیگر در حوزه مقرراتی و همچنین نهادهای قانونی را مورد ارزیابی قرار می‌دهند.

معیارهای اضافی برای این اصل

۱. ناظران برای بانکها تعیین می‌کنند که سطوح دارائیهایی مبتنی بر بدهی‌های بانک، با محدودیت‌های قابل قبولی مدیریت شده تا ریسک‌های ناشی از این دارائیهها کاهش یابد. این موضوع از منظر تأثیر این دارائیهها بر هزینه تأمین منابع بانکها و دلالت‌های آن برای مستمر بودن نقدینگی بلندمدت مطرح می‌شود. ناظران از بانکها می‌خواهند که به شفاف سازی کافی متعهد بوده و در تنظیم محدودیت‌هایی جهت کاهش ریسک‌های شناخته شده تعهد داشته باشند.

اصل ۲۵: ریسک عملیاتی

ناظران تعیین می‌کنند که بانکها دارای چارچوب مناسب و مکفی برای مدیریت ریسک عملیاتی باشند^{۸۹}؛ به‌گونه‌ای که میزان ریسک پذیری، مشخصه ریسکی و شرایط اقتصاد کلان و بازار را مدنظر داشته باشد. این چارچوب باید شامل فرایندها و سیاست‌های احتیاطی برای شناسایی، ارزیابی، پایش، گزارش و کنترل یا کاهش به موقع ریسک عملیاتی باشد.

معیارهای ضروری برای این اصل

۱. قوانین، مقررات یا ناظران از بانکها می‌خواهند که دارای فرایندها، سیاستها و راهبردهای مناسب مدیریت ریسک عملیاتی باشند تا ریسک عملیاتی را شناسایی، ارزیابی، پایش، گزارش و کنترل یا کاهش دهند. همچنین، ناظران برای بانکها تعیین می‌کنند که این راهبردها، فرایندها و سیاست‌های بانک باید با قدرت سرمایه، مشخصه ریسک، میزان ریسک‌پذیری و اهمیت سیستمی بانک سازگار بوده و شرایط اقتصاد کلان و بازار را در نظر بگیرد. همچنین، همه ابعاد مهم ریسک عملیاتی رایج در کسب و کار یک بانک (شامل دوره‌هایی که ممکن است ریسک عملیاتی در آنها افزایش یابد) را مورد بررسی قرار دهد.

۲. ناظران از بانکها می‌خواهند که فرایندها، سیاستها و راهبردهای مربوط به مدیریت ریسک عملیاتی بانک (که شامل ریسک‌پذیری بانک در زمینه ریسک عملیاتی است) باید توسط هیأت مدیره بررسی شود و بطور منظم مورد بازنگری قرار گیرد. همچنین، ناظران از بانکها می‌خواهند که هیأت مدیره باید مدیریت را زیر نظر داشته تا اطمینان حاصل شود که این فرایندها و سیاستها به صورت مؤثر اجرا شوند.

۳. ناظران تعیین می‌کنند که راهبرد تأیید شده و فرایندها و سیاست‌های مهم تعیین شده برای مدیریت ریسک عملیاتی به طور مؤثر توسط آنان اجرا شده و با فرایند کلی مدیریت ریسک بانک یکپارچه شود.

^{۸۹} کمیته بال، ریسک عملیاتی را به عنوان ریسک زیان ناشی از فرایندهای غلط و ناکافی داخلی، افراد یا سیستمها و همچنین ناشی از وقایع بیرونی تعریف کرده است.

۴. ناظران کیفیت و جامعیت برنامه‌های خروج از شرایط بحران و طرح‌های تداوم کسب و کار بانک‌ها را مورد بررسی قرار می‌دهند تا امکان پذیر بودن آنها در سناریوهای جدی رکود و بحران که بانک را تحت تأثیر قرار می‌دهند، بررسی شود. برای این منظور، ناظران از بانک‌ها می‌خواهند که توانایی یک عمل هوشمندانه را داشته و زیان‌هایی که ممکن است ناشی از نقص در سیستم‌های تسویه و پرداخت باشد را در شرایط بحران حداقل کند.
۵. ناظران برای بانک‌ها تعیین می‌کنند که بانک‌ها باید فرایندها و سیاست‌های مربوط به فن آوری اطلاعات مناسب را ایجاد نمایند تا ریسک‌های فن آوری را شناسایی، ارزیابی، پایش و مدیریت کنند. همچنین تعیین می‌کنند که بانک‌ها باید دارای زیر ساختارهای درست و مناسب فن آوری اطلاعات باشند تا الزامات فعلی و برنامه‌ریزی شده کسب و کار را (در شرایط عادی و بحرانی) فراهم کنند. این زیر ساختارها باید یکپارچگی سیستم و داده‌ها و همچنین امنیت و دسترسی را تضمین کرده و مدیریت ریسک جامع و یکپارچه را پشتیبانی کند.
۶. ناظران تعیین می‌کنند که بانک‌ها دارای سیستم‌های اطلاعات مؤثر و مناسب باشند تا:
- الف) ریسک عملیاتی را پایش کنند.
 - ب) داده‌های ریسک عملیاتی را گردآوری و تجزیه و تحلیل کنند.
 - پ) سازوکارهای گزارش دهی مناسب در سطح هیأت مدیره، کسب و کار و مدیریت ارشد را به گونه‌ای فراهم کند که مدیریت فعال ریسک عملیاتی را پشتیبانی کند.
۷. ناظران از بانک‌ها می‌خواهند که سازوکار گزارش دهی مناسب داشته باشند تا ناظران را نسبت به توسعه‌های مؤثر انجام گرفته در ریسک عملیاتی در قلمرو قانونی مطلع سازند.
۸. ناظران تعیین می‌کنند که بانک‌ها باید فرایندها و سیاست‌های مناسبی برای ارزیابی، مدیریت و پایش فعالیت‌های برون سپاری شده را ایجاد کرده باشند. برنامه مدیریت ریسک مربوط به برون سپاری، شامل موارد زیر می‌باشد:
- الف) انجام سعی و کوشش شایسته برای انتخاب تأمین کننده بالقوه خدمات
 - ب) سامان‌دهی ترتیبات مربوط به برون سپاری
 - پ) مدیریت و پایش ریسک مربوط به ترتیبات برون سپاری
 - ت) تضمین یک محیط کنترلی مؤثر
 - ث) ایجاد برنامه مبتنی بر احتمالات
- فرایندها و سیاست‌های برون سپاری از بانک می‌خواهد که دارای قراردادها و توافق نامه‌های شرح خدمات جامع همراه با تخصیص مسئولیت‌ها بین تأمین کننده کار برون سپاری و بانک باشد.

معیار اضافی

ناظران بطور منظم باید هر نوع نقطه مشترکی که بانکها را در معرض ریسک عملیاتی قرار می‌دهد، یا بصورت بالقوه آنها را آسیب‌پذیر می‌سازد (به عنوان مثال برون سپاری امور کلیدی و مهم توسط بانکها به ارائه کنندگان خدمات بیرونی مشترک یا قطع پرداخت وجه یا تسویه حساب با این تأمین کنندگان) شناسایی کنند.

اصل ۲۶: کنترل داخلی و حسابرسی

ناظران تعیین می‌کنند که بانکها جهت انجام کسب و کار خود باید دارای چارچوب‌های کنترل داخلی مناسب برای ایجاد و نگهداری یک محیط عملیاتی کنترل شده مناسب با توجه به مشخصه ریسکی خود باشند. این امر شامل ترتیبات شفاف برای واگذاری اختیارات و مسئولیت‌ها، تفکیک وظایف کسانی که در پرداخت وجوه بانک دخیل هستند از وظایف کسانی که مسئول محاسبه و حسابداری دارائیهها و بدهی‌ها می‌باشند، تلفیق این فرایندها، حفاظت از دارائیههای بانک و میزان انطباق کارکردها و حسابرسی داخلی مناسب و مستقل به منظور بررسی میزان تبعیت از این کنترلها و همچنین قوانین و مقررات کاربردی می‌باشد^{۹۰}.

معیارهای ضروری برای این اصل

۱. قوانین، مقررات یا ناظران از بانکها می‌خواهند که برای انجام کسب و کار خود با توجه به مشخصه ریسکی بانک دارای چارچوب‌های کنترل داخلی بوده تا یک محیط عملیاتی کنترل شده مناسب را ایجاد کنند. این کنترلها، در مسئولیت مدیریت ارشد و هیأت مدیره بوده و به ساختار سازمانی، فرایندها و سیاست‌های حسابداری، چکها و حسابها و حفظ دارائیهها و سرمایه گذاری، رسیدگی کند (که شامل شاخص هایی برای جلوگیری، تصمیم سریع و گزارش در رابطه با سوء استفاده ها مانند کلاه برداری، اختلاس، تجارت غیر قانونی و بدون کنترل و نفوذ کامپیوتری می‌شود). به طور خاص، این کنترلها موارد زیر را مورد بررسی قرار می‌دهند:

الف) ساختار سازمانی: تعریف وظایف و مسئولیتها، شامل تفویض روشن اختیارات (به عنوان مثال محدودیت‌های تأیید شده در رابطه با وام)، فرایندها و سیاست‌های تصمیم گیری، تفکیک کارکردها و موقعیتهای حساس (به عنوان مثال، سازماندهی کسب و کار، پرداختها، تلفیق، مدیریت ریسک، حسابداری، حسابرسی و تطبیق)

ب) فرایندها و سیاست‌های حسابداری: تلفیق حسابها، لیستهای کنترل اطلاعاتی برای مدیریت

پ) کنترلها و ایجاد تعادل (یا اصل کنترل دو نفری): تفکیک وظایف، کنترل بین بخشی، کنترل دوطرفه دارائیهها، دو امضاء

بودن

^{۹۰} در ارزیابی میزان استقلال، ناظران به سیستم های کنترل که برای اجتناب از تضاد منافع در اندازه گیری عملکرد در بخش های تطبیق، کنترل و حسابرسی داخلی طراحی شده اند، توجه دارند. به عنوان مثال، سیستم پاداش این کارکنان باید مستقل از نوع کسب و کاری که آنها نظارت می کنند تعیین شود.

- (ت) محافظت و نگهداری از داراییها و سرمایه گذاریها: که شامل کنترل فیزیکی و دستیابی به کامپیوتر می‌باشد.
۲. ناظران تعیین می‌کنند که یک تعادل مناسبی بین مهارت‌ها و منابع اداره پشتیبان، کارکردهای کنترل و مدیریت عملیات مرتبط با واحدهای سازمانی، وجود داشته باشد. همچنین ناظران تعیین می‌کنند که کارکنان قسمت پشتیبان و کنترل، دارای مهارت‌ها و اختیارات کافی در درون سازمان باشند (و در جایی که مناسب باشد، مقامات کنترلی به هیأت مدیره دسترسی داشته باشند) تا یک رسیدگی و ایجاد تعادل مؤثر در واحدهای سازمان برقرار باشد.
۳. ناظران تعیین می‌کنند که بانک‌ها باید دارای یک بخش یا کارکرد رسمی دائمی و مستقل برای انجام امور مربوط به تطبیق باشد^{۹۱} تا مدیریت ارشد را در مدیریت مؤثر ریسک‌های تطبیقی که بانک با آن روبرو می‌شود، کمک کند. ناظران تعیین می‌کنند که کارکنان واحد تطبیق باید به شکل مناسبی آموزش دیده و دارای مهارت و تجربه باشند و از اختیارات کافی در بانک برخوردار بوده تا نقش خود را به شکل مؤثر انجام دهند. همچنین، ناظران تعیین می‌کنند که هیأت مدیره باید مدیریت این واحد را تحت نظر داشته باشد.
۴. ناظران تعیین می‌کنند که بانک‌ها باید دارای یک مقام حسابرسی داخلی مستقل^{۹۲}، دائم و مؤثر بوده که دارای مسئولیت‌های زیر باشد:
- الف) ارزیابی این که آیا فرایندها، سیاست‌ها و کنترل‌های داخلی (که شامل مدیریت ریسک، فرایندهای حاکمیت شرکتی و تطبیق) مناسب و مؤثر و کافی برای فعالیت بانک است یا خیر؟
- ب) حصول اطمینان از اینکه فرایندها و سیاست‌ها با هم مطابق بوده و از هم پیروی می‌کنند.
۵. ناظران بانکی تعیین می‌کنند که مقام حسابرسی باید:
- الف) از منابع و نیروی آموزش دیده کافی برخوردار بوده و دارای تجربیاتی جهت ارزیابی نوع کسب و کاری که حسابرسی می‌کنند، باشند.
- ب) دارای استقلال در گزارش‌دهی به هیأت مدیره بانک یا کمیته حسابرسی هیأت مدیره بوده و دارای موقعیتی در بانک باشد که اطمینان حاصل کند که مدیریت ارشد به توصیه‌های آن حسابرس واکنش نشان داده و بر مبنای آنها عمل کند.
- پ) به طور منظم و به موقع از هرگونه تغییرات مهم ایجاد شده در راهبرد مدیریت ریسک بانک و فرایندها و سیاست‌ها مربوط به آن آگاه باشد.

^{۹۱} منظور از واژه "امور تطبیق" به معنای وجود یک واحد سازمانی برای این امور نیست. کارکنان تطبیق ممکن است که در واحدهای عملیاتی یا زیرمجموعه‌های آنها مستقر شوند و علاوه بر ارائه گزارش در آن واحد، به مسئولین نظارتی نیز بصورت مستقل گزارش می‌دهند.

^{۹۲} واژه "مقام حسابرسی داخلی" به معنای وجود یک واحد سازمانی مستقل نیست. برخی از کشورها به بانک‌های کوچک این اجازه را می‌دهند که یک سیستم مستقل بازبینی کنترل‌های داخلی کلیدی را پیاده‌سازی کنند.

ت) به هر یک از کارکنان دسترسی کامل داشته و با آنان در ارتباط باشند. همچنین، به داده‌های بانک و زیرمجموعه‌های آن جایی که مربوط به حسابرس و وظایف آن باشد، دسترسی داشته باشد.

ث) از یک متدولوژی که ریسک‌های مهم بانک را شناسایی می‌کند استفاده کند.

ج) یک طرح حسابرسی را آماده کرده و به طور منظم، بر اساس ارزیابی از ریسک، آن را بررسی کرده و بر اساس آن، منابع را اختصاص دهد.

چ) دارای اختیار ارزیابی هر نوع کارکرد برون سپاری شده به خارج از سازمان باشد.

اصل ۲۷: گزارش‌دهی مالی و حسابرسی مستقل

ناظران تعیین می‌کنند که بانک‌ها و گروه‌های بانکی باید ثبت‌ها و مدارک کافی و قابل اتکا را نگه داشته و صورت‌های مالی را با توجه به کارها و سیاست‌های حسابداری که در سطح ملی و بین‌المللی پذیرفته شده است، تهیه نمایند. بانک‌ها باید به طور سالیانه اطلاعاتی که بیانگر عملکرد و شرایط مالی واقعی آنهاست و حاوی نظر حسابرس مستقل می‌باشد را منتشر کنند. ناظران همچنین تعیین می‌کنند که بانک‌ها و شرکت‌های مادر گروه بانکی نیز باید تحت کنترل و نظارت حسابرس مستقل باشند.

معیار ضروری برای این اصل

۱. ناظران^{۹۳}، هیأت مدیره و مدیریت را مسئول می‌کنند تا اطمینان حاصل کنند که صورت‌های مالی با توجه به کارها و سیاست‌های حسابداری پذیرفته شده در سطح بین‌المللی، تهیه شده باشند و همچنین توسط سیستم‌های نگهداری حساب‌ها، پشتیبانی شوند تا داده‌های قابل اتکا و کافی تولید گردد.
۲. ناظران برای حصول اطمینان از اینکه صورت‌های مالی بصورت سالیانه برای عموم منتشر شده و حاوی نظر حسابرس مستقل و بر اساس استانداردهای بین‌المللی پذیرفته شده باشد، می‌توانند مدیریت و هیأت مدیره را مسئول این موضوعات قرار دهند.
۳. ناظران برای بانک‌ها تعیین می‌کنند که آنها باید از روش‌های ارزش‌گذاری متناسب با استانداردهای حسابداری پذیرفته شده در سطح بین‌المللی استفاده کنند. ناظران بانکی همچنین از بانک‌ها می‌خواهند که چارچوب، ساختار و فرایندهای مربوط به تخمین ارزش اسمی، مبتنی بر تأیید و تصدیق مستقل باشد و این بانک‌ها هر نوع تفاوت مهم بین ارزش‌گذاری با اهداف گزارش‌دهی مالی و اهداف مقرراتی را مستند کنند.

^{۹۳} در این اصل، ناظر الزاماً به معنای ناظران بانکی نیست. مسئولیت حصول اطمینان از اینکه صورت‌های مالی بر اساس سیاست‌های حسابداری تهیه شده باشد ممکن است به عهده ناظران بازار و اوراق بهادار نیز باشد.

۴. قوانین و مقررات، یا ناظران دارای این اختیار هستند که اهداف حسابرسان مستقل و استانداردهایی که لازم است در جهت انجام حسابرسی از آنها پیروی شود را تعیین کنند. این مقررات خواستار استفاده از یک رویکرد مبتنی بر ریسک در برنامه‌ریزی و عمل حسابرس مستقل می‌باشند.
۵. رهنمودهای نظارتی یا استانداردهای حسابرسی بانک‌ها تعیین می‌کنند که حسابرسان باید حوزه‌هایی نظیر پرتفوی وام، ذخیره‌گیری برای زیان وام، دارائیهای معوق، ارزش‌گذاری دارائی، فعالیت‌های تجاری و سایر اوراق بهادار، اوراق مشتقه، اوراق بهادر مبتنی بر دارائیهها، تجمیع و ادغام با موارد زیر خط ترازنامه و میزان کفایت کنترل‌های داخلی در گزارش‌های مالی را مورد بررسی قرار دهند.
۶. ناظران دارای این اختیار هستند که انتصاب حسابرسان مستقل که دارای استقلال و تخصص کافی نبوده یا از استانداردهای حرفه‌ای تعیین شده پیروی نمی‌کنند را لغو و رد نمایند.
۷. ناظران از بانک‌ها می‌خواهند که حسابرسان مستقل خود (اعم از شرکت حسابرسی یا افراد داخل یک شرکت) را در فواصل زمانی مختلف تغییر دهند.
۸. ناظران به صورت دوره‌ای باید با شرکت‌های حسابرسی مستقل ملاقات نمایند تا موضوعات مشترک مربوط به عملیات بانک را مورد بحث قرار دهند.
۹. ناظران از حسابرسان مستقل به صورت مستقیم یا از طریق بانک می‌خواهند که موضوعات مهم مانند عدم تطابق با معیارهای مربوط به مجوز بانکی، نقض مقررات بانکی یا سایر قوانین، ناکارائیهای مهم یا ضعف کنترل در فرایند گزارش دهی مالی بانک یا سایر موضوعاتی که معتقدند احتمالاً مهم بوده و مرتبط با ناظران است را به ناظران گزارش کنند. از نظر قوانین یا مقررات، حسابرسانی که چنین گزارش‌های را ارائه نمی‌دهند، از لحاظ نقض وظیفه راز داری و نگهداری اطلاعات محرمانه، ممکن است قابل اطمینان نباشند.

معیار اضافی

ناظران دارای این اختیار می‌باشند که جایی که لازم باشد، به گزارش‌های کاری حسابرسان دسترسی داشته باشند.

اصل ۲۸: افشاء و شفافیت

ناظران تعیین می‌کنند که بانک‌ها و گروه‌های بانکی اطلاعات تلفیقی یا انفرادی را به طور منظم به عموم منتشر کنند. این اطلاعات باید به آسانی در دسترس بوده و به شکل صحیح و مناسبی منعکس کننده شرایط مالی، عملکرد، افشاء ریسک، راهبردهای مدیریت ریسک و فرایندها و سیاست‌های مربوط به حاکمیت شرکتی در بانک‌ها باشد.

معیارهای ضروری برای این اصل

۱. قوانین، مقررات یا ناظران از بانک‌ها می‌خواهند که اطلاعات خود اعم از آمارهای تجمیعی یا انفرادی بصورت دوره‌ای را برای عموم منتشر کنند^{۹۴}. این اطلاعات باید منعکس کننده عملکرد و شرایط مالی واقعی بانک بوده و با استانداردهایی که مقایسه پذیری، مرتبط بودن، قابل اتکا بودن و بجا بودن اطلاعات افشاء شده را ترفیع می‌بخشند، منطبق باشند.
۲. ناظران تعیین می‌کنند که افشاء مورد نظر باید شامل اطلاعات کیفی و کمی در خصوص عملکرد مالی بانک، وضعیت مالی، اقدامات و راهبردهای مدیریت ریسک، در معرض ریسک قرار گرفتن، کل ریسک‌های مربوط به طرف‌های تجاری مرتبط، معامله با این اشخاص، سیاست‌های حسابداری و کسب و کارهای اصلی، مدیریت، حاکمیت و حق الزحمه باشد. دامنه و محتوای اطلاعات ارائه شده و همچنین سطح تفکیک و جزئیات اطلاعات باید با مشخصه ریسکی و اهمیت سیستمی بانک متناسب باشد.
۳. قوانین، مقررات یا ناظران از بانک‌ها می‌خواهند که اطلاعات کلّ نهادهای اصلی در ساختار گروه را افشاء کنند.
۴. ناظران یا سایر مؤسسات دولتی به‌طور مؤثر میزان تطابق با استانداردهای افشاء را مورد بررسی قرار داده و آن را به اجرا در می‌آورند.
۵. ناظران یا سایر واحدهای مربوطه، اطلاعات تجمیعی درباره سیستم بانکی را بصورت منظم منتشر کرده تا فهم عموم از سیستم بانکی و عملی کردن نظم بازار تسهیل گردد. این اطلاعات شامل داده‌های تجمیعی شاخص‌های ترازنامه و پارامترهای آماری است که جنبه‌های مهم و اصلی عملیات بانک (اطلاعات مربوط به ساختار ترازنامه، نسبت‌های سرمایه، ظرفیت کسب سود و عایدی و مشخصه‌های ریسکی) را نشان می‌دهند.

معیار اضافی

۱. الزامات مربوط به شفاف سازی و ارائه اطلاعات باید به فهم ریسک‌های موجود در عملیات یک بانک طی یک دوره گزارش‌گری مالی نظیر متوسط ریسک‌ها یا گردش مالی طی دوره کمک کنند.

اصل ۲۹: سوء استفاده از خدمات مالی

- ناظران تعیین می‌کنند که بانک‌ها باید دارای فرایندها و سیاست‌هایی نظیر مقررات سخت‌گیرانه شناسایی دقیق مشتریان (CDD)^{۹۵} بوده تا استانداردهای حرفه‌ای و اخلاقی را در بخش مالی بهبود داده و از سوء استفاده عمدی یا سهوی از بانک در فعالیت‌های مجرمانه جلوگیری شود^{۹۶}.

^{۹۴} برای این اصل، الزام افشاء اطلاعات ممکن است که در حسابداری، انتشار سهام در بازار بورس اوراق بهادار، یا سایر موارد مشابه، علاوه بر موارد معین ارائه شده توسط ناظران، نیز وجود داشته باشد.

^{۹۵} customer due diligence

معیار ضروری برای این اصل

۱. قوانین یا مقررات، وظایف و اختیارات ناظران را در رابطه با نظارت بر کنترل های داخلی و اجرای قوانین و مقررات مربوط به بانکها با توجه با فعالیتهای مجرمانه تعیین می کنند.
۲. ناظران تعیین می کنند که بانکها باید دارای فرایندها و سیاستهای کافی بوده تا استانداردهای حرفه ای و اخلاقی را ترفیع و بهبود بخشند و از فعالیتهای مجرمانه در بانک (به شکل بین المللی یا غیره) جلوگیری به عمل آورند. این موضوع شامل جلوگیری و کشف اعمال خلاف قانون و گزارش دهی و ارجاع این فعالیتهای مجرمانه به مسئولین مربوطه می باشد.
۳. علاوه بر گزارش به واحد اطلاعات مالی یا سایر مسئولین، بانکها فعالیتهای مشکوک غیر قانونی و وقایع مربوط به کلاه برداری را به ناظران بانکی گزارش می دهند. این در صورتی است که این وقایع برای امنیت، سلامت و شهرت بانک، مهم باشند.^{۹۷}
۴. اگر ناظران از هر نوع معاملات مشکوک آگاه شوند، باید آن را به واحد اطلاعات مالی اطلاع دهند یا اگر امکان داشته باشد، به مسئولین ذیربط تعیین شده برای این معاملات گزارش داده شود. به علاوه، ناظران بصورت مستقیم یا غیرمستقیم اطلاعات مربوط به فعالیتهای خلاف قانون را با مسئولین مربوطه به اشتراک می گذارند.
۵. ناظران برای بانکها تعیین می کنند که آنها باید سیاستها و فرایندهای CDD را برقرار کنند که به خوبی مستند شده و مربوط به همه کارکنان باشند. ناظران همچنین تعیین می کنند که این فرایندها و سیاستها باید با فرایند کلی مدیریت ریسک بانک یکپارچه شده باشند. همچنین، باید اقدامات مناسبی برای شناسایی، ارزیابی، پایش، مدیریت و کاهش ریسکهای مربوط به پولشویی و تأمین مالی تروریسم، با توجه به مشتری ها، کشورها، و مناطق و همچنین از نظر محصولات، خدمات، معاملات و کانالهای تحویل و ارائه وجود داشته باشند. برنامه مدیریت CDD، در سطح گروهی، دارای اجزاء زیر است:
 - الف) یک سیاست پذیرش مشتری که روابط تجاری غیر قابل پذیرش توسط بانک بر مبنای ریسکهای شناخته شده را تعیین کند.
 - ب) یک برنامه شناسایی و تأیید و بررسی مشتری بطور مستمر؛ این برنامه باید شامل تصویب منافع مالکان، درک هدف و ماهیت روابط کسب و کار و بررسی های مبتنی بر ریسک برای حصول اطمینان از ثبت های انجام شده به روز شوند.
 - پ) سیاستها و فرایندهایی برای پایش و تشخیص معاملات غیرطبیعی و فعالیتهایی که بالقوه مجرمانه است

^{۹۶} کمیته از این موضوع اطلاع دارد که در بعضی کشورها، کارکردهای دیگری مانند واحد اطلاعات مالی (financial intelligence unit: FIU) ممکن است که وظیفه ابتدائی ارزیابی میزان انطباق با مقررات برای تشخیص اقدامات مجرمانه در بانکها را به عهده داشته باشند. بنابراین، در این اصل، واژه ناظر ممکن است مربوط به مقامهای دیگری، به خصوص در اصول ضروری ۸.۷ و ۱۰، به غیر از نهاد اطلاعات مالی اطلاق شود. در این کشورها، ناظر بانکی با این مسئولین در راستای رسیدن به انطباق با موارد مطرح شده در این اصل، همکاری می کند.

^{۹۷} بانکها باید با توجه به استانداردهای بین المللی، اقدامات و فعالیتهای مشکوک که شامل موارد پولشویی و تأمین مالی تروریسم می شود را به مراکز مربوط گزارش دهند. این مقامات ممکن است که یک مقام مستقل، یا مقامی در زیرمجموعه نهادهای دیگر یا جزئی از واحد اطلاعات مالی باشند.

ت) بررسی گسترده در حساب‌هایی که ریسک بالا دارند (به عنوان مثال، تعدیل و تغییر در سطح تصمیم‌گیری مدیریت ارشد از نظر ورود به روابط کسب و کار با توجه به این حسابها یا پیش این روابط، زمانی که کسب و کار موجود ریسکی باشد).

ث) بررسی و تحقیق گسترده در خصوص افرادی که سیاسی هستند (شامل تعدیل و تغییر در سطح تصمیم‌گیری مدیریت ارشد از نظر ورود به روابط کسب و کار با چنین افرادی)

ج) وظایف روشن در رابطه با اینکه چه اطلاعاتی باید در CDD و معاملات فردی نگهداری شود. چنین ثبت‌ها و اطلاعاتی باید دارای حداقل پنج سال دوره نگهداری باشند.

۶. ناظران برای بانک‌ها تعیین می‌کنند که آنها باید علاوه بر بررسی‌ها و بازرسی‌های معمول، دارای فرایندها و سیاست‌های خاص در رابطه با بانک طرف معامله باشند. این فرایندها و سیاست‌ها شامل موارد ذیل می‌باشد:

الف) جمع‌آوری اطلاعات کافی درباره بانک‌های ذیربط به منظور شناسایی ماهیت کسب و کار و مشتریان اصلی آنها و چگونگی نظارت بر آنها

ب) عدم ایجاد یا ادامه ندادن رابطه با بانک‌هایی که کنترل کافی روی اقدامات مجرمانه ندارند؛ یا آنهایی که به شکل مناسب و مؤثر توسط مسئولین مربوط نظارت نمی‌شوند، یا آنهایی که به عنوان بانک‌های مجازی شناخته می‌شوند.

۷. ناظران برای بانک‌ها تعیین می‌کنند که باید دارای کنترل‌ها و سیستم‌های کافی به منظور شناخت و گزارش سوء استفاده بالقوه از خدمات مالی، شامل پولشویی و تأمین مالی تروریسم، باشند.

۸. ناظران، قدرت کافی برای واکنش در مقابل بانک‌هایی که عملکرد آنان مطابق با قوانین و مقررات مربوط به فعالیت‌های مجرمانه نباشد را داشته باشند.

۹. ناظران برای بانک‌ها تعیین می‌کنند که آنها باید دارای:

الف) الزاماتی برای حسابرسی داخلی یا کارشناسان بیرونی که به صورت مستقل، کنترل‌ها، فرایندها و سیاست‌های مدیریت ریسک را ارزیابی کند. ناظران باید به گزارش‌های آنها دسترسی داشته باشند^{۹۸}.

ب) فرایندها و سیاست‌هایی ایجاد نمایند که مأمورین تطبیق در سطح مدیریت را تعیین نموده، و مأموری نیز برای کسانی که سوء استفاده‌های احتمالی در مورد آنها گزارش داده می‌شود، اختصاص یابد.

پ) فرایندها و سیاست‌های کافی برای غربال‌گری و آزمایش افراد برای حصول اطمینان از داشتن استانداردهای حرفه‌ای و اخلاقی در زمان استخدام، یا زمانی که بانک وارد فعالیت‌های برون سپاری می‌شود.

^{۹۸} کارشناسان مستقل می‌توانند شامل حسابرسان مستقل یا اشخاص مرتبط دیگر با تعهد مناسب و با توجه به محدودیت‌های مربوط به اطلاعات مجرمانه، باشند.

ت) برنامه‌های آموزشی مستمر برای کارکنان، که شامل CDD و روش‌های پایش و کشف جرم و فعالیت‌های مجرمانه می‌شود.

۱۰. ناظران برای بانک‌ها تعیین می‌کنند که آنها باید برای کارکنان فرایندها و سیاست‌های شفاف داشته باشند تا هرگونه مشکلات مربوط به سوء استفاده از خدمات مالی به مدیریت محلی یا به مأمور تعیین شده یا هر دو آنها گزارش نمایند. همچنین از بانک‌ها می‌خواهند که یک سیستم اطلاعات مدیریت کامل را ایجاد کنند تا در رابطه فعالیت‌های مشکوک یا مجرمانه، اطلاعات به موقع را به مدیریت، هیأت مدیره یا کارکنان ذیربط ارائه نماید.

۱۱. قوانین مقرر می‌دارند که فردی که فعالیت‌های مجرمانه را به شکل صحیحی به مسئولین داخلی یا بصورت مستقیم به مسئولین بیرونی گزارش می‌دهد، نمی‌تواند بطور کامل قابل اطمینان باشد.

۱۲. ناظران با مسئولین نظارتی بخش مالی داخلی و خارجی به شکل مستقیم یا غیر مستقیم همکاری می‌کنند یا اطلاعات مربوط به فعالیت‌های مشکوک یا جرم‌های واقع شده را در جایی که مربوط به اهداف نظارتی باشد، در دسترس آنها قرار می‌دهند.

۱۳. ناظران برای شناسایی کارهای مجرمانه و مشکوک دارای منابع داخلی همراه با کارشناس مربوطه می‌باشند. این امر زمانی است که این کار توسط ناظران دیگر انجام نشود. در این مورد، ناظران بطور منظم اطلاعاتی را درباره خطرات پولشویی و تأمین مالی تروریسم به بانک‌ها می‌دهند.

پیوست ۱: مقایسه بین اصول اساسی نسخه حاضر با نسخه ۲۰۰۶

نسخه ۲۰۰۶	نسخه حاضر
اختیارات نظارتی، مسئولیت‌ها و کارکردها	
CP 1 : اهداف، استقلال، اختیارات، شفافیت و همکاری	CP 1 : مسئولیت‌ها، اهداف و اختیارات
	CP 2 : استقلال، پاسخ‌گویی، تأمین منابع و حمایت قانونی از ناظران
	CP 3 : همکاری و تشریک مسائی
	CP 4 : اقدامات مجاز
	CP 5 : معیارهای اعطای مجوز
	CP 6 : انتقال در مالکیت عمده
	CP 7 : ادغام‌های عمده
	CP 8 : رویکرد نظارتی
	CP 9 : تکنیک‌های نظارتی
	CP 10 : گزارش‌دهی نظارتی
	CP 11 : اختیارات حل مشکل و اصلاحی ناظران
	CP 12 : نظارت تجمیعی (تلفیقی)
	CP 13 : رابطه ناظران کشور مبدأ و کشور مقصد
الزامات و مقررات احتیاطی	
CP 7 : فرایند مدیریت ریسک	CP 14 : حاکمیت شرکتی
CP 6 : کفایت سرمایه	CP 15 : فرایند مدیریت ریسک
CP 8 : ریسک اعتباری	CP 16 : کفایت سرمایه
CP 9 : دارائیهای مشکل‌دار، ذخیره‌ها و اندوخته‌ها	CP 17 : ریسک اعتباری
CP 10 : محدودیت‌های مربوط به تسهیلات کلان	CP 18 : دارائیهای مشکل‌دار، ذخیره‌ها و اندوخته‌ها
CP 11 : ارائه اعتبار به اشخاص مرتبط	CP 19 : ریسک تمرکز و محدودیت‌های مربوط به تسهیلات کلان
CP 12 : ریسک کشوری و ریسک انتقال	CP 20 : معامله با اشخاص مرتبط
CP 13 : ریسک بازار	CP 21 : ریسک کشوری و ریسک انتقال
CP 16 : ریسک نرخ بهره در دفاتر بانکی	CP 22 : ریسک بازار
CP 14 : ریسک نقدینگی	CP 23 : ریسک نرخ بهره در دفاتر بانکی
CP 15 : ریسک عملیاتی	CP 24 : ریسک نقدینگی
CP 17 : کنترل و حسابرسی داخلی	CP 25 : ریسک عملیاتی
CP 22 : حسابداری و شفافیت	CP 26 : کنترل و حسابرسی داخلی
	CP 27 : گزارش‌دهی مالی و حسابرسی بیرونی
	CP 28 : افشاء و شفافیت
CP 18 : سوء استفاده از خدمات مالی	CP 29 : سوء استفاده از خدمات مالی

• Cp : اصل اساسی

پیوست ۲: ساختار و رهنمودی برای گزارش‌های ارزیابی تهیه شده توسط صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی

۱. این پیوست رهنمود پیشنهاد شده توسط صندوق بین‌المللی پول (IMF) و بانک جهانی را برای ارائه و سازماندهی گزارش‌های ارزیابی مربوط به طرح تداوم کسب و کار (BCP)^{۹۹} توسط ناظران در زمینه برنامه ارزیابی بخش مالی (FSAP)^{۱۰۰} و ارزیابی‌های مستقل فراهم می‌کند. فرایند خود ارزیابی^{۱۰۱} که توسط مسئولین ذیربط یک کشور قبل از IMF و بانک جهانی انجام می‌پذیرد، عامل مهمی در فرایند ارزیابی می‌باشد و باید بر اساس رهنمود ارائه شده در این پیوست انجام پذیرد.

۲. گزارش ارزیابی BCP باید به هفت قسمت تقسیم شود: (۱) بخش عمومی که اطلاعات پیش‌زمینه و مربوط به متدولوژی مورد استفاده را فراهم می‌کند؛ (۲) بازنگری و بررسی تنظیمات نهادی و زیرساخت‌های بازار؛ (۳) بازنگری پیش‌شرط‌هایی مربوط به نظارت مؤثر بر بانکداری؛ (۴) ارزیابی جزء به جزء؛ (۵) یک جدول تطبیق که خلاصه‌ای از ارزیابی را ارائه دهد؛ (۶) یک برنامه عملیاتی پیشنهاد شده؛ (۷) پاسخ مسئولین. بندهای زیر خلاصه‌ای از هر یک از این قسمت‌ها را بیان می‌دارند.

۲.۱. بخش عمومی که اطلاعات پیش‌زمینه را در مورد ارزیابی انجام شده فراهم می‌کند. به عبارت دیگر، شرایطی که

در آن ارزیابی انجام شده و متدولوژی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

این بخش باید دارای ویژگی‌های زیر باشد:

الف) نشان‌دهنده توافق مسئولین با حوزه ارزیابی باشد در حالی که مشخص شود که آیا مسئولین فقط با ارزیابی طبق معیارهای ضروری موافق هستند یا اینکه با انجام ارزیابی بر اساس معیارهای اضافی نیز موافق هستند؟ همچنین، در مورد ارزیابی‌های مبتنی بر ریسک، این بخش باید اصول تحت ارزیابی دوباره و علت آن را بیان کند. اسامی و ویژگی‌های شغلی ارزیابان نیز باید در این بخش مطرح شود.

ب) منابع مورد استفاده برای ارزیابی را مطرح سازد. این منابع ارزیابی شامل هر نوع خود ارزیابی، پرسش‌نامه‌هایی که توسط مسئولین تکمیل شده است، قوانین مربوط، مقررات و دستورالعمل‌ها، سایر اسناد از جمله گزارش‌ها، مطالعات، بیانه‌های عمومی، وب سایت‌ها، رهنمودهای منتشر نشده، ارزیابی‌ها و گزارش‌های نظارتی می‌باشد.

⁹⁹ Business continuity planning

^{۱۰۰} The financial sector assessment program. این رهنمودها و فرمت‌های گزارش مبتنی بر ریسک در خصوص رعایت استانداردها و کدها (ROSCs) می‌باشد. ارزیابی‌های خاص یا مبتنی بر ریسک، همه اصول اساسی را شامل نمی‌شود؛ بلکه بر اساس ارزیابی قبلی از میزان انطباق و ارزیابی ریسک‌های مربوطه و میزان آسیب پذیری در هر کشور انتخاب می‌شوند. به آدرس <http://www.imf.org/external/pp/longers.aspx?id=4684> مراجعه شود.

^{۱۰۱} این خودارزیابی باید پیشاپیش در اختیار ارزیابان باشد. همچنین، باید به احتمال نیاز به ترجمه نیز توجه شود و توسط قوانین و مقررات هم حمایت شوند.

پ) مسئولین طرف تجاری را شناسایی کند و بطور کلی، مسئولین رسمی^{۱۰۲} که از آنها مصاحبه شده است، ملاقات‌ها و جلسات با سایر مسئولین نظارتی داخلی، بخش خصوصی و سایر مسئولین ذی‌ربط دولتی یا مجامع صنعتی (مثل کانون بانک‌ها، حسابرسان و حسابداران) را مشخص کند.

ت) عواملی که ارزیابی را تسهیل کرده یا مانع ارزیابی هستند را معرفی کند. به ویژه، شکاف اطلاعاتی (مانند عدم دسترسی به ابزارهای ارزیابی، یا استناد ترجمه شده) باید بیان شود و شاخصی برای تعیین میزان تأثیر این شکاف‌ها بر ارزیابی باید مشخص گردد^{۱۰۳}.

۲,۲. مرور کلی تنظیمات نهادی و ساختار بازار. این بخش باید مروری از محیط نظارتی برای بخش مالی را همراه با یک توضیح مختصر درباره تنظیمات قانونی و نهادی فراهم آورد. در این خصوص، تعهدات و نقش‌های مسئولین مختلف نظارتی، وجود واسطه‌گریهای مالی که تحت نظارت نیستند و نقش سازمان‌های خود تنظیم باید در این بخش توضیح داده شود. به علاوه، این بخش باید توضیح کلی درباره ساختار بازارهای مالی و به خصوص بخش بانکداری، تعداد بانک‌ها، نسبت کل داراییها به GDP، بازنگری اولیه ثبات بانکی، کفایت سرمایه، اهرم مالی، کیفیت داراییها، نقدینگی، سودآوری و مشخصه ریسکی بخش بانکداری و اطلاعات مربوط به مالکیت از جمله داخلی یا خارجی بودن بانک، خصوصی یا دولتی بودن آن، وجود انحصارها و مجموعه‌های قانونمند نشده و اطلاعات مشابه را ارائه دهد.

۲,۳. بازنگری پیش‌شرط‌های مربوط به نظارت مؤثر بر بانکداری. این بخش باید بازنگری پیش‌شرط‌های مربوط به نظارت مؤثر بر بانکداری همانطور که در اصول اساسی کمیته بال توضیح داده شده است را فراهم کند. تجربه نشان داده است که اجرای ناکافی پیش‌شرط‌ها می‌تواند کیفیت و اثربخشی نظارت بانکی را کاهش دهد. ارزیابان باید بصورت واقعی این پیش‌شرط‌ها را مورد بررسی و بازنگری قرار دهند تا اینکه خواننده گزارش بتواند به روشنی محیطی که سیستم بانکی و چارچوب نظارتی در آن در حال انجام کار هستند را بشناسد. این امر رویکردی را برای ارتقاء بهتر ارزیابی و رتبه‌بندی اصول انفرادی فراهم خواهد کرد. این بررسی نباید بیشتر از یک یا دو بند برای هر کدام از پیش‌شرط‌ها باشد. همچنین باید از موارد زیر پیروی کند:

^{۱۰۲} معمولاً از مشخص کردن اسم‌ها برای حمایت از افراد و تشویق به راست‌گویی و صداقت اجتناب می‌شود.

^{۱۰۳} اگر کمبود اطلاعات بر کیفیت و ارزش ارزیابی به وسیله یک اصل خاص تأثیر منفی داشته باشد، ارزیابان باید در بخش پیشنهادات ارزیابی به این نکته اشاره کنند. همچنین، زمانی که دستیابی به اطلاعات مهم در ارزیابی میزان انطباق مهم و حیاتی باشد، موانع پیش‌رو باید مشخص و مستند گردد. این موضوعات باید مد نظر مسئولین ارزیابی قرار بگیرد و جایی که لازم باشد برای گرفتن رهنمودهایی به کارکنان اداره مرکزی هم ارجاع شود.

نکته ۱: نحوه برخورد با پیش شرطها در یک ارزیابی

ارزیابان BCP نباید ارزیابی پیش شرطها را به عهده بگیرند، زیرا این امر فراتر از حوزه ارزیابی‌های استاندارد انفرادی می‌باشد. ارزیابان باید تا بالاترین حد ممکن به اسناد IMF و بانک جهانی اعتماد کرده و اطمینان حاصل کنند که توضیحات و نظرات موجود با آنها منطبق باشند.

ارزیابان، جایی که لازم باشد، باید برای برقراری ارتباط بین این عوامل و اثربخشی نظارت در گزارش‌های خود تلاش می‌کنند. همانطور که در بخش بعدی توضیح داده می‌شود، ارزیابی میزان انطباق با اصول اساسی انفرادی باید چگونگی تأثیر پذیری میزان انطباق‌پذیری از پیش شرطهای ضعیف را بیان کند. جایی که نقاط ضعف موجود در پیش شرطها برای اثربخشی نظارت مهم باشند، ممکن است که آنها بر رتبه‌بندی اصول اساسی تأثیر بگذارد. هر نوع پیشنهاد برای بررسی ناکارائیهای پیش شرطها، جزئی از توصیه‌های ارزیابی نیست اما می‌تواند در حوزه عملیات FSAP جزئی از موارد عمومی FSAP قرار بگیرد.

الف) سیاست‌های اقتصاد کلان سالم و مداوم: بررسی انجام شده باید جنبه‌هایی که می‌تواند بر ساختار عملکرد سیستم بانکی تأثیر بگذارد را توضیح دهد. همچنین، در خصوص میزان کفایت این سیاستها نباید نظری بدهد. این بررسی می‌تواند به تجزیه و تحلیل و توصیه‌های موجود در اسناد IMF و بانک جهانی مانند مقاله IV و سایر گزارش‌های مربوط به صندوق‌ها و بانکها ارجاع دهد.

ب) یک چارچوب مناسب برای تنظیم سیاست ثبات مالی: بازنگری پیش شرطها باید نشان دهنده وجود یک چارچوب مشخص برای تنظیم سیاست احتیاطی کلان در خصوص ثبات و نگهداری سیستم باشد. این بررسی باید عوامل شفافیت نقش‌ها و تعهدات واحدهای مربوط، سازوکاری برای همکاری بین واحدها، ارتباط تحلیل‌های احتیاطی اقتصاد کلان، ریسک‌ها، سیاستها و نتایج آنها را در بر داشته باشد. ارزیابان ممکن است که به ارزیابی‌های مستقل از کیفیت و اثربخشی چارچوب بسنده کنند.

پ) یک زیرساختار عمومی توسعه یافته و مناسب: بررسی واقعی زیرساختار عمومی باید بر عوامل مربوط به سیستم بانکی تمرکز داشته باشد. همچنین، جایی که مناسب باشد، این بررسی باید با همکاری کارشناسان دیگر و تیم‌های بانک جهانی و IMF انجام شود. این قسمت از بررسی پیش شرطها می‌تواند موضوعاتی از قبیل وجود یک فرهنگ اعتباری مناسب، سیستمی از قوانین کسب و کار که سازوکارهایی را برای حل مناسب اختلافات فراهم می‌کند و شامل قوانین شرکتی، ورشکستگی، قراردادها، حمایت از مشتری و قوانین مربوط به مالکیت خصوصی است را در بر بگیرد. همچنین، وجود حسابداری قابل اعتماد، حسابرسی و سایر امور حرفه‌ای، سیستم قضایی قابل اعتماد و مؤثر، مقررات کافی بخش مالی، و سیستم‌های پرداخت مؤثر و تسویه را نیز در بر می‌گیرد.

ت) چارچوب مشخص برای مدیریت بحران، ایجاد بهبود و حل مشکل: این بازنگری باید وجود یک چارچوب نهادی سالم برای مدیریت بحران و حل مشکلات بانک‌ها را نیز مورد توجه قرار دهد. همچنین، شفافیت نقش‌ها و تعهدات واحدهای مربوط نیز در این بازنگری پوشش داده خواهد شد. در عین حال که ممکن است شواهدی از اثربخشی در مدیریت واقعی و رفع بحران‌های گذشته دیده شود، ممکن است که میزان اثربخشی نظارت از مستند سازی نتایج شبیه سازی بحران نیز بدست آید. ارزیابان ممکن است که بر ارزیابی‌های مستقل به غیر از ارزیابی میزان اثربخشی و کفایت چارچوب، اتکا کنند.

ث) سطح مناسب حمایت سیستمی (یا شبکه ایمن عمومی): مرور کلی شبکه‌های ایمنی یا حمایت سیستمی می‌تواند شامل موارد زیر باشد: تجزیه و تحلیل کارکردهای نهادهای مختلف از قبیل مسئولین نظارتی، بیمه‌کنندگان سپرده‌ها و بانک مرکزی. سپس، بازنگری وجود یک فرایند شفاف برای مواجهه با موقعیت‌های بحرانی مانند حل بحران یک نهاد مالی ورشکسته شده مطرح می‌شود. این مرحله با توصیفی از همکاری نقش‌های نهادهای مختلف در این فرایند ترکیب می‌شود. به علاوه، در ارتباط با استفاده از منابع عمومی (از جمله منابع بانک مرکزی) کفایت شاخص‌هایی که میزان ریسک بی‌توجهی را مشخص می‌کنند باید مورد بررسی قرار گیرد. همچنین، سازوکارهایی برای رفع نیازهای کوتاه مدت نقدینگی در درجه اول از طریق بازار بین بانکی و همچنین از سایر منابع نیز توضیح داده می‌شود.

ج) نظم مؤثر بازار: بررسی نظم و انتظام بازار می‌تواند شامل موضوعاتی از قبیل وجود قوانندی برای حاکمیت شرکتی، شفافیت و افشاء مالی حسابرسی شده، ساختارهای مناسب برای بکارگیری و یا عزل مدیران یا اعضاء هیأت مدیره، حمایت از حقوق صاحبان سهام، اطلاعات کافی از بازار و مصرف کننده، افشاء میزان دخالت دولت در بانک‌ها، روش‌هایی ایجاد نظم در بازار مانند انتقال سپرده‌ها و سایر داراییهای بانک، تناوب کافی نرخ بهره و سایر قیمت‌ها، چارچوب مؤثری برای ادغام‌ها، مالکیت و کسب منافع مربوط به حقوق صاحبان سهام، امکان ورود نهادهای خارجی به بازارها و تأمین مالی در خصوص مالکیت آن‌ها می‌باشد.

۲،۴. ارزیابی تفصیلی هر یک از اصول برای فراهم آوردن توصیفی از سیستم با توجه به معیارهای هر اصل، فرایند

رتبه‌بندی یا ارزیابی و پیشنهادات

الف) الگویی برای ارزیابی تفصیلی در زیر ارائه شده است:

جدول ۱: فرمت گزارش ارزیابی تفصیلی

اصل (X) (تکرار عنوان اصل همانطور که در متن اصلی آمده است)	
معیارهای اساسی	
	توصیف و یافته‌هایی با توجه به اصل ضروری ۱
	توصیف و یافته‌هایی با توجه به اصل ضروری ۲
	توصیف و یافته‌هایی با توجه به اصل ضروری n
معیارهای اضافی (تنها اگر مسئولین این نوع ارزیابی را انتخاب کنند)	
	توصیف و یافته‌هایی با توجه به اصل اضافی ۱
	توصیف و یافته‌هایی با توجه به اصل اضافی n
ارزیابی اصل (X)	منطبق/ تا حدودی زیادی منطبق/ تا حدود زیادی غیر منطبق/ غیرمنطبق/ غیر کاربردی
پیشنهادات	

ب) بخش توصیف و یافته‌های ارزیابی باید اطلاعات مربوط به امور مشاهده شده را در کشورهایی که تحت ارزیابی قرار دارند را نشان دهد. این بخش باید موارد عمده مربوط به قوانین و مقررات مربوط را بیان و خلاصه کند. این امر باید بشکلی انجام شود که قوانین و مقررات مربوط به آسانی اجرا شوند. به عنوان مثال، این موضوع از طریق ارجاع به URLs، روزنامه‌های رسمی و منابع مشابه انجام می‌شود. تا آنجایی که ممکن و مرتبط باشد، توضیح مذکور باید به ترتیب زیر ساختار پیدا کند: (۱) قوانین بانکی و مقررات حمایتی؛ (۲) مقررات احتیاطی شامل گزارش‌های احتیاطی و افشاء عمومی؛ (۳) ابزارهای نظارتی؛ (۴) ظرفیت نهادی مسئولین نظارتی (۵) شواهد پیاده‌سازی و یا اجبار بر اجرا یا تعیین میزان کمبود آن.

نکته ۲: شواهد اجرا

شواهد اجرا و یا اعمال اجبار برای انجام آن، از عوامل ضروری هستند. بدون استفاده مؤثر از اختیارات تعیین شده در مقررات و قواعد اجرایی، حتی یک نظارت طراحی شده مناسب هم مؤثر نخواهد بود. مثال‌ها و مصادیق یک اجرایی عملیاتی باید توسط مسئولین مربوطه ارائه و توسط ارزیابان بازنگری و در گزارش بیان شود^{۱۴}.

پ) بخش ارزیابی باید تنها شامل یک خط باشد که بیان کند آیا سیستم، همانطور که در قسمت IV متدلوژی ارزیابی سند اصول اساسی توضیح داده شده، منطبق بوده یا تا حدود زیادی منطبق یا تا حدود زیادی غیرمنطبق یا غیر منطبق است.

- تا زمانی که یک کشور گزینه‌های دیگری را برای ارزیابی انتخاب نکرده باشد، میزان انطباق با اصول اساسی تنها با استفاده از معیارهای ضروری ارزیابی و رتبه‌بندی می‌شود.

^{۱۴} به عنوان مثال: در طول سال‌های گذشته، مقامات ذی‌ربط، چند مرحله اقدامات اصلاحی داشته‌اند؟ بانک‌ها در چه تواتر زمانی بازرسی حضور یافته‌اند؟ چه تعداد درخواست صدور مجوز دریافت شده است و چه تعداد پذیرفته یا رد شده است؟ آیا گزارش کیفیت دارایی‌ها توسط بازرسان آماده شده است و این که آیا نتیجه به مدیریت ارشد بانک ابلاغ شده است؟

- یک کشور ممکن است بصورت داوطلبانه خواستار این باشد که با استفاده از معیارهای اضافی هم ارزیابی شود. این امر به این خاطر است که آن کشور می‌خواهد حوزه‌های که می‌تواند قوانین و مقررات را در آنها گسترش دهد و از نظر ارزیابان در راستای رسیدن به آن منتفع شود را شناسایی کند. با این وجود، انطباق با اصول اساسی هنوز با استفاده از معیارهای ضروری رتبه‌بندی و تعیین می‌شود.
- یک حالت جایگزین این است که کشورهایی که بدنبال انجام بهترین امور نظارتی هستند ممکن است به منظور انطباق بیشتر با اصول، علاوه بر معیارهای ضروری، بصورت داوطلبانه ارزیابی و رتبه‌بندی با استفاده از معیارهای اضافی را هم انتخاب کنند.

نکته ۳: اصل تناسب

معیارهای اساسی، حداقل الزامات پایه برای انجام نظارت صحیح را تعیین نموده و برای همه کشورها کاربرد دارد. با این وجود، در ارزیابی یک حوزه مقرراتی در برابر معیارهای اساسی، باید تشخیص داد که شیوه‌های نظارتی متناسب با مشخصات ریسکی و اهمیت سیستماتیک بانک‌های تحت نظارت باشند. به عبارت دیگر، در انجام ارزیابی باید شرایطی که در آن شیوه‌های نظارتی اعمال می‌شوند را در نظر گرفت. همانند معیارهای اساسی، هرگونه ارزیابی در خصوص معیارهای اضافی نیز باید با رعایت اصل تناسب صورت گیرد. این اصل باید زیربنای ارزیابی تمام معیارها باشد، حتی اگر به صراحت به معیارها اشاره نشده باشد. به عنوان مثال، در حوزه‌ای متشکل از بانک‌های مهم سیستماتیک و یا بانک‌هایی که بخشی از مجموعه‌های پیچیده و درهم تنیده می‌باشند، بدست آوردن درجه "تطابق" بالا در مقایسه با حوزه‌هایی که تنها شامل بانک‌های کوچک و غیر پیچیده بوده و مشغول گرفتن سپرده و اعطای وام هستند، به طور طبیعی امری مشکل‌تر می‌باشد.

ت) بخش "نقطه نظرات" باید برای چرایی اعطای یک درجه و رتبه خاص مورد استفاده قرار گیرد. این استدلال را می‌توان به شرح زیر ساختار بندی نمود:

- ۱- چگونگی و توضیح قوانین و مقررات و اجرای آنها؛
- ۲- چگونگی و توضیح ابزارهای نظارتی، برای مثال، فرمت‌های گزارش دهی، سیستم‌های هشدار دهنده زود هنگام و روش و رویه بازرسی؛
- ۳- کیفیت اجرای عملی؛
- ۴- چگونگی و توضیح ظرفیت سازمانی مقام نظارتی و
- ۵- اقدامات اجرایی. این بخش باید مشخص نماید که انطباق یک معیار خاص، چه موقع و چرا نمی‌تواند به اندازه کافی مورد بررسی قرار گیرد (مانند زمانی که اطلاعات خاصی ارائه نشده است) و یا چه زمانی افراد اصلی جهت بحث در مورد مسائل مهم در دسترس نیستند. تقاضا برای اطلاعات و یا ملاقات باید در بخش "نظرات" ثبت

شده باشد تا به وضوح نشان دهنده تلاش‌های صورت گرفته توسط ارزیابان جهت ارزیابی صحیح یک اصل باشند.

• این بخش باید برای رتبه‌بندی کمتر از "کاملاً منطبق" مورد استفاده قرار گیرد تا اهمیت کاستی‌های مشاهده شده را برجسته نموده و مشخص نماید که برای رسیدن به انطباق کامل یا سطح بالاتری از انطباق، چه نوع معیاری مورد نیاز است. همچنین، این امر باید در قسمت "اقدامات توصیه‌شده" جدول گنجانده شود (جدول آخر این پیوست).

• بخش "نظرات" باید مواردی را که در آن، علی‌رغم وجود قوانین، مقررات و سیاست‌ها، ضعف در اجرای اصول منجر به رتبه بندی کمتر از "کاملاً منطبق" شده است را توضیح دهد. هنگامی که رتبه "کاملاً منطبق" داده شده باشد، و این امر از طریق سازوکارهای مختلف کشور ثابت شده باشد نیز باید در این بخش توضیح داده شود.

• همچنین، زمانی که شیوه‌ها یا قوانین خوبی در برخی زمینه‌ها پیدا می‌شود که می‌تواند به عنوان الگوی مناسبی به سایر کشورها ارائه شود، ارزیابان ممکن است بخش "نظرات" را نیز در این رابطه اضافه کنند.

• ارزیابی و رتبه‌بندی همراه آن صرفاً باید بر پایه چارچوب مقرراتی و اقدامات نظارتی زمان ارزیابی باشد و نباید موارد جدید برنامه‌ریزی شده را با هدف اصلاح وضع موجود یا تصویب اقدامات و مقررات جدید منعکس نماید. با این حال، چنین موارد جدید می‌تواند در این بخش مورد توجه قرار گیرد. چنانچه اقدامات در مرحله‌ای باشند که درجه بالایی از میزان انطباق را نشان دهد، لیکن تاکنون منعکس نگردیده یا اجرا نشده باشند، این امر قابل اجرا خواهد بود. موارد جدید مربوط به قانون‌گذاری، مقرراتی یا نظارتی که در موارد اجرایی تأیید نگردیده‌اند، باید در این بخش بیان گردند.

• هنگامی که ارتباط بین اصول خاص یا بین پیش شرطها و اصول، آشکار باشند، این بخش باید مورد استفاده قرار گیرد تا این نکته را به خواننده گوشزد نماید که علی‌رغم این که مقررات و اقدامات در خصوص اصل (X) سازگار به نظر می‌رسند، ولی به دلیل عدم کارایی اساسی در اجرای اصل (Y) یا پیش شرط (Z)، ممکن است یک رتبه "منطبق" را نتوان به آن تخصیص داد.^{۱۰۵} چنانچه ثابت شود که عدم کارایی‌های مرسوم وجود دارند که هم مرتبط با موضوع بوده و هم به اندازه کافی رتبه‌بندی بیش از یک اصل را تحت تأثیر قرار می‌دهند، در این حالت، ارزیابان باید تا آنجا که ممکن است از احتساب مضاعف اجتناب نمایند. اگر این عدم کارایی‌ها در اصول مرتبط به هم یا پیش شرطها دیده شوند که خیلی مهم و نگران کننده از آسیب رساندن به رتبه‌بندی، نباشند، در این صورت هم باید در این بخش آورده شوند.

^{۱۰۵} به عنوان مثال، ممکن است که نظارت و مقررات نشان دهنده میزان انطباق کفایت سرمایه با مقررات باشند، اما اگر ناکارایی‌های مهمی درباره میزان انطباق با برخی از اصول، مانند اصل مربوط به ذخیره‌گیری، وجود داشته باشد، این بدان معنی است که سرمایه احتمالاً بیش از میزان واقعی نشان داده شده است و بنابراین نسبت‌ها قابل اتکا و اطمینان نیستند.

رتبه‌بندی یک اصل باید بدون در نظر گرفتن سطح توسعه یافتگی یک کشور انجام گیرد. اگر با توجه به اندازه، ماهیت عملیات و پیچیدگی سیستم بانکی یک کشور، معیارهای خاص در آن کشور قابل اجرا نباشد، رتبه‌بندی اصول صرفاً باید بر اساس سطح انطباق با معیارهای کاربردی انجام گیرد. این امر باید به وضوح در این بخش توضیح داده شود؛ به گونه‌ای که در صورت تغییر وضعیت، بررسی کنندگان آتی بتوانند در رتبه‌بندی تجدیدنظر نمایند. در رابطه با گزینه رتبه‌بندی غیرقابل اجرا در رابطه با یک اصل نیز همین امر صادق است.

نکته ۴: گزارش در خصوص رعایت استانداردها و کدها (ROSCs)^{۱۰۶}

ارائه نتایج ارزیابی در "گزارش در خصوص رعایت استانداردها و کدها" (ROSCs) از ارائه نتیجه "ارزیابی تفصیلی" که در بالا شرح داده شد، متفاوت است. بخش ۴ ارزیابی تفصیلی، جایگزین بخشی تحت عنوان "یافته‌های اصلی" می‌شود. این بخش باید یافته‌های مهم ارزیابی تفصیلی را خلاصه نموده و دسته‌بندی‌های اصلی زیر نیز ممکن است به عنوان یک راهنما مفید باشند: مسئولیت‌ها، اهداف، اختیارات، استقلال، مسئولیت‌پذیری و همکاری (اصول اساسی ۱ تا ۳)، مالکیت، ساختار و صدور مجوز (اصول اساسی ۴ تا ۷)، روش‌های نظارت بانکی در حال انجام (اصول اساسی ۸ تا ۱۰)، اختیارات اصلاحی و تحریمی ناظران (اصل اساسی ۱۱) و نظارت بانکی تلفیقی و برون مرزی (اصول اساسی ۱۲ تا ۱۳)، حاکمیت شرکتی (اصل اساسی ۱۴)؛ الزامات احتیاطی، چارچوب نظارتی، حسابداری و افشای اطلاعات (اصول اساسی ۱۵ تا ۲۹).

۵، ۲ - جدول تطبیقی خلاصه‌کننده ارزیابی‌ها از طریق بررسی به شکل اصل به اصل

^{۱۰۷} این جدول دارای دو نسخه است: نسخه اول که درجه بندی صریح را شامل نمی‌شود و در ROSCs استفاده می‌شود و نسخه دوم با درجه بندی است که صرفاً در ارزیابی تفصیلی بکار می‌رود. این جدول باید درک روشنی از درجه تطابق ارائه نموده و شرح مختصری از نقاط مهم قوت و ضعف آن با توجه به هر یک از اصول فراهم نماید. این جدول به شکل زیر است:

جدول ۲: خلاصه تطابق با اصول اصلی بال - گزارش ارزیابی تفصیلی

ردیف	اصول اساسی	درجه بندی	نقطه نظرات
۱	مسئولیت‌ها، اهداف و اختیارات		
۲	استقلال، مسئولیت و حمایت مالی و قانونی برای ناظران		
۳	همکاری و مشارکت		
۴	فعالیت‌های مجاز		
۵	معیارهای اعطای مجوز		

¹⁰⁶ Report on the Observance of Standards and Codes

^{۱۰۷} ROSC رتبه‌بندی در جدول را دربر نمی‌گیرد، زیرا رتبه‌ها بدون توضیحات و نظرات تفصیلی بطور کامل قابل فهم نیست.

۶	انتقال بخش عمده مالکیت	
۷	تملک عمده و اصلی	
۸	رویکرد نظارتی	
۹	ابزارها، روش‌ها و تکنیک‌های نظارت	
۱۰	گزارش‌های نظارتی	
۱۱	اختیارات محدود کننده و اصلاحی ناظران	
۱۲	نظارت یکپارچه/تلفیقی	
۱۳	رابطه بین ناظران کشور مبدأ و مقصد	
۱۴	حاکمیت شرکتی	
۱۵	فرآیند مدیریت ریسک	
۱۶	کفایت سرمایه	
۱۷	ریسک اعتباری	
۱۸	دارائی‌های مشکل دار، ذخائر و اندوخته‌ها	
۱۹	ریسک تمرکز و محدودیت‌های تسهیلات و تعهدات کلان	
۲۰	معامله با اشخاص مرتبط	
۲۱	ریسک انتقال و ریسک کشوری	
۲۲	ریسک‌های بازار	
۲۳	ریسک نرخ بهره در دفاتر بانکی	
۲۴	ریسک نقدینگی	
۲۵	ریسک عملیاتی	
۲۶	کنترل داخلی و حسابرسی	
۲۷	گزارش‌دهی مالی و حسابرسی مستقل	
۲۸	افشاء و شفافیت	
۲۹	سوء استفاده از خدمات مالی	

جدول ۳: خلاصه تطبیق با اصول اصلی بال – ROSC

ردیف	اصول اساسی	درجه بندی	نقطه نظرات
۱	مسئولیت‌ها، اهداف و اختیارات		
۲	استقلال، مسئولیت و حمایت مالی و قانونی برای ناظران		
۳	همکاری و مشارکت		
۴	فعالیت‌های مجاز		
۵	معیارهای اعطای مجوز		
۶	انتقال بخش عمده مالکیت		
۷	تملک عمده و اصلی		
۸	رویکرد نظارتی		

۹	ابزارها، روش‌ها و تکنیک‌های نظارت
۱۰	گزارش‌های نظارتی
۱۱	اختیارات محدود کننده و اصلاحی ناظران
۱۲	نظارت یکپارچه/تلفیقی
۱۳	رابطه بین ناظران کشور مبدأ و مقصد
۱۴	حاکمیت شرکتی
۱۵	فرآیند مدیریت ریسک
۱۶	کفایت سرمایه
۱۷	ریسک اعتباری
۱۸	دارائی‌های مشکل‌دار، ذخائر و اندوخته‌ها
۱۹	ریسک تمرکز و محدودیت‌های تسهیلات و تعهدات کلان
۲۰	معامله با اشخاص مرتبط
۲۱	ریسک انتقال و ریسک کشوری
۲۲	ریسک‌های بازار
۲۳	ریسک نرخ بهره در دفاتر بانکی
۲۴	ریسک نقدینگی
۲۵	ریسک عملیاتی
۲۶	کنترل داخلی و حسابرسی
۲۷	گزارش‌دهی مالی و حسابرسی مستقل
۲۸	افشاء و شفافیت
۲۹	سوء استفاده از خدمات مالی

۶،۲. جدول "اقدامات توصیه‌شده"، توصیه‌های اصل به اصل برای اقدامات و معیارها را جهت بهبود چارچوب قانونی و نظارتی و عملکردها ارائه می‌نماید.

(الف) این بخش باید مراحل پیشنهادی برای بهبود میزان انطباق و اثربخشی کلی چارچوب نظارت را به صورت یک فهرست ارائه کند. چنانچه نواقصی شناسایی شده باشند، باید بر اساس اولویت هر مورد توصیه‌هایی ارائه شود. اقدامات توصیه‌شده از نظر ماهیتی باید مخصوص آن اصل مربوطه باشند. همچنین، به منظور نشان دادن این که اقدامات توصیه‌شده چگونه به بهبود سطح انطباق و تقویت چارچوب نظارت منجر می‌شود، توضیحاتی نیز می‌تواند ارائه کرد. علاوه بر این، به منظور جلوگیری از هم‌پوشانی و یا اشتباه، مسئولیت سازمانی برای هر اقدام پیشنهادی نیز باید به وضوح نشان داده شود. جدول باید تنها آن اصولی را که برای آن‌ها توصیه‌های خاص ارائه شده‌اند را مشخص نماید.

(ب) توصیه‌ها می‌تواند با توجه به میزان انطباق با معیارهای اضافی با توجه به بهبود بیشتر اقدامات نظارتی برای اصولی که منطبق هستند ارائه گردد.

(ج) الگوی "اقدامات توصیه شده"، به شرح زیر است:

جدول ۴: اقدامات توصیه شده

اقدامات توصیه شده برای بهبود میزان انطباق با اصول اساسی بال و اثربخشی چارچوب قانونی و نظارتی	
اقدامات توصیه شده	اصل مرجع
مثال: (الف) مقدمه پیشنهادی مقررات (ب) اقدام نظارتی	اصل (X)
مثال: (ج) مقدمه پیشنهادی مقررات (د) اقدام نظارتی	اصل (Y)

۱۰۸

۲.۷. واکنش مقامات به ارزیابی‌ها . ارزیابان باید به مقامات نظارتی یا مسئولینی که مورد نظارت قرار گرفته‌اند فرصت پاسخ

دادن به یافته‌های ارزیابی‌ها را بدهند. این امر می‌تواند شامل ارائه پیش‌نویس کامل نوشته شده به مقامات باشد. هرگونه اختلاف نظر در نتایج ارزیابی باید به وضوح شناسایی گردیده و در گزارش گنجانده شود.

ارزیابی باید امکان انجام گفتگو و بررسی بیشتر را فراهم کند. بنابراین، تیم ارزیابی باید در طول فرآیند ارزیابی بحث و گفتگویی را با ناظران داشته باشند؛ به گونه‌ای که ارزیابی باید منعکس‌کننده نظرات، دغدغه‌ها و اصلاحات واقعی ناظران باشد. همچنین، از مسؤل یا مسؤلین نیز باید خواسته شود که نوشته مختصری را جهت پاسخگویی به یافته‌ها آماده نمایند ("حق پاسخ"). با این حال، ارزیابی نباید هدف مذاکرات باشد و ارزیابان و مقامات باید "در خصوص موارد مورد اختلاف به توافق برسند"، به شرطی که نظرات مقامات، منصفانه و با دقت نشان داده شده باشند.

۱۰۸

چنانچه، در یک دوره زمانی معقول هیچ پاسخی ارائه نگردد، ارزیابان باید صراحتاً به آن توجه نموده و خلاصه‌ای از پاسخ اولیه مقامات که طی بحث و گفتگوها میان مقامات و ارزیابان بدست آمده است را در پایان ماموریت، ارائه نمایند("خاتمه ملاقات").